



سپاس از خوانندگان و کاربران
ما از شما که هر ماه مبلغی هر چند اندک برای کمک به ادامه انتشار رسانه‌ی خودتان می‌پردازید از صمیم قلب سپاسگزاریم.
تنها پشتیبانان کیهان لندن
شما خوانندگان و کاربران هستید.
روزنامه نگاران و کارکنان کیهان لندن

سرمقاله

آتشِ مرداد را بر دلِ بهمن بزن!

امرداد، ماه انقلاب مشروطه، ماه تجدد و آزادیخواهی ایرانیان است. آن انقلاب چنان کینه‌ای در دل مشروعه‌خواهان کاشت که دست به هر کاری زدند تا به قدرت برسند و انتقام بگیرند: از قتل و ترور توسط «فداییان اسلام» و گروه‌های مذهبی و چریکی دیگر تا آتش زدن سینما و کاباره از سوی هواداران‌شان. وقتی هم در بهمن ۵۷، ماه ارتجاع و عقبگرد، به قدرت رسیدند باز هم دست به هر کاری زدند تا بمانند: از اعدام و جنگ تا غارت و سرکوب مداوم مردم!

بنیادگرایی اسلامی اگرچه در ایران به عنوان یک کشور قدرتمند و استراتژیک به قدرت دولتی رسید و توانست منبع تغذیه‌ی دیگر بنیادگرایان در منطقه و جهان شود، اما در کنار علل مختلف، زاییده‌ی مقاومت اسلامگرایان سنتی در برابر آزادی و تجدد (مدرنیته) بود. مدرنیته با امکانات و اختراعات جدید، مرزهای کشورهای غربی را پشت سر گذاشته و به جوامع مسلمان‌نشین می‌رسید که فقط مصرف‌کننده‌ی این امکانات و اختراعات بودند بدون اینکه ذهنیت و اندیشه‌ی این جوامع تغییر کرده باشد! ولی همانطور که مدرنیته در کشورهای آزاد محدود نماند، بذره‌ای شوم بنیادگرایی نیز در شرایط جدیدی که جهان در اواخر قرن بیستم به سرعت از سر می‌گذراند، در کشورهای اسلامی آسیا و آفریقا محدود نماند و در آغاز قرن بیست و یکم با انفجار برج‌های دوقلوی نیویورک، این مقاومت ارتجاعی و ویرانگر را به همراه قدرت تخریبی خود به شگفت‌انگیزترین شکل ممکن به نمایش گذاشت.

انواع و اقسام گروه‌های فرقه‌ای اسلامی که هیچیک به همدیگر نیز رحم نمی‌کنند، اگرچه بازپچی سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی نیز هستند اما تا زمینه‌ی چنین مقاومت ذهنی در افکار عقب‌مانده‌ی بخشی از جامعه وجود نداشته باشد، امثال جهاد اسلامی و حماس و طالبان و القاعده و بوکوحرام و داعش و در رأس همه اینها جمهوری اسلامی ایران (آنگونه که اخیراً میان مردم معروف شده: جاعش!) نیز عینیت نمی‌یافت! جوامع مسلمان‌نشین در قرن بیستم به دوران گذار از قرون وسطای خود پای گذاشته‌اند بدون آنکه لازم باشد بنا به تبلیغات مسموم و فرصت‌طلبانه‌ی استمرارطلبان هنوز سال‌ها بگذرد تا در آینده، تازه به امروز جهان برسند! در ایران نیز کفایت گسستی به نام «جمهوری اسلامی» را ترمیم و انقلاب مشروطه را با هدف آزادی و دموکراسی، تکمیل و در یک قانون اساسی مدرن و مبتنی بر حقوق بشر تثبیت کرد. رضا مقصدی شاعر تبعیدی ساکن کلن در سال ۱۳۷۲ سروده بود:

دی صفتم، دی سرشت

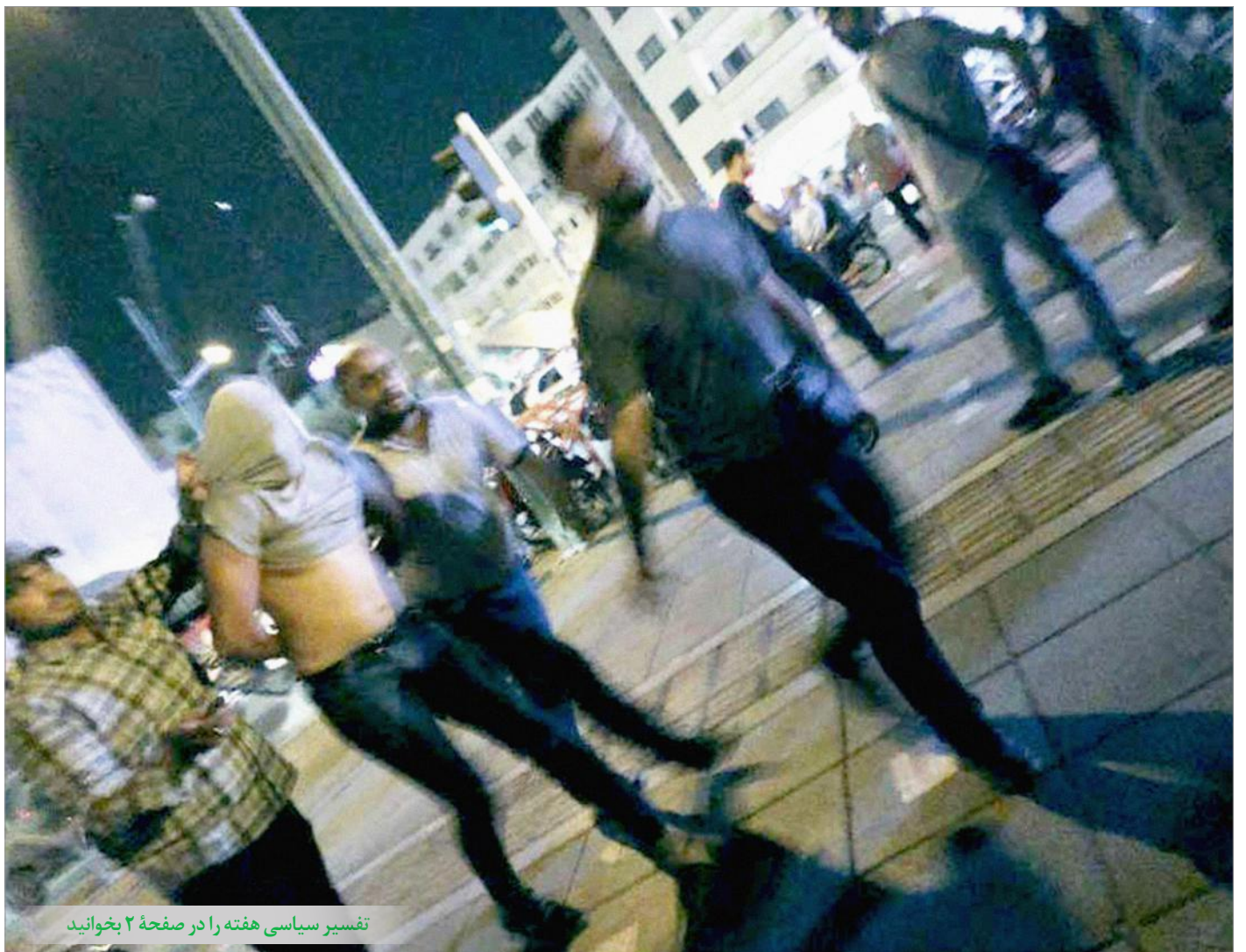
نیستم اردیبهشت

آتش مرداد را

بر دلِ بهمن بزن!

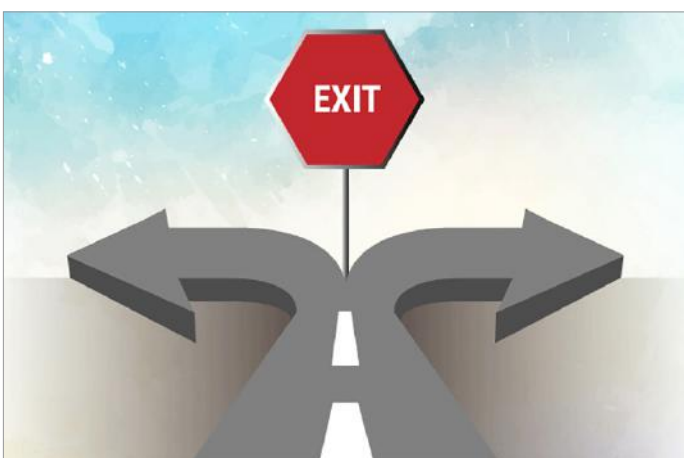
چهار سطر کوتاه بیشتر نیست ولی شگفت‌انگیز است چگونه احساسی که به کلام در می‌آید، گاه چنین با تاریخ و تجربیات جامعه گره می‌خورد و می‌تواند به فریاد تبدیل شود: آتش مرداد را بر دلِ بهمن بزن!

دشمن ما همینجاست، دروغ می‌گن آمریکاست!



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

آنچه از ایران باقی می‌گذارند فرار مغزها با فرار سرمایه تکمیل می‌شود



خروج سرمایه از ایران در کنار دیگر معضلات، به یکی از آفت‌های اقتصاد کشور تبدیل شده و آمارها از سرعت گرفتن فرار سرمایه از کشور خبر می‌دهند. هر چند با اجرایی شدن برجام در دی ماه ۹۴ دولت روحانی تصویر خوشایندی از بازشدن دروازه‌های ایران به روی سرمایه‌گذاران خارجی ترسیم کرده بود و تبلیغات گسترده‌ای روی سفرهای متقابل هیئت‌های سرمایه‌گذاری بین ایران و اروپا انجام می‌شد اما نتیجه ناامیدکننده بوده است. در صفحه ۲

مکتب شوم جنگ طلبی

سپاه و اوپاش منطقه‌ای، دولت و بخشی از اصلاح‌طلبان، روسوفیل‌ها!

در صفحه ۱۸

در این شماره‌ی خواننده

- صفحه ۱۲ ● دوقرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۸۰) - احمد احرار
- گذشته بد مال دیگران است - داریوش همایون
- صفحه ۱۳ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۴ ● دکتر محمد مصدق: آسیب شناسی یک شکست (۲)
- صفحه ۱۵ ● آیا ترامپ با روحانی ملاقات خواهد کرد؟
- صفحه ۱۶ ● پولشویی در سینمای جمهوری اسلامی: برای سینما آب ندارد برای «سوپراستار»ها نان دارد!
- صفحه ۱۳ ● اخطار اسرائیل و آمریکا به جمهوری اسلامی در مورد بسته شدن تنگه هرمز و باب‌المندب
- صفحه ۱۴ ● تظاهرات شبانه در کرج، تهران و چهارشهر دیگر: همکاری اوپاش در سرکوب معترضان
- صفحه ۱۶ ● او اشتباه نکرد... - ال‌ا‌هه بقراط
- صفحه ۱۷ ● ذوق زدگی مستعجل استمرارطلبان از ابراز آمادگی ترامپ برای گفتگو با نظام دزدسالار
- صفحات ۹ و ۸ ● «زن روز» و «مرد روز»

چهار رکورد دو و میدانی دختران ایران شکسته شد

ایران قهرمان شطرنج جام ملت‌های آسیا

فدراسیون فوتبال: کیروش همچنان سرمربی تیم ملی است

شکست سنگین سرینا در سیلیکون ولی؛ پیروزی اندی موری در واشنگتن

دوچرخه‌سوار بریتانیایی قهرمان مسابقات دور فرانسه

نماینده مجلس شورای اسلامی: رئیس جمهوری دستور حضور زنان در ورزشگاه را صادر کرده، چرا وزیر ورزش دستور روحانی را اجرا نمی‌کند؟

در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684

Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید!

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london

دشمن ما همینجاست، دروغ میگن آمریکاست!

تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، اهواز، کرج، بندرعباس، اراک، ورامین و دهها شهر دیگر در این روزها شاهد موج جدیدی از اعتراض‌های مردمی هستند. موجی که دهها شهر و شهرک را در سراسر ایران در بر می‌گیرد. آنچه در روزهای گرم مرداد شاهد آن هستیم، ادامه خیزشی است که در سرمایه‌های دی ۹۶ آغاز شد. هر روز که می‌گذرد خواست‌های مردم در اعتراض‌های خیابانی افزایش پیدمی‌کند. در این روزها اعتراض به قطع مداوم برق و بی‌آبی و کم‌آبی در گرمای تابستان نیز به بیکاری، گرانی و فرام‌فزاینده، اضافه شده است.

دیگه تمومه ماجرا

شعارهای مردم نیز هر روز دقیق‌تر می‌شوند. با شعار گویای «دشمن ما همینجاست، دروغ میگن آمریکاست»، مردم طومار دروغ «دست‌های بیگانه پشت وضعیت نابسامان اقتصادی» را درهم پیچیدند. با شعار هوشیارانه‌ی «توب، تانک، قشقه، آخوند باید گم بشه» مسئولان این وضعیت را به وضوح شناسایی و معرفی کردند و درمان درد میلیون‌ها نفر را در برکناری نظام کنونی دیدند. با فریاد رسای «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» هم نشان دادند که دیگر حاضر نیستند خود را وارد دعوای چنای نظامی بکنند که دامان تمام اجزا و اعضا وابستگان آن به فساد آلوده است و هیچ‌کدام نه می‌خواهند و نه می‌توانند گره‌ای از مشکلات جاری مردم را بکشایند.

دوستانه آینده بخش دیگری از تحریم‌های جدیدی که آمریکا پس از خروج از برجام وضع کرده است، قدم به مرحله اجرایی خواهد گذاشت. این تحریم‌های جدید عرصه‌های حمل و نقل دریایی، صنایع اتومبیل‌سازی و تجارت فلزات گرانبها را در بر می‌گیرد. در ماه نوامبر آینده، روند این تحریم‌ها با هدف قرار دادن نفت، تنها منبع درآمد جدی کشور، تکمیل خواهد شد. اگر امروز ترس از تحریم‌ها، سقوط پول ملی، خروج شرکت‌های خارجی از بازار ایران، و معلق شدن بسیاری از قراردادهای نفتی و غیرنفتی را باعث شده است، تصور آنچه می‌تواند در ماه‌های آینده رخ دهد، زیاد مشکل نیست.

توب در زمین جمهوری اسلامی

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با پیشنهاد ملاقات با حسن روحانی، که بسیاری را متعجب ساخت، توب را به زمین جمهوری اسلامی انداخت. البته این پیشنهاد، برخلاف تصور برخی، خارج از انتظار نبود. سیاست مستاجر کنونی کاخ سفید، فشار برای کشاندن «دشمنان» به پای میز مذاکره است. با همین روش کره شمالی و طالبان افغان را مجبور کرد پای میز مذاکره بنشینند. دونالد ترامپ در زمان اعلام آمادگی برای ملاقات با رئیس‌جمهوری اسلامی هشدار داد که صرف ملاقات کافی نیست. رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «من برای ملاقات آماده هستم اما ملاقات کافی نیست. قرار نیست مثل برجام کاغذ سیاه کنیم».

چند روز بعد از این اظهارات، در نشست رسانه‌ای مشترک با نخست‌وزیر ایتالیا در واشنگتن، دونالد ترامپ که برای شرکت در چند گردهمایی انتخاباتی به فلوریدا سفر کرده بود، در شهر تمپا گفت «حساس می‌کنم که آنها آرهران جمهوری اسلامی به زودی با ما وارد گفتگو خواهند شد، و اگر این کار را انجام هم ندهند برای ما مشکلی پیش نخواهد آمد. آنها با مشکلات جدیدی روبرو خواهند شد». این همان واقعیت به شدت دردناکی برای رهبران جمهوری اسلامی است که کاملاً بدان واقف هستند. دست رد زدن به سینه دونالد ترامپ جمهوری اسلامی را در انزوایی بی‌سابقه قرار خواهد داد که پیامدهای اقتصادی آن بسیار فراگیرتر از تحریم‌های قبل از توافق هسته‌ای خواهد بود.

شروط آمریکا برای آغاز مذاکره

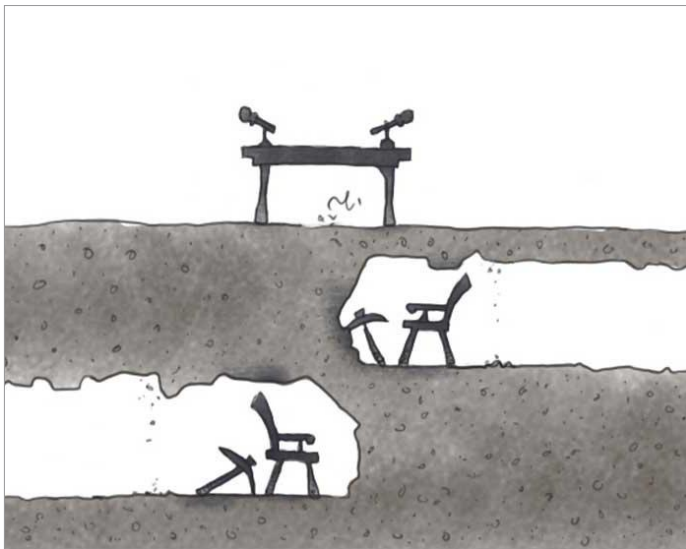
بلافاصله پس از ابراز آمادگی رئیس‌جمهور آمریکا برای ملاقات با روحانی، مایک پمپئو، وزیر خارجه ایالات متحده به شرایطی اشاره کرد که تنها تحقق آنها می‌تواند زمینه را برای موفقیت مذاکرات امکان‌پذیر سازد. «تغییر اساسی در نحوه رفتار با مردم»، یکی از این شرایط است. سرکوبی که این روزها در خیابان‌های شهرهای مختلف کشور شاهد آن هستیم، بدون شک حکایت از تغییر

رفتار حکومت با مردمی ندارد که بدون هرگونه خشونت و کاملاً مسالمت‌آمیز در خیابان‌ها به وضعیت اقتصادی اعتراض می‌کنند. حمله نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌ها به معترضین، برعکس، حکایت از تشدید سرکوب دارد. شرط دوم وزیر خارجه آمریکا برای مهیا ساختن بستر مذاکرات دو جانبه، «کنار گذاشتن رفتار مخرب در منطقه» است. آخرین اخباری که از کشورهای منطقه دریافت می‌شود، حکایت از تغییر سیاست‌های نظام ندارد، بلکه نشان از فاصله گرفتن این کشورها از جمهوری اسلامی دارد. حوثی‌ها، تحت حمایت جمهوری اسلامی، ۱۰ مرداد اعلام کردند که به صورت موقت عملیات نظامی خود در دریای سرخ را متوقف خواهند کرد. این آتش‌بس موقت بلافاصله پس از انتشار آخرین گزارش سازمان ملل متحد در مورد جنگ داخلی در یمن اعلام شد.

مشکلات جمهوری اسلامی در منطقه

کارشناسان سازمان ملل متحد در این گزارش بار دیگر جمهوری اسلامی را متهم به به زیرپا گذاردن تحریم‌های بین‌المللی تسلیحاتی و ارسال جنگ‌افزار به حوثی‌ها می‌کند. اتهامی که البته جمهوری اسلامی رد کرده، اگرچه فرماندهان سپاه حضور «مستشاران» نظامی در یمن را منکر نمی‌شوند. این همین رابطه نهاد المشنوق، وزیر کشور لبنان، در گفتگویی با روزنامه الشرق الاوسط جمهوری اسلامی را متهم به تلاش برای بی‌ثباتی در منطقه کرد. وزیر کشور لبنان گفت: «ایران به هر کشوری که قدم گذاشت با خود ناآرامی و بی‌ثباتی به همراه آورد». نهاد المشنوق که حزب‌الله لبنان را «مجرمی سیاست‌های ایران در منطقه» خواند، حضور این سازمان شبه‌نظامی در کنار حوثی‌ها در یمن را نیز تأیید می‌کند.

عقب‌نشینی ۸۵ کیلومتری نیروهای سپاه و شبه‌نظامیان تحت حمایت جمهوری اسلامی از مرز سوریه با اسرائیل و استقرار نیروهای پلیس نظامی روسیه در ۸ نقطه از منطقه مرزی برای جلوگیری از بازگشت و نفوذ این نیروها به بلندی‌های جولان نیز نشان از تشدید اختلاف در روابط تهران و مسکو در رابطه با سوریه دارد. نه تنها اسرائیل و آمریکا خواهان خروج فوری نظامیان و شبه‌نظامیان اعزامی جمهوری اسلامی از سوریه هستند، بلکه «ائتلاف ملی» سوریه، که از سوی بسیاری از کشورهای اروپایی به عنوان نماینده



مردم این کشور جنگ‌زده پذیرفته شده است، برای مذاکره با رژیم بشار اسد با وساطت روسیه چند شرط گذاشته است که یکی از آنها خروج نیروهای حکومت ایران از سوریه است.

واکنش‌ها به پیشنهاد مذاکره

چنددستی یکی از ویژگی‌های جمهوری اسلامی است. در مورد پیشنهاد مذاکره مستقیم دونالد ترامپ هم ما شاهد این چنددستگی هستیم. حسن روحانی و علی خامنه‌ای تا لحظه نگارش این مقاله در این رابطه سکوت اختیار کرده بودند. بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه، اصل مذاکره را رد نمی‌کند، ولی معتقد است «مذاکره شرایط و الزاماتی دارد که تا کنون در گفتار و رفتار آقای ترامپ نشانه‌ای از آن دیده نشده است». عبدالرضا رحمانی‌فضلی، وزیر کشور دولت تدبیر و امید، برخلاف سخنگوی وزارت خارجه همین دولت، مخالف مذاکره با آمریکا است زیرا «این کشور قابل اعتماد نیست».

احمد رأفت

آنچه از ایران باقی می‌گذارند فرار مغزها با فرار سرمایه تکمیل می‌شود

تبریزی اقتصاددان در آذرماه ۹۶ اعلام کرد «یک و نیم میلیون ایرانی در صف مهاجرت به استرالیا و کانادا هستند و این عدد ترسناک است».

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی یکی از مهمترین ساز و کارهای خروج سرمایه از کشور را استفاده از ارز حاصل از صادرات غیرنفتی معرفی کرده که در این قالب صادرکننده، ارز حاصل از صادرات غیرنفتی را به چرخه اقتصادی کشور باز نمی‌گرداند تا صرف واردات مورد نیاز شود و یا شخصاً اقدام به خروج سرمایه می‌کند و یا منابع ارزی را در اختیار فرد دیگری که چنین قصدی دارد قرار می‌دهد و معادل ریالی آن را در ایران از وی دریافت می‌کند.

همچنین برخی صادرکنندگان با توجه به بازگشت تحریم‌ها، کالاهای صادراتی خود از جمله زعفران و فرش را به خارج از کشور فرستاده و خواهان آن شده‌اند که کالا به مرور فروخته شود اما درآمد ناشی از آن در همان خارج از کشور بماند.

سرمایه‌های هنگفتی که چمدانی خارج می‌شوند

بخش دیگری از خروج سرمایه با توجه به وضعیت سیاسی ایران و شکننده شدن حکومت به دست مقامات نظام و به صورت غیررسمی انجام می‌شود. به دلیل اینکه روند خروج این وجه یا طلاها غالباً از کانال بانک‌ها و صرافی‌ها صورت نمی‌گیرد در نتیجه رقم مشخصی برای آن برآورد نشده اما گزارش‌هایی در این باره وجود دارد.

برای نمونه بر اساس خبری که به کیهان لندن رسیده است مبالغ هنگفتی خارج از شبکه‌های بانکی و موسسات مالی و اعتباری به صورت چمدانی و قاچاق از مرزهای گمرکی یا از طریق راه‌های کوهستانی از ایران خارج می‌شود و در استان‌های شرقی ترکیه به صورت زمینی به صرافی‌های آنکارا و استانبول منتقل می‌شود تا از آنجا به صرافی‌هایی در اروپا منتقل گردد.

جالب آنکه دولت و بانک مرکزی هیچ توضیح روشنی برای خروج ۳۰ میلیارد دلاری که به گفته پوراابراهیم در ماه‌های پایانی سال گذشته از ایران خارج شد نداشته و به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از



این مبلغ همان پول‌هایی است که به صورت چمدانی از کشور خارج شده است. محمداقرا نوبخت، سخنگوی دولت معتقد بود که این پول‌ها صرف خرید ملک در کشورهای خارجی شده و ولی‌الله سیف خروج این حجم سرمایه را به سفرهای خارجی ایرانیان ربط داده بود!

حالا با سرگرفته شدن تظاهرات سراسری که در دی‌ماه ۹۶ آغاز شد و مردمی که فریاد می‌زنند این حکومت را نمی‌خواهند، روشن است که نه تنها مقامات بلکه ریزه‌خواران جمهوری اسلامی نیز که چهل سال بر سر «سفره انقلاب» نشسته و نه تنها اموال مردم و مملکت را به جیب زده‌اند بلکه کشور را به ویرانه‌ای تبدیل کرده‌اند، بیش از پیش نگران شده و از ترس پاسخگویی و سرنوشت نامعلومی که در انتظار آنهاست، دارایی‌های باآورده و نامشروع خود را به هر شکلی که بتوانند از کشور خارج کنند. روشنگ آسترکی

۸۳ درصد این رقم برابر می‌کند. خروج سرمایه از کشور اما تنها دلایل اقتصادی ندارد بلکه به علل سیاسی و اجتماعی نیز هست. تلاطم بازار ارز، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، فساد سیستماتیک، موانع کسب و کار و ریسک بالای سرمایه‌گذاری از جمله مهمترین عوامل خروج سرمایه از کشور هستند. متقابلاً خروج سرمایه از کشور با سرعت و حجم کنونی یکی از عوامل مؤثر در ایجاد بحران ارزی در کشور ارزیابی می‌شود.

تلاش برای حفظ سرمایه و کسب و کار

در این میان افرادی که اقدام به خروج سرمایه خود از ایران می‌کنند دارای انگیزه‌های متفاوتی هستند. بخشی از افرادی که سرمایه خود را خارج می‌کنند تولیدکنندگان و صاحبان کسب و کار هستند که تلاش دارند برای حفظ سرمایه خود آن را به خارج از ایران منتقل کنند.

بیشتر نیز کیهان لندن در گزارشی به این موضوع پرداخته بود که برخی از تولیدکنندگان به دلیل عدم ثبات اقتصادی در ایران و افزایش هزینه تولید، کارگاه‌های خود را به دیگر کشورها از جمله افغانستان و ارمنستان منتقل می‌کنند تا ضمن کاهش هزینه تولید ریسک زبان‌های احتمالی را کاهش دهند.

در همین رابطه مجیدرضا حریری، نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین چندی پیش خبر از افزایش تقاضا برای اخذ ویزای سرمایه‌گذاری از سوی ایرانیان داده است و گفته می‌شود دست کم یکصد هزار نفر در صف اخذ ویزای سرمایه‌گذاری هستند که هر مقصدی داشته باشند حتماً ارقام قابل توجهی به دلار جهت سرمایه‌گذاری از کشور خارج می‌شود. بخش دیگری از ایرانیانی که اقدام به خروج سرمایه از کشور می‌کنند از طبقه متوسط هستند که با توجه به تشدید بحران‌های فراگیر در کشور دارای‌های خود راه هرچند اندک، از کشور خارج کرده و در حد توان مالی به کشور مقصد منتقل می‌کنند.

برای این دسته که از نظر کمیت بیشترین تعداد خارج‌کنندگان سرمایه را شامل می‌شوند، کشورهایی چون ترکیه، گرجستان، مالزی از جمله مقاصد جذاب به شمار

خروج سرمایه از ایران در کنار دیگر معضلات، به یکی از آفت‌های اقتصاد کشور تبدیل شده و آمارها از سرعت گرفتن فرار سرمایه از کشور خبر می‌دهند.

هر چند با اجرایی شدن برجام در دی‌ماه ۹۴ دولت روحانی تصویر خوشایندی از بازشدن دروازه‌های ایران به روی سرمایه‌گذاران خارجی ترسیم کرده بود و تبلیغات گسترده‌ای روی سفرهای متقابل هیئت‌های سرمایه‌گذاری بین ایران و اروپا انجام می‌شد اما نتیجه ناامیدکننده بوده است.

تجربه دو ساله پس از برجام و زمانی هم که آمریکا هنوز از این توافق خارج نشده بود، نشان داد ایران همچنان مقصد خوبی برای سرمایه‌گذاران خارجی به شمار نمی‌آید و برجام بدون تغییرات ساختاری در کشور نمی‌توانست همه موانع را برطرف کند. همین واقعیت سبب شد تا فرار سرمایه نیز شتابی فزاینده در پیش بگیرد.

البته خروج سرمایه از ایران در چهار دهه گذشته همواره وجود داشته اما آمارهایی که از حجم سرمایه خارج شده از کشور طی یکی دو سال گذشته به دست داده می‌شود قابل توجه و نگران‌کننده است.

رقم خروج سرمایه با رقم صادرات غیرنفتی رقابت می‌کند!

صندوق بین‌المللی پول در گزارشی میزان خروج سرمایه ایران در سال ۹۶ را حدود ۲۷ میلیارد دلار اعلام کرده است. در ایران اما بانک مرکزی آمار مربوط به حساب سرمایه در دی‌ماه سال ۹۶ را حذف کرد؛ با این وجود محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی از خروج ۳۰ میلیارد دلار در دو سه ماه پایانی سال گذشته از ایران خبر داد و آن را یکی از دلایل ایجاد بحران ارز در فروردین ۹۷ عنوان کرد. چندی بعد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارش مفصلی رکوردشکنی خروج سرمایه از ایران در سال گذشته را تأیید کرد. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره برآوردهایی که از خروج سرمایه از کشور در سال ۱۳۹۶ شده آمده است «بیش از ۱۴ میلیارد دلار کسری حساب سرمایه و حدود



۱۲ میلیارد دلار افزایش بدهی ارزی بانک‌ها در نه ماهه اول سال ۱۳۹۶ است. در پی افزایش خروج سرمایه از کشور، از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا آذرماه ۱۳۹۶ ذخایر ارزی بین‌المللی کشور، ۱۶٫۳ میلیارد دلار کاهش یافته است. مهمتر اینکه این روند که از ۱۳۹۵ آغاز و در سال ۱۳۹۶ تشدید شده است احتمالاً در سال ۱۳۹۷ با خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها و تشدید شرایط سخت اقتصادی ادامه خواهد یافت

و ضروری است برای جلوگیری از آن برنامه‌ریزی کرد و اقدامات مؤثر انجام داد». بر اساس این گزارش میزان سرمایه خروجی از ایران در سال گذشته برابر با ۸۳ درصد درآمد ایران از محل صادرات غیرنفتی است. به عبارت دیگر صادرات غیرنفتی ایران در این دوره زمانی برابر با ۴۷ میلیارد دلار برآورد شده است که به این ترتیب درآمد میزان خروج سرمایه با

واردکننده نفت ایران در اروپا و مهمترین شریک اقتصادی جمهوری اسلامی در اتحادیه اروپا است.

در مذاکراتی که به امضای برجام منتهی شدند، جمهوری اسلامی از چندین منظر در موقعیت بهتری قرار داشت و از جانب دیگر رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیز با اهداف فعلیتی در این مذاکرات حضور داشت. امروز شرایط کاملاً متفاوت است. در مذاکرات آینده، اگر اصلاً آغاز شود، قوانین بازی را کاخ سفید تعیین خواهد کرد زیرا جمهوری اسلامی کارت برنده‌ای برای قرار دادن روی میز در دست ندارد. نفوذ ایران در منطقه رو به کاهش است، فعالیت‌های هسته‌ای متوقف شده‌اند، تحریم‌ها ضربه هولناکی به اقتصاد بیمار کشور وارد ساخته‌اند. در چنین شرایطی نتیجه این مذاکرات تنها تضعیف جمهوری اسلامی و تشدید اختلافات درون نظام خواهد بود. شرایطی که می‌تواند گذر از این نظام را تسهیل کند.

دعوت ترامپ از رهبر کره شمالی برای دیدار مجدد



دیدار رهبران آمریکا و کره شمالی در سنگاپور

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا از کیم جونگ اون رهبر کره شمالی به خاطر بازپس فرستادن بقایای پیکر سربازان آمریکایی که در جنگ بین دو کره در سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ کشته شده بودند در توئیتر خود تشکر کرده و برای دیدار مجدد از وی دعوت نموده است.

ترامپ ملاقات تاریخی خود با کیم جونگ اون را عالی توصیف کرده بود. او و کیم جونگ اون برای نخستین بار در سنگاپور دیدار و گفتگو کردند و رهبر کره شمالی نزدیک به یک ماه بعد از آن ملاقات در نامه‌ای از ترامپ به خاطر پیشقدم شدن برای مذاکره و پایان دادن به تنش‌های بین دو کشور سپاسگزاری کرد.

به دنبال این دیدار، طرفین توافق‌نامه‌ای نیز امضا کردند و متعهد شدند به سوی خلع سلاح کامل هسته‌ای در شبه‌جزیره کره گام بردارند. آمریکا هم قول داد به پیونگ

یانگ ضمانت امنیتی بدهد. نکات مهم این سند همکاری، شامل تعهد واشنگتن و پیونگ یانگ به آغاز مناسبات جدید، تلاش مشترک

اخطار اسرائیل و آمریکا به جمهوری اسلامی در مورد بسته شدن تنگه هرمز و باب‌المندب



بطور تقریبی روزانه ۱۸.۵ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی از تنگه هرمز عبور می‌کند (الجزیره)

● در مجموع روزانه بیش از ۲۳ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی از تنگه هرمز و باب‌المندب ترانزیت می‌شود.

● نتایج و اخطار داده در صورت بسته شدن تنگه هرمز ائتلاف جهانی واکنش نشان خواهد داد که شاخه‌های نظامی ارتش این کشور هم شامل آن می‌شود.

● مقامات آمریکایی: سپاه پاسداران به دنبال برگزاری یک مانور دریایی در تنگه هرمز و خلیج فارس است و هدف آن نمایش قدرت در بستن تنگه هرمز است.

● کاپیتان اوربان سخنگوی مرکز فرماندهی ارتش آمریکا: با متحدان مان برای باز ماندن آبراه همکاری خواهیم کرد.

هفته گذشته پس از پرتاب موشک به سوی دو نفتکش سعودی در تنگه باب‌المندب در دهانه دریای سرخ در یکی از اصلی‌ترین مسیرهای انتقال نفت به اروپا توسط حوثی‌های یمن که مورد حمایت رژیم ایران هستند، عربستان برای حفظ امنیت محموله‌های نفتی رفت و آمد نفتکش‌ها در این مسیر را متوقف کرد.

عربستان سعودی و ایران بیش از سه سال است که در یمن مشغول جنگ نیابتی هستند و رژیم ایران از شبه‌نظامیان حوثی حمایت می‌کند.

پس از آنکه سران رژیم ایران تهدید به بستن تنگه هرمز و باب‌المندب کردند، حوثی‌ها در تنگه باب‌المندب به نفتکش‌های عربستان حمله کردند.

به گزارش رویترز، بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در مراسم رژه

افسران نیروی دریایی ارتش این کشور در حیفا گفته «مطمئنم اگر رژیم ایران بخواهد تنگه باب‌المندب را مسدود کند با واکنش نیروهای ائتلاف بین‌المللی مواجه خواهد شد که مصمم به جلوگیری از این اقدام هستند و اسرائیل با شاخه‌های نظامی خود در این ائتلاف خواهد بود.»

آویگدور لیبرمن وزیر دفاع اسرائیل نیز که در این مراسم حضور داشت در سخنرانی جداگانه‌ای اعلام کرد «اخیرا تهدیداتی مبنی بر آسیب رساندن به کشتی‌های اسرائیلی در دریای سرخ شنیده است» او جزئیات بیشتری در این مورد نگفت.

تنگه باب‌المندب ۲۹ کیلومتر است و میان دو کشور جیبوتی و یمن قرار گرفته و دریای سرخ را به خلیج عدن و اقیانوس هند متصل می‌کند.

این تنگه یکی از مهمترین مسیرهای صادرات نفت تولید شده در غرب عربستان است و مقامات این کشور حکومت ایران را متهم می‌کنند که با بهره‌گیری از شبه‌نظامیان وابسته به خود در یمن قصد دارد رفت و آمد کشتی‌ها در این آبراه بین‌المللی را مختل کند.

اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که ۴۰۸ میلیون بشکه در روز نفت خام و فرآورده‌های نفتی از این تنگه عبور می‌کند.

چهارشنبه شب ۱ اوت ۲۰۱۸ CNN به نقل از مقام‌های آمریکایی خبر داد که سپاه پاسداران در ۲۸ ساعت آینده یک مانور نظامی در تنگه هرمز و خلیج فارس برگزار خواهد کرد که احتمالاً جهت قدرت‌نمایی و نمایش توان آنها در بستن تنگه هرمز است.

کاپیتان ویلیام اوربان سخنگوی مرکز فرماندهی ارتش آمریکا به CNN گفته «ما از افزایش تحرکات دریایی ایران در خلیج فارس، تنگه هرمز و خلیج عمان اطلاع داریم و از نزدیک بر آن نظارت می‌کنیم. ما با متحدان مان در این زمینه همکاری خواهیم کرد تا اطمینان پیدا کنیم رفت و آمد

کشتی‌ها و تجارت آزاد از طریق این آبراه‌ها برقرار بماند.»

پیش از این نیز ارتش ایالات متحده بر «عزم» و «تعهد» خود برای باز نگاه داشتن این آبراه تجاری تأکید کرده بود.

بالا تنگه هرمز و پایین تنگه باب‌المندب است و نفتکش‌ها از طریق این دو ابراه به اقیانوس هند می‌رسند

حسن روحانی، علی‌اکبر ولایتی، علی مطهری، فرماندهان سپاه و بعضی از فرماندهان ارتش و بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی حامی بستن تنگه هرمز هستند و علی خامنه‌ای پس از طرح آن از سوی روحانی از وی تمجید کرد. با این همه صداهایی که از ایران در این مورد به گوش می‌رسد یکدست نیست.

دریادار حسین خانزادی فرمانده نیروی دریایی ارتش گفته نیروی دریایی ارتش تاکنون آزادی تردد در تنگه هرمز را تأمین کرده و با قدرت هم به این کار ادامه خواهد داد اما باز ماندن تنگه هرمز وابسته به منافع ایران است.

این طرح منتقدانی هم در کمیسیون امنیت ملی مجلس دارد. حشمت‌الله فلاح‌پیشه رییس این کمیسیون چهارشنبه، ۱۳ تیر، گفته بود «منظور رییس جمهور بستن تنگه هرمز نیست چرا که این موضوع تحت مقررات بین‌المللی بوده و باید رعایت شود.» او توضیح داد «اگر قرار باشد بر اساس اراده‌ها، قوانین بین‌المللی بر هم بخورد باید برای همه باشد به خصوص که سیاست ایران بر اساس دیپلماسی بین‌المللی فعالیت می‌کند که اگر طی آن، سیاست ایران شکست بخورد، این شکست باید برای تمامی دنیا باشد!»

همچنین علیرضا رحیمی عضو دیگر کمیسیون امنیت ملی نیز گفته بود «منطقه خلیج فارس نباید هیچگاه امنیتی باشد و نقشی که جمهوری اسلامی در منطقه داشته نقشی راهبردی همراه با تقویت صلح بوده است.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز دوشنبه ۳۰ ژوئیه در دیدار با جوزپه کونتی نخست وزیر جدید ایتالیا در کاخ سفید ضمن بحث درباره موضوعات مختلف، مقاومت سرسختانه او را برای جلوگیری از سیل پناهجویان به آن کشور ستود.

ترامپ و کونته در یک کنفرانس مطبوعاتی نقطه نظرهای خود را در زمینه بحران جهانی مهاجرت بیان کردند و دونالد ترامپ همتای ایتالیایی خود را به خاطر در پیش گرفتن مواضع مشترک با او تحسین کرد.

ترامپ گفت: آقای کونته از هنگامی که نخست وزیر شده مقتدرانه جلوی سیل پناهجویان را به ایتالیا گرفته است. ضمن آنکه می‌دانیم او به شدت در این مدت زیر فشار بوده است.

دونالد ترامپ و نخست وزیر ایتالیا روز دوشنبه مذاکرات مفصلی در زمینه‌های بازرگانی و مهاجرت داشتند. ترامپ در جریان کنفرانس مطبوعاتی ضمن تأکید بر لزوم سختگیری ۲۴ ساعته در مرزهای آمریکا گفت: اگر حزب دمکرات به طرح جدید افزایش اقدامات امنیتی و مراقبت از مرزهای آمریکا از جمله کشیدن دیوار در کنگره رای ندهد، کلیه فعالیت‌های دولت را تعطیل می‌کنم.

دونالد ترامپ و جوزپه کونته نخست‌وزیر ایتالیا؛ واشنگتن ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۸

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

مذاکرات ترامپ و نخست وزیر ایتالیا در کاخ سفید



دونالد ترامپ و جوزپه کونته نخست‌وزیر ایتالیا؛ واشنگتن ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۸

رهبری برگزیدند. در مذاکرات رهبران آمریکا و ایتالیا در مورد ایران نیز صحبت شد و در جریان کنفرانس خبری از ترامپ در مورد دیدار و گفتگو با رئیس جمهوری ایران سوال شد. ترامپ پاسخ داد: هر لحظه آماده گفتگوی بدون پیش شرط با وی هستم. این در حالیست که ساعتی بعد مایک پمپئو سخنان وی را تلطیف کرده و گفت مذاکرات با ایران زمانی میسر است که شرایط آن مهیا شده باشد. حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی نیز در پاسخ به سخنان ترامپ شرط گذاشت که آمریکا اول باید به برجام برگردد!

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

دعوت پوتین از ترامپ برای گفتگوهای بیشتر در مسکو

به این سرعت به شرایط عالی نزدیک نشده بود بطوری که از ماه آوریل تا ماه ژوئن ۴/۱۰ درصد پیشرفت داشته و پیش‌بینی می‌شود این صعود ادامه پیدا کند. او افزود دنیا به اقتصاد درخشان ما غبطه می‌خورد.

رهبران روسیه و آمریکا اخیرا در هلسنکی پایتخت فنلاند ملاقات داشته و نزدیک به ۳ ساعت درباره مسائل گوناگون از جمله آینده‌ی خاورمیانه و مشکلات مربوط به امنیت اسرائیل و جنگ سوریه و مداخلات ایران صحبت کردند که دو ساعت آن پشت درهای بسته و با حضور فقط مترجمان بود.

چین، هند، آفریقای جنوبی و برزیل در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی شرکت کرده بود، از دعوت دونالد ترامپ به مسکو برای مذاکرات بیشتر خبر داد.

در جریان اجلاس ۵ کشور تأکید کرد که اعمال تحریم‌های آمریکا بر اقتصاد روسیه فشار سنگینی بر آن کشور گذاشته و باعث تبدیل پول به سلاح شده و ضمن آنکه «بن» پول چین نیز نقش بزرگی در روابط اقتصادی به عهده گرفته است.

دونالد ترامپ این هفته گفت، اقتصاد آمریکا از سال ۲۰۱۴ تا کنون

به دنبال دعوت دونالد ترامپ از ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه برای سفر به واشنگتن در روزهای آغازین سال ۲۰۱۹، ولادیمیر پوتین نیز این هفته از رئیس جمهوری آمریکا دعوت کرد که برای او مناسب است به مسکو برود و دو نفری به گفتگو بنشینند.

ترامپ از دعوت پوتین استقبال کرده و گفته است پس از دریافت دعوتنامه رسمی بر سر تاریخ سفر با همتای روس خود تبادل نظر خواهد نمود. پوتین که این هفته در اجلاس سران پنج کشور روسیه،

کشتی‌ها و تجارت آزاد از طریق این آبراه‌ها برقرار بماند.»

پیش از این نیز ارتش ایالات متحده بر «عزم» و «تعهد» خود برای باز نگاه داشتن این آبراه تجاری تأکید کرده بود.

بالا تنگه هرمز و پایین تنگه باب‌المندب است و نفتکش‌ها از طریق این دو ابراه به اقیانوس هند می‌رسند

حسن روحانی، علی‌اکبر ولایتی، علی مطهری، فرماندهان سپاه و بعضی از فرماندهان ارتش و بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی حامی بستن تنگه هرمز هستند و علی خامنه‌ای پس از طرح آن از سوی روحانی از وی تمجید کرد. با این همه صداهایی که از ایران در این مورد به گوش می‌رسد یکدست نیست.

دریادار حسین خانزادی فرمانده نیروی دریایی ارتش گفته نیروی دریایی ارتش تاکنون آزادی تردد در تنگه هرمز را تأمین کرده و با قدرت هم به این کار ادامه خواهد داد اما باز ماندن تنگه هرمز وابسته به منافع ایران است.

این طرح منتقدانی هم در کمیسیون امنیت ملی مجلس دارد. حشمت‌الله فلاح‌پیشه رییس این کمیسیون چهارشنبه، ۱۳ تیر، گفته بود «منظور رییس جمهور بستن تنگه هرمز نیست چرا که این موضوع تحت مقررات بین‌المللی بوده و باید رعایت شود.» او توضیح داد «اگر قرار باشد بر اساس اراده‌ها، قوانین بین‌المللی بر هم بخورد باید برای همه باشد به خصوص که سیاست ایران بر اساس دیپلماسی بین‌المللی فعالیت می‌کند که اگر طی آن، سیاست ایران شکست بخورد، این شکست باید برای تمامی دنیا باشد!»

همچنین علیرضا رحیمی عضو دیگر کمیسیون امنیت ملی نیز گفته بود «منطقه خلیج فارس نباید هیچگاه امنیتی باشد و نقشی که جمهوری اسلامی در منطقه داشته نقشی راهبردی همراه با تقویت صلح بوده است.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز دوشنبه ۳۰ ژوئیه در دیدار با جوزپه کونتی نخست وزیر جدید ایتالیا در کاخ سفید ضمن بحث درباره موضوعات مختلف، مقاومت سرسختانه او را برای جلوگیری از سیل پناهجویان به آن کشور ستود.

ترامپ و کونته در یک کنفرانس مطبوعاتی نقطه نظرهای خود را در زمینه بحران جهانی مهاجرت بیان کردند و دونالد ترامپ همتای ایتالیایی خود را به خاطر در پیش گرفتن مواضع مشترک با او تحسین کرد.

ترامپ گفت: آقای کونته از هنگامی که نخست وزیر شده مقتدرانه جلوی سیل پناهجویان را به ایتالیا گرفته است. ضمن آنکه می‌دانیم او به شدت در این مدت زیر فشار بوده است.

دونالد ترامپ و نخست وزیر ایتالیا روز دوشنبه مذاکرات مفصلی در زمینه‌های بازرگانی و مهاجرت داشتند. ترامپ در جریان کنفرانس مطبوعاتی ضمن تأکید بر لزوم سختگیری ۲۴ ساعته در مرزهای آمریکا گفت: اگر حزب دمکرات به طرح جدید افزایش اقدامات امنیتی و مراقبت از مرزهای آمریکا از جمله کشیدن دیوار در کنگره رای ندهد، کلیه فعالیت‌های دولت را تعطیل می‌کنم.

دونالد ترامپ و جوزپه کونته نخست‌وزیر ایتالیا؛ واشنگتن ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۸

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

اظهارات ترامپ با واکنش تند حزب دمکرات و رهبر آن نانسی پلوسی روبرو شده است. سخنگوی پلوسی گفت: دونالد ترامپ بهتر است اوقات خود را بیشتر در زمین گلف بگذراند و کاری به کار امور روزمره دولت نداشته باشد.

ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی با کونته گفت: مردم ایتالیا از سیاست باز گذاشتن دروازه‌ها و ورود پناهجویان به این کشور خسته شده بودند و به همین دلیل آقای کونته را برای

موقوف کردن امور روزمره دستگاه‌های دولتی در ایالات متحده در مواقع لزوم از اختیارات رئیس جمهوری است.

آغاز مذاکرات طالبان با آمریکا در قطر



نیروهای طالبان در افغانستان؛ ژوئن ۲۰۱۸

کارشناس نظامی به افغانستان اعزام کرد که تعداد نظامیان آن کشور در افغانستان را به هزار تن افزایش داد.

شماری از رهبران آن را به زندان گوانتانامو در کوبا منتقل کرد.

دولت بریتانیا اخیرا ۴۴۰ نفر

یک مقام رسمی گروه طالبان از گفتگوهای نماینده این گروه با نماینده آمریکا در روزهای آخر این هفته در قطر خبر داده است.

این نخستین نشست طرفین بعد از ۱۷ سال درگیری مداوم است. این شخص که نامش فاش نشده گفته که گفتگوها میان نماینده طالبان و آلیس ولز دیپلمات عالی‌رتبه آمریکایی کارشناس امور جنوب آسیا، با هدف پایان دادن به محاصره ۱۷ ساله بین طرفین مورد بررسی قرار گرفته است.

مقامات آمریکایی دیدار آلیس ولز و نماینده طالبان را نه تأیید کرده‌اند و نه تکذیب اما گفته‌اند که آلیس ولز در روزهای اخیر در دوحه پایتخت قطر با مسئولان آن کشور ملاقات‌هایی داشته است. به گفته این مقامات تلاش واشنگتن این است که تمامی راه‌هایی را که می‌تواند به صلح در افغانستان بیانجامد با دولت کابل در میان بگذراند.

در همین حال دفتر سیاسی طالبان در قطر که به صورت سفارتخانه غیررسمی عمل می‌کند تا کنون چند بار از آمریکا درخواست مذاکرات مستقیم نموده است. سخنگوی طالبان گفت: صحبت‌های اخیر با نماینده آمریکا در دوحه بیشتر شامل بحث‌های مقدماتی برای یافتن راه‌های رسیدن به صلح و پایان سال‌ها درگیری از سوی دو طرف در دیدارهای آینده بود.

تظاهرات شبانه در کرج، تهران و چهار شهر دیگر: همکاری اوباش در سرکوب معترضان



تهران، فلکه آریاشهر

● اعتراضات پنجشنبه (صبح و شب) از نظر همزمانی و جغرافیای بزرگترین تظاهرات سراسری علیه جمهوری اسلامی از دی ماه ۱۳۹۶ تاکنون بوده است.

برای سومین شب متوالی مردم در کرج (گوهردشت) به خیابانها آمدند و دست به تظاهرات زدند. اعتراضات به تهران و شهرهای اطراف پایتخت کشیده شد و با وجود سرکوب شدید، تظاهرات شکل گرفت و مردم بارها علیه علی خامنه‌ای و فساد و دزدی شعار دادند.

اعتراضات شبانه در کرج از سه‌شنبه‌شب آغاز شد و شاهدان عینی می‌گویند پنجشنبه شب جمعیت چند برابر شده بود. شب گذشته برای چند ساعت زیرپل گوهردشت تا باغستان از غرب و داریوش و فلکه گوهردشت رو به بالا و ابتدای آزادگان معترضان در خیابان ماندند و شعار دادند و با وجود درگیری شدید بین نیروی انتظامی و امنیتی و مردم، امنیتی‌ها نتوانستند آنها را پراکنده کنند.

در کرج معترضان که مانند شهرهای دیگر اغلب جوانان هستند و حضور زنان نیز بین آنها بسیار زیاد است شعار می‌دادند: «توب، تانک، فشفشه آخوند باید گم بشه»، «زاشاه، روحت شاد»، «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، «ایرانی بسه دیگه، غیرتو نشون بده»، «اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا»، «مرگ بر خامنه‌ای» و «دشمن ما همینجاست، دروغ می‌کن آمریکا»، «خامنه‌ای حیاکن، مملکت رو رها کن».

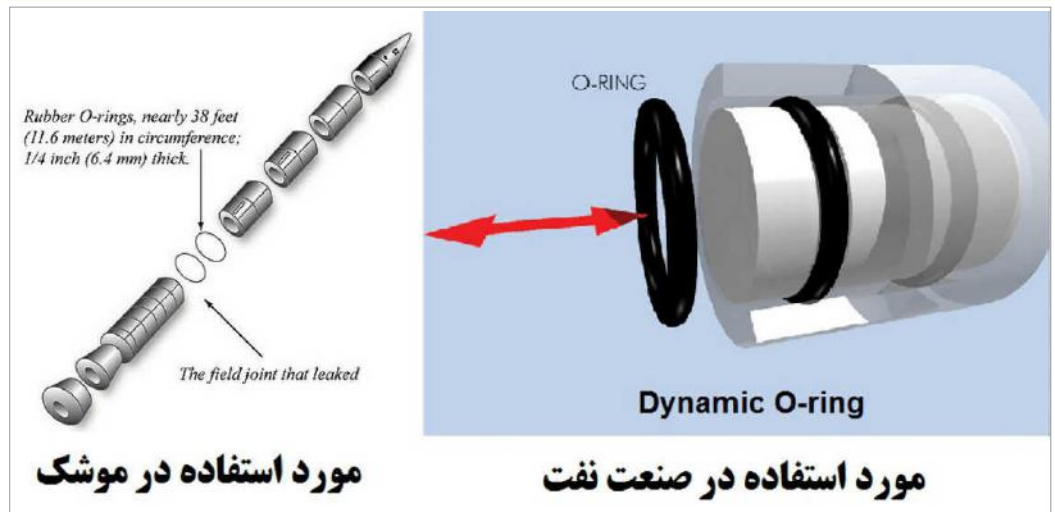
از صبح پنجشنبه تهران فضای امنیتی داشت، تقریباً در اغلب میادین و چهارراه‌های اصلی پایتخت نیروهای ضدشورش با موتورهای سنگین مستقر شده بودند. در بعضی مناطق تعداد لباس شخصی‌ها بسیار بیشتر از پلیس بود. رفت و آمد بسیجی‌ها و گردان‌های امنیتی سپاه در پایگاه مقاد خیابان آزادی در غرب و دهکده مقاومت در شرق تهران بسیار زیاد بود. خط ویژه اتوبوس از خیابان دماوند تا میدان «امام حسین» (میدان فوزیه) و از فردوسی تا «ولیعصر» (چهارراه پهلوی) و انقلاب (شاهرضا) و میدان آزادی (شهید) مسیر رژه‌ی نیروها و

ادوات ضد شورش و دسته‌های موتور سوار لباس شخصی بود. در فلکه آریاشهر و منطقه شهرزیا در غرب تهران و تجریش و پارک وی و ونک در نواحی شمالی پایتخت هم نیروهای سرکوب مستقر شده بودند. بهارستان و ژاله و میدان خراسان هم امنیتی بود. با تارک شدن هوا تظاهرات در خیابان «ولیعصر» (پهلوی) شکل گرفت و ده‌ها نفر از مردم دست به اعتراض زدند. تظاهرات شکل بخصوص خود را داشت معترضان چند دسته شده بودند و هر جا امنیتی‌ها نبودند شعار می‌دادند و با یورش آنها پراکنده می‌شدند و جای دیگری دوباره تجمع کرده و شعارها را تکرار می‌کردند.

شلوغی خیابان و ترافیک سرکوب سر سخت می‌کند و این اتفاق شب گذشته افتاد و ادوات ضدشورش و نیروها با وجود ساز و برگی که با خود به همراه داشتند امکان جایجایی سریع نداشتند و لباس شخصی‌ها این ماموریت ضدمردمی را انجام می‌دادند. نکته مهم استفاده از اراذل و اوباش سابقه‌دار در سرکوب است. چند گزارش از شاهدان عینی رسیده که همگی این موضوع را تایید کرده‌اند. این افراد که خلافکارند چهره‌هایشان آنها را لو می‌دهد و حتی با لباس شخصی‌ها که عضو نهادهای امنیتی هستند متفاوتند.

دامنه‌ی اعتراضات در پایتخت به شهرهای اطراف کشیده شد و گزارش‌های زیادی از تظاهرات در پاکدشت، قرچک و اشتهارد در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، «رضا شاه روحت شاد» و «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر دیکتاتور» از شعارهایی بود که مردم سر دادند.

کشف قطعات مشکوک موشکی در فرودگاه لندن برای ارسال به ایران



مورد استفاده در موشک

مورد استفاده در صنعت نفت

قطعات قرار داده به ایران ارسال شوند. وبسایت روزنامه استاندارد با اعلام این خبر می‌نویسد به نظر می‌رسد این قطعات برای استفاده در صنعت نفت ایران فرستاده می‌شدند اما بازرسان به آنها مشکوک شده و احتمال دادند که برای ساخت موشک نیز مورد استفاده قرار بگیرد. آنجا که ارسال قطعات کاربردی در صنایع تسلیحاتی به ایران ممنوع و اقدامی مجرمانه است تحقیقات در این مورد ادامه دارد. مونیک رنج معاون دفتر مرزی بریتانیا در فرودگاه هیثرو گفته «ما چند حلقه لاستیکی O-ring را پیدا کردیم. حلقه‌های لاستیکی که می‌توانند به عنوان قطعاتی بین لوله‌ها نصب شوند تا از نشت جلوگیری شود. آنها می‌توانند در صنعت نفت استفاده شوند، اما می‌توانند برای کلاهک‌های موشکی مانع فرستادن آنها به ایران شوند.» به گفته او به نظر می‌رسد، این قطعات قرار داده به پالایشگاه نفت در ایران ارسال شود. اداره گمرک انگلستان بررسی پرونده را آغاز کرده است. در این گزارش آمده طبق قوانین فروش، تحویل، انتقال و یا صادرات کالاها و تکنولوژی‌های مرتبط با تسلیحات موشکی به ایران تحت تحریم‌های اعمال شده توسط انگلیس و سایر کشورها ممنوع است. رسانه‌های داخل کشف این حلقه‌ها را «فضا سازی» و «خبرسازی» نامیده‌اند.

کش و قوس دیپلمات‌ها و نظامی‌ها: پالس‌های مثبت و منفی از تهران برای مذاکره با آمریکا



محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی در سفر به سنگاپور

● محمد جواد ظریف: آمریکایی‌ها باید نشان دهند که دیدارها به توافقی منجر می‌شود که رعایت شود.

● حشمت‌الله فلاحت‌پیشه: امروز مذاکره در ایران تابو نیست، اگر مذاکره‌ای، منافع ملی کشور را تأمین کند، حتماً جمهوری اسلامی وارد فضای مذاکراتی می‌شود.

● علی مطهری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی می‌گوید مذاکره با آمریکا در شرایط فعلی توأم با خواری و تحقیر است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی پس از امضای اسناد الحاق ایران به پیمان مودت و همکاری با اتحادیه جنوب شرق آسیا (TAC) در مصاحبه‌ای گفته از فرصت دیدارها در سنگاپور در مورد خروج آمریکا از برجام و فشارهای غیرقانونی این کشور به اعضای سازمان ملل برای مقابله با قطعنامه‌های سازمان ملل استفاده می‌کند. محمدجواد ظریف ادعا کرده با نزدیک شدن اجرای فاز اول تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی مجموعه‌ای از کشورها در تمام قاره‌های مختلف دنیا این آمادگی را دارند که در رویارویی با این تحریم‌ها روش‌هایی را پیدا کنند که بتوانند در مقابل با فشارهای آمریکا مقاوم باشند و از نوآوری‌ها برای ادامه سیاست‌های خود استفاده کنند.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی همچنین تأکید کرد «هیچ برنامه‌ای برای دیدار با مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در حاشیه اجلاس آسه‌آن [اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا] وجود ندارد و قرار نیست دیداری باشد.» او توضیح داده «دیدار با آمریکا کم نداشتیم، شاید دو سال پیشترین دیدار را با آمریکایی‌ها داشتیم، اما دولت کنونی نشان داده که به تعهدات خود پایبند نیست و دیدار برای دیدار معنا ندارد و آمریکایی‌ها باید نشان دهند که دیدارها به توافقی منجر می‌شود.»

محمدجواد ظریف می‌گوید بی‌اعتمادی نسبت به تعهد آمریکا واقعیتی است که نه فقط در ایران بلکه در همه دنیا وجود دارد و نکته دوم

روبرو شد اما وزن مخالفان گفتگو با دولت آمریکا در جمهوری اسلامی همچنان سنگینی می‌کند.

علی مطهری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی می‌گوید، مذاکره با آمریکا در شرایط فعلی توأم با خواری و تحقیر است. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی نیز گفته فضایی برای مذاکره بین ایران و آمریکا وجود ندارد. البته موضع فلاحت‌پیشه مشابه ظریف است و گفته «امروز مذاکره در ایران تابو نیست. اگر مذاکره‌ای، منافع ملی کشور را تأمین کند، حتماً جمهوری اسلامی ایران وارد فضای مذاکراتی می‌شود.»

دخالت نظامی هادر سیاست خارجی
در این بین بیش از همه فرماندهان سپاهی‌ها در مقابل هر گونه مذاکره با آمریکا ظاهراً ایستادگی می‌کنند. محمدعلی جعفری فرمانده سپاه پاسداران در بیانیه‌ای خطاب به ترامپ گفته که از زوی مذاکره جمهوری اسلامی با ایالات متحده را به گور خواهد برد.

دخالت نظامی‌ها در سیاست خارجی بیانگر ضعف و بی‌اعتمادی رژیم به دستگاه دیپلماسی دولت است. این دخالت آنقدر عادی است که حتی حجت‌الاسلام عباس محمدحسینی

رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش نیز خود را در مقام اظهار نظر دیده است. او در جمع فرماندهان و مدیران ارشد ستاد نیروی هوایی مستقر در تهران گفته «پاره شدن برجام از سوی آمریکا، هیچ انگیزه‌ای حتی از سوی آنهاپی که انقلابی نیستند نیز برای مذاکره با آمریکا باقی نگذاشته است.»

دور جدید تحریم‌های آمریکا جمهوری اسلامی از ۱۳ مرداد آغاز خواهد شد.

روحانی برای پاسخگویی به پرسش‌های نمایندگان راهی مجلس شورای اسلامی می‌شود



حسن روحانی

● منتقدان روحانی می‌گویند دولت با استفاده از لابی خود در مجلس به بیش از یک سال است در راه کشاندن حسن روحانی و به مجلس شورای اسلامی و مورد پرسش قرار گرفتن او سنگ‌اندازی می‌کرد.

● حسینعلی امیری معاون پارلمانی روحانی در حاشیه جلسه هیئت دولت طرح سوال از رئیس جمهور را غیرقانونی دانست.

ارائه کردند که به کمیسیون اقتصادی ارجاع شد. کمیسیون اقتصادی با حضور نمایندگان رئیس جمهور این موضوع را بررسی کرد که در نهایت ۸۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای این پرسش‌ها باقی ماندند، یعنی بیش از یک چهارم از نمایندگان تقاضای پرسش از رئیس جمهور را دارند.»

ساعاتی پس از آنکه علی لاریجانی اعلام کرد حسن روحانی باید در مجلس شورای اسلامی حضور یابد، حسینعلی امیری معاون پارلمانی رئیس‌جمهور در حاشیه جلسه هیئت دولت طرح سوال از رئیس جمهور را «غیرقانونی» دانست.

ادامه در صفحه ۱۷

اعتیاد آمریکا به تحریم است. آمریکا امروز دو وزیر یک کشور متحد خود در ناتو - ترکیه - را تحریم کرده که دخالت در امور داخلی این کشور است و نشان دهنده این واقعیت است که دولت کنونی آمریکا هیچ حدودی برای سیاست‌های غیرقانونی خود و اعتیاد به تحریم نمی‌شناسد.

او عنوان کرده در شرایطی هستیم که حتی متحدان آمریکا نمی‌توانند به تعهدات آمریکا اعتماد کنند و همه دنیا به این نتیجه باید برسند که برخورد جمعی با این گونه سیاست‌ها انجام شود. ظریف در پایان افزود: «آمریکا باید یکی را انتخاب کند و باید نشان دهد که به نتیجه گفتگو پایبند است اما تا کنون نشان داده که به نتایج پایبند نیست. بنابراین اینها موانع عمده‌ای است که بیانگر آن است که اظهارات اخیر آمریکا بیشتر شبیه یک نمایش تبلیغاتی بوده تا یک حرکت سیاسی باشد.» البته از اظهارات ظریف اینطور برداشت می‌شود که مطلقاً نخواستند پل‌های پشت سر برای مذاکره احتمالی با آمریکایی‌ها را خراب کند به ویژه وقتی تأکید می‌کند: «آمریکایی‌ها باید نشان دهند که دیدارها به توافقی منجر می‌شود که این توافقی‌ها رعایت می‌شود.»

ظریف در حاشیه نشست آسه‌آن با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه دیدار کرده اما جزئیاتی در مورد گفتگوهای آنها هنوز منتشر نشده است. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا اخیراً اعلام کرد که برای گفتگو با ایران و هر کشور دیگری بدون پیش‌شرط آماده است. این حرف در ایران با استقبال زیادی از سوی بخشی از حکومت به ویژه چهره‌های اصلاح‌طلب

روحانی برای پاسخگویی به پرسش‌های نمایندگان راهی مجلس شورای اسلامی می‌شود



حسن روحانی

ملی» به نمایندگان مجلس شورای اسلامی توضیح بدهد. بر اساس اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی و طبق آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی تقاضای بیش از یک چهارم نمایندگان برای اعلام وصول طرح پرسش از رئیس‌جمهور و تقاضای پرسش از رئیس‌جمهور برای اعلام وصول طرح استیضاح او لازم است.

علی لاریجانی درباره خواست نمایندگان برای حضور حسن روحانی در مجلس شورای اسلامی و پاسخگویی به پرسش‌های آنها گفته است: «پیشتر ۹۲ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تقاضای سوال از رئیس‌جمهور را به هیئت رئیسه

نمایشگاه نقاشی و عکاسی و کارهای دستی هنرمندان ایرانی در مرکز فرهنگی و هنری ایرانیان در لندن



«برای دیدن ویدئو، روی عکس‌ها کلیک نموده و با به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

برای اجرای نمایش‌های همین مرکز مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم با شرایط مناسب به فعالان تئاتری و هنری ایرانی کرایه داده می‌شود. ابتکار جالب مرکز فرهنگی و هنری ایرانیان در ماه ژوئیه ۲۰۱۸ برگزاری نمایشگاه آثار نقاشی، عکاسی و کارهای دستی هنرمندان ایرانی ساکن لندن و حومه بود که مورد استقبال علاقمندان قرار گرفت. با توجه به این موفقیت و تمایل مسئولین برای خدمت به هنرمندان جوان ایرانی این مرکز در نظر دارد در ماه‌های آینده نیز نمایشگاه‌های مشابه برگزار کند. کیهان لندن از برگزاری این نمایشگاه در مرکز فرهنگی و هنری ایرانیان لندن گزارشی تهیه کرده است.

ورود آلات موسیقی به پارک‌های تهران ممنوع شد



برای حمل و نواختن ساز در پارک‌ها و بوستان‌های تهران با نصب تابلوهای هشداردهنده حمل ساز در پارک‌های پایتخت را ممنوع اعلام کرده است. آنگونه که خبرگزاری ایسنا گزارش کرده، در این تابلوها نوشته شده که «خواهشمند است از به همراه آوردن آلات موسیقی، قلیان، حیوانات (سگ و...) و برای جادری در سطح محوطه بوستان جدا خودداری فرمایید.»

در سال‌های اخیر گروه‌های موسیقی جوان و آماتور در کمبود مجالی برای عرضه هنرشان، در پیاده‌روی خیابان‌ها، پارک‌ها و مراکز خرید به اجرای موسیقی می‌پردازند و به این ترتیب موسیقی خیابانی رواج پیدا کرده و مورد استقبال مردم هم قرار گرفته است. مردم در روزهای گرم تابستان، غروب و شبانگاه در پارک‌ها و بوستان‌ها دور هم جمع می‌شوند و نواختن ساز نیز عموماً بخشی از تفریح آنهاست.

ولی حالا با ممنوعیت ورود ساز به پارک‌ها، همین فرصت‌های ساده و کوتاه برای تفریح و خوشحالی نیز از مردم گرفته می‌شود. اگر تا دیروز هنرمندان حرفه‌ای تا دقیقه آخر نسبت به اجرا شدن کنسرت‌شان روی صحنه مطمئن نبودند، حالا حمل و نواختن ساز در خیابان‌های تهران و پارک‌ها مورد حمله قرار گرفته است.

ادامه در صفحه ۱۷

گفتگو با صهبا مطلبی تنها دانش‌آموخته‌ی بهایی هنرستان موسیقی

این هنرمند ایرانی با اشاره به ممنوع بودن فعالیت بهائیان در ادارات دولتی ایران ادامه می‌دهد: «به خاطر بهایی بودن امکان گرفتن فرم ماهیانه یک کارمند، برای حضور در تمرین‌های ارکستر ملی و اجرا ی کنسرت‌ها را نداشتیم، بنابراین به عنوان کارمند روزمزد وزارت ارشاد استخدام شده بودم اما با این وجود، آن زمان در وزارت ارشاد به من احترام می‌گذاشتند.»

پس از پایان دوره آهنگسازی در روسیه، صهبا مطلبی تصمیم گرفت از ایران خارج شود: «شاید این جمله ثقیلی باشد ولی تصمیم گرفتم نسلم را از ایران بردارم، به عنوان یک نوازنده و موزیسین زن، سفرهای زیادی برای اعتبار بخشیدن به موسیقی ایران داشتم و موفقیت‌های زیادی به دست آوردم، اما کوتاه‌بینی، بخل و حسادت مردم آنقدر به من فشار آورد که تصمیم گرفتم دنیای خود را وسعت ببخشم و بجای هنرمند بودن در جامعه ایران در جامعه جهانی به فعالیت هنری خودم ادامه دهم، شاید از راه دور با معرفی موسیقی ایران در سطح جهانی و آموزش این موسیقی به مردمان جهان به ایران و مردم کمکی کرده باشم.»

صهبا در ادامه ی گفتگو با کیهان لندن توضیح می‌دهد: «با تشویق خانواده به ترکیه رفتم، در طول شش ماه، کارهای ویزا و مهاجرت من انجام شد، در طول آن مدت در دانشگاه RGS در شهر کاپسری همراه با یک مترجم، کارگاه‌های موسیقی ایرانی برگزار کردم و به معرفی موسیقی ایران پرداختم. در قبال پرداخت دستمزد از استاد موسیقی آن دانشگاه خواستم که مرا با موسیقی ترکیه آشنا کند. در آنجا تفاوت‌ها و شباهت‌های موسیقی ایران و ترکیه را بررسی کردم که قبلاً این دو موسیقی با هم یکی بودند و بعدها به دلیل جدا شدن کشورها تفاوت پیدا کردند.»

صهبا مطلبی پس از ورود به آمریکا برای تحصیل در رشته موسیقی ملل و رقص‌های محلی ممالک مختلف به دانشگاه «cal Arts» کالیفرنیا رفت. او پایه‌گذار تدریس آنلاین در آموزش موسیقی است و از ۷ سال پیش، تمامی منابع آموزشی موسیقی مقدماتی، متوسطه و عالی و نیز آموزش تار و سه تار را در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی خود به شکل ویدئو، رایگان در اختیار علاقمندان موسیقی ایرانی قرار داده است. می‌گوید: «با این روش می‌توان در سراسر دنیا به آموزش موسیقی پرداخت بدون قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی. در حال حاضر مشغول تدریس آموزش موسیقی ایرانی و تار و سه تار به زبان انگلیسی هستم تا غیرفارسی‌زبان‌ها هم موسیقی ایرانی را بشناسند هرچند سود مادی برای من ندارد ولی آموزش تار و سه تار به این شکل به همگان آموزش داده می‌شود.»

صهبا مطلبی به دلیل تاثیرگذاری در آموزش آنلاین و رایگان موسیقی ایرانی جزو ۱۸ زن تاثیرگذار امور فرهنگی و اجتماعی در دنیا شناخته شده است. او که ازدواج کرده و صاحب دو فرزند است در طول این سال‌ها کنسرت‌های بسیاری در آمریکا و بسیاری از کشورهای برگزار کرده است. صهبا مطلبی می‌گوید: «تارنوازی من به سبک خودم است و آهنگ‌های خودم را اجرا می‌کنم. در کنار تکنوازی یک سری کارها دونوازی است که با همکار عزیزم نغمه فرهمند، دختر محمود فرهمند استاد بنام موسیقی ایرانی کار می‌کنم.»

این هنرمند در حال حاضر مشغول ضبط یک سری پروژه موسیقی با چند ارکستر آمریکایی است که بسیاری از اعضای این ارکستر از برندگان جایزه «گرمی» هستند. صهبا مطلبی در پایان تاکید می‌کند: «حضور و موجودیت همه انسان‌ها با هر آیین، رنگ و نژاد و کشور موضوعی است که در تمام کنسرت‌ها و بادهنوازی‌هایم به آن اشاره می‌کنم.»



صهبا مطلبی

حسین عزیز زاده آموزش دیدم.» صهبا مطلبی در تمام این سال‌ها در رشته تارنوازی، نفر اول جشنواره‌های موسیقی سراسر ایران شد. در ۱۸ سالگی و در سال ۱۳۷۶ عضو ارکستر ملی به رهبری فرهاد فخرالدینی شد و به عنوان هم‌نواز و تکنواز ارکستر ملی ایران، همراه با دیگر اعضای ارکستر ملی برای معرفی موسیقی ایرانی به نقاط مختلف دنیا اجازه ورود به هنرستان موسیقی در تهران را نداشتند؛ آقای عزیز زاده مدیر هنرستان موسیقی پسران و استاد هنرستان موسیقی دختران بود. ایشان ضمن هماهنگی با مدیر هنرستان موسیقی دختران مرا در آنجا ثبت نام کرد و گفت اگر از طرف وزارت ارشاد آمدند و پرونده او را خواستند پرونده

حیف است که در ساری بماند. با وجود اینکه زیر نظر اساتید خوبی آموزش دیده بودم ایشان به معلم من گفتند باید صهبا در هنرستان موسیقی در تهران آموزش ببیند.» با این وجود، صهبا مطلبی اولین و آخرین فرد بهایی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به هنرستان موسیقی راه پیدا کرد. او می‌گوید: «آن زمان، دختران و پسران بهایی اجازه ورود به هنرستان موسیقی در تهران را نداشتند؛ آقای عزیز زاده مدیر هنرستان موسیقی پسران و استاد هنرستان موسیقی دختران بود. ایشان ضمن هماهنگی با مدیر هنرستان موسیقی دختران مرا در آنجا ثبت نام کرد و گفت اگر از طرف وزارت ارشاد آمدند و پرونده او را خواستند پرونده



نغمه فرهمند و صهبا مطلبی

یک بهایی به راحتی امکان‌پذیر نبود: «همانطور که می‌دانید در آن سال‌ها صدور پاسپورت برای یک بهایی مثل امروز امکان‌پذیر نبود. من فقط به یک موضوع اشاره می‌کنم که در یکی از کنسرت‌ها رهبر کنسرت وقتی با مشکل ویزا مواجه شدم گفت اگر صهبا نیاید من کنسرت را لغو می‌کنم، سند خانه او را وثیقه گرفتند تا برای من ویزا صادر کردند.»

صهبا از ۱۶ سالگی تدریس تار و سه تار را نیز شروع کرد: «شاگردان زیادی داشتم و از آن زمان مسئولیت امور مالی زندگی‌م را بر عهده گرفتم، اما بارها همسایه‌هایم موضوع تدریس مرا به امکان و نهادهای انتظامی گزارش داده و اعتراض کردند، نامه‌های زیادی از مراجع قضایی دریافت کردم که نوشته بودند «می‌ایم و در خانه‌ات را تخته می‌کنیم چون تو بهایی هستی و در حال تدریس، مشغول تبلیغ آیین بهائی هستی» و این موضوع زمانی رخ داد که هنرآموزانم نفرت اول جشنواره‌های موسیقی می‌شدند.»

پس از دوران هنرستان موسیقی، صهبا مطلبی از آنجا که به دلیل دیانت بهایی اجازه نداشت در دانشگاه‌های ایران به تحصیلات خود ادامه دهد ابتدا به نزد دکتر مهران روحانی به تحصیل موسیقی عمومی پرداخت و سپس با بورسیه‌ای از طرف جامعه بهائی به شهر سن پترزبورگ روسیه رفت و به مدت یک سال در دانشگاه «ریمسکی کورساکوف» درس آهنگسازی خواند. در همان مدت کوتاه در کنار پیشرفت در آهنگسازی به آموختن زبان روسی پرداخت.

صهبا را به آنها ندهید.» وی ادامه می‌دهد: «البته بعد از من بسیاری از دانش‌آموزان بهایی خواستند در این هنرستان ثبت نام کنند ولی به خاطر دیانت بهایی از پذیرش در هنرستان موسیقی رد و محروم شدند.»

این نوازنده و آهنگساز ادامه می‌دهد: «در سال ۱۳۷۱ من ۱۴ ساله بودم و می‌توانستم به هنرستان بروم ولی برای خانواده من دور شدن از تهران و همیت‌طور رفت و آمدهای من به تهران سخت بود. ولی با این حال، استاد عزیز زاده و استاد عزیز، معلم موسیقی من با پدر و مادرم تماس گرفتند، اصرار و پافشاری آنها حال عجیبی در پدر و مادر من ایجاد کرد و گفتند موضوعی که اساتید صلاح می‌دانند، چیزی نیست که نادیده گرفته شود. بالاخره پدر و مادرم قبول کردند و به تهران رفتم و در طبقه بالای خانه عمومی زندگی کردم. ۴ سال دوران هنرستان را با لطف آقای عزیز زاده و سایر مسئولان هنرستان گذراندم. البته امکانات سخت و تحمل نگاه منفی مردم بر روی دختری که تنها در تهران زندگی می‌کند فشار روانی زیادی به من وارد کرد.»

صهبا مطلبی ادامه می‌دهد: «در حالی که سایر بچه‌ها بعد از مقطع راهنمایی و از ۱۱-۱۲ سالگی به هنرستان می‌رفتند من دیرتر به هنرستان رفتم و بنابراین ۳ سال از نظر تئوریک از سایر دانش‌آموزان عقب بودم اما خودم را به سایر بچه‌ها رساندم؛ ساز تار را انتخاب کردم و زیر نظر اساتید دیگر از جمله استاد

صهبا مطلبی در تمام سال‌های اقامت در ایران در رشته تارنوازی، نفر اول جشنواره‌های موسیقی سراسر کشور شد. در ۱۸ سالگی و در سال ۱۳۷۶ عضو ارکستر ملی به رهبری فرهاد فخرالدینی شد و به عنوان هم‌نواز و تکنواز ارکستر ملی ایران، همراه با دیگر اعضای ارکستر ملی برای معرفی موسیقی ایرانی به نقاط مختلف دنیا رفت.

صهبا از ۱۶ سالگی تدریس تار و سه تار را نیز شروع کرد: «شاگردان زیادی داشتم و از آن زمان مسئولیت امور مالی زندگی‌م را بر عهده گرفتم. اما بارها همسایه‌هایم موضوع تدریس مرا به امکان و نهادهای انتظامی گزارش داده و اعتراض کردند.»

صهبا از ۱۶ سالگی تدریس تار و سه تار را نیز شروع کرد: «شاگردان زیادی داشتم و از آن زمان مسئولیت امور مالی زندگی‌م را بر عهده گرفتم. اما بارها همسایه‌هایم موضوع تدریس مرا به امکان و نهادهای انتظامی گزارش داده و اعتراض کردند.»

فیروزه رمضان زاده - صهبا مطلبی متولد سال ۱۳۵۷ در تهران، آهنگساز، نوازنده تار و سه تار، عضو سابق ارکستر سمفونیک ملی ایران و دانش‌آموخته‌ی هنرستان موسیقی است. او اکنون در اورنج کانتی در حومه شهر لس‌آنجلس زندگی می‌کند.

آشنایی و پیوند صهبا مطلبی با موسیقی از خانواده و پدر و مادرش آغاز شد. هر دو از شهروندان بهایی علاقمند به فرهنگ و اهل کتاب و شعر بودند. دو خواهر بزرگتر صهبا استادان آموزش سنتور و از نوازندگان این ساز ایرانی هستند، خواهر بزرگتر او در کنار نواختن سنتور، مینیاتوریست و نقاش زبردستی نیز هست.

صهبا مطلبی به کیهان لندن می‌گوید که وقتی ۹ ساله بود همراه با خانواده از تهران به ساری در استان مازندران رفتند. او پیش از فراگرفتن ساز سه تار به نقاشی و مجسمه‌سازی علاقمند شد. پس از مدتی با تشویق پدر و مادر، صهبا هم مانند دو خواهر دیگرش به موسیقی علاقه یافت و نوازندگی را از ۱۱ سالگی با ساز سه تار شروع کرد.

فعالیت جدی او در عرصه موسیقی با ملاقات اتفاقی حسین عزیز زاده آهنگساز و نوازنده بنام تار و سه تار با صهبا شکل گرفت. صهبا مطلبی می‌گوید: «یک روز در سال ۱۳۷۱ استاد حسین عزیز زاده به فرهنگخانه ساری آمد تا ضمن بررسی وضعیت موسیقی در شمال ایران، آموزش تار و سه تار در شهر ساری را از نزدیک ارزیابی کند.

میان دو بلوک شرق و غرب را فرو ریختند. زمانی که فریدون فرخزاد از خود و گرایش جوانان دو قطب سخن می‌گفت، تازه لهستان بود که گردنکشی را در برابر «برادر بزرگ» آغاز کرده بود. فرخزاد اما چند سالی بعدتر، درستی ادعای خود را درباره علاقه جوانان پشت دیوار به جهان باز تجربه کرد، اگر چه پس از آن دو سه سالی بیش زنده نماند تا در طول سالیان گذشته، این علاقه را در جوانان و نسل جدید ایران نیز ببیند و در خرداد ۸۸ شاهد جنبشی گردد که وی به خاطر آن به دور دنیا راه افتاده بود و «حرف» می زد تا نه تنها «وظیفه» خود را به عنوان یک «انسان ایرانی» انجام داده باشد، بلکه بر سر آن حتی جان ببازد.

گذشت زمان نشان داد فرخزاد چه آن زمان که به عنوان «شومن» در پیچه جدیدی را در برنامه‌های سرگرم‌کننده تلویزیون ایران گشود و چه زمانی که زبان تند و تیزش را علیه انقلاب اسلامی و حکومت دینی برآمده از آن به کار گرفت، اشتباه نکرد.

فرخزاد نخستین خواننده و هنرمند ایران بود که در شوهای خود از زنان و حقوق آنها، از مسائل جهان آن روز مانند جنگ ویتنام، از لزوم گسترش آگاهی و علیه برخی سنت‌های دست و پاگیر اجتماعی سخن می‌گفت و به سود مولان و کودکان پرورشگاه کنسرت برگزار می‌کرد و میکروفن به دست در خیابان‌ها به راه می‌افتاد تا چهره واقعی ایران را در محدوده امکانات اندکی که در اختیار داشت به نمایش بگذارد و جامعه را به نقد خود بنشاند.

روند رشد طبیعی جامعه ایران اما با انقلاب اسلامی با انسدادی تاریخی روبرو شد. انسدادی که گویی از سر گذراندن پیامدهای فلاکت‌بار آن، تنها شرط وداع ایران با گذشته و گذار ایرانیان به آینده بود. فرخزاد بلافاصله دور دنیا راه افتاد تا با هنری که داشت و وظیفه‌ای که برای خویش قائل بود، از این انسداد بگوید، و بگوید که اختلاف این حکومت با حکومت پیشین بر سر آزادی و آزادی نبود (کنسرت لندن ۱۳۶۲) بلکه بر سر «توضیح المسائل» و بر سر این بود که آیا باید با پای چپ وارد خلا شد یا با پای راست!

ولی سال‌ها باید می‌گذشت تا مردم کوچ و بازار نیز در ایران، همان زبانی را به کار بگیرند که وی در کنسرت‌های خود به کار می‌برد. زبانی که در دهه سیاه شصت که «روشنفکران» مورد انتقاد فرخزاد برای شکوفایی انقلاب شکوهمندشان، همچنان چشم بر خون‌هایی می‌بستند که در زندان‌ها جاری بود، حقیقت‌گوتر از آن بود که جمهوری اسلامی بتواند اجازه دهد همچنان بماند و بگوید.

فریدون فرخزاد در به دور دنیا راه افتادن و حرف زدن و روشنگری‌هایش که سرانجام مخاطبان خود را در میان نسل‌های جوانتر یافت، بی‌تردید اشتباه نکرد. اشتباه او در این بود که در نیافت نباید فریب خورد و هر کس و ناکسی را به خانه و حریم خصوصی خویش راه داد، و به این ترتیب مانند بسیاری از مخالفان شناخته شده‌ای که توسط رژیم به قتل رسیدند، راه نابودی خویش را بر جمهوری اسلامی هموار ساخت.

پی‌نوشت در اوت ۲۰۱۸: گذشت زمان درستی سخنان فرخزاد را بیش از پیش به نمایش می‌گذارد. هنرمندان خودفروخته و رانتخواز که با لودگی شرایط اسفبار کشور را به تمسخر می‌گیرند و با وعده‌های روحانی «دایسمش» حمایتی و تبلیغاتی درست می‌کنند (نمونه این «هنرمندان» رانتخواز و دور از مردم در هیچ رژیم وجود نداشته است!) دورانشان به پایان می‌رسد. مردم بار دیگر به خیابان می‌آیند و این بار با زبانی که صراحت فرخزاد که بلافاصله پس از انقلاب ۵۷ آن را به کار گرفت، همان خواسته‌هایی را مطرح می‌کنند که این هنرمند آگاه و تنها، در تمام برنامه‌های خود پس از انقلاب مطرح می‌کرد. زمان لازم بود تا خواست اقلیت آگاه و دوستدار ایران و انسان به تدریج به خواست اکثریت تبدیل شود.



او اشتباه نکرد...

سیاسی بودم و همیشه هم دلم می‌خواست که استاد دانشگاه یا دیپلمات باشم. اما از هنرم استفاده کردم، هنری که در من نهان بود و من اطلاعی از آن نداشتم. به ناچاری دنبال شغلی رفتم در تلویزیون، و خب، گفتند که من هنرمند هستم. شاید هنرهای دیگری هم می‌داشتم آن موقع که خودم از آن خبر

نی‌توانستند به من بگویند که تو وزیر بودی، وکیل بودی، منافع خاصی داشتی، صاحب صنایع بودی، نمی‌دانم، مدیرعامل بودی و به خاطر منافع شخصی‌ات آمدی و داری از چیزی دفاع می‌کنی. خوشحال هستم که نه از صاحبان صنایع بودم، نه هرگز وزیر بودم، نه وکیل بودم، بلکه انسانی آزاد بودم و

حتما گوش بکنند و قبول بکنند. نه، من انسان آزاده‌ای هستم و فکر می‌کنم که فقط باید بگویم. شما می‌خواهید حرف‌های مرا گوش بکنید، قبول بکنید یا می‌خواهید نکنید. ولی وظیفه یک هنرمند گفتن مطالب و گفتن واقعیت است. بنا بر این از همه چیز بریدم، از پدر، مادر، خواهر، برادر و سگ و گربه،



فریدون فرخزاد از خود می‌گوید:

شوی «میخک نقره‌ای» از فریدون فرخزاد - ۱۳۵۳



نداشتم. که بعد در این دو سه سال فعالیت در تلویزیون کشف کردم آنها را. مثلا نویسندگی، مثلا شعر ایران هستم. دکتر حقوق هستم در رشته مارکس‌شناسی و طبیعتا وقتی کسی مارکس را می‌شناسد حتما نمی‌تواند طالب آدولف هیتلر هم باشد. مثل تمام جوان‌هایی که در کشورهای کاپیتالیستی زندگی می‌کنند چپ‌گرا بودم و اتفاقا تمام جوانانی هم که در کشورهای سوسیالیستی زندگی می‌کنند، غربی فکر می‌کنند. وقتی در آنجا بلوایی می‌شود، شورش می‌شود، نیمچه انقلابی می‌شود، جوان‌ها احساس غربی بودن دارند. لهستان بهترین نمونه‌اش است. جوان‌ها اکثرا غربی فکر می‌کنند و از چیزهایی دفاع می‌کنند که به مارکس اصلا ربطی ندارد. بنابراین، آدم سیاسی‌ای بودم و تحصیلاتم سیاست بوده. وقتی هم که به ایران برگشتم، آدم بسیار

از همه چیز که داشتم بریدم، از تمام مادیات، از تمام مسائل روحی، عشقی، غذایی، از هر چه که فکر می‌کنید بریدم، دور دنیا راه افتادم برای اینکه برای مردم کشورم قدمی بردارم. ممکن است که بعضی‌ها به این قدم من ارج نگذارند و آن را نپسندند، آن مسئله بعضی‌ها هست. اما وظیفه من است به عنوان انسان زنده ایرانی به دور دنیا بروم و این قدم را بردارم. بعدها مردم خواهند گفت که آیا درست قدم برداشتم یا اینکه اشتباه کردم.



از همه چیز که داشتم بریدم، از تمام مادیات، از تمام مسائل روحی، عشقی، غذایی، از هر چه که فکر می‌کنید بریدم، دور دنیا راه افتادم برای اینکه برای مردم کشورم قدمی بردارم. ممکن است که بعضی‌ها به این قدم من ارج نگذارند و آن را نپسندند، آن مسئله بعضی‌ها هست. اما وظیفه من است به عنوان انسان زنده ایرانی به دور دنیا بروم و این قدم را بردارم. بعدها مردم خواهند گفت که آیا درست قدم برداشتم یا اینکه اشتباه کردم.

خوشبختانه همیشه انسانی سیاسی بودم. اگر که من در گذشته سلطنت‌طلب می‌بودم و یا وزیر می‌بودم، یا وکیل می‌بودم یا منافع خصوصی می‌بردم از حکومتی که سابق بر این، در کشور ما وجود داشت و امروز می‌آمدم و به خاطر آن حکومت مبارزه سیاسی می‌کردم خیلی‌ها، بخصوص گروه‌های چپی

● فرخزاد نخستین خواننده و هنرمند ایران بود که تلاش کرد با امکانات اندکی که در اختیار داشت، جامعه را به نقد خود بنشاند. انقلاب اسلامی اما روند رشد طبیعی جامعه را با انسدادی تاریخی روبرو ساخت. انسدادی که گویی از سر گذراندن پیامدهای فلاکت‌بار آن، تنها شرط وداع ایران با گذشته و گذار به آینده بود. فرخزاد بلافاصله دور دنیا راه افتاد تا از این انسداد بگوید، و بگوید که اختلاف این حکومت با حکومت پیشین بر سر آزادی و آزادی نبود بلکه بر سر «توضیح المسائل» و این بود که آیا باید با پای چپ وارد خلا شد یا با پای راست!

● سال‌ها باید می‌گذشت تا مردم کوچ و بازار نیز در ایران، همان زبانی را به کار بگیرند که وی در کنسرت‌های خود به کار می‌برد.

الاهه بقراط (+) ویدئو، باز نشر از ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۰) - نوجوان بودم ولی آهنگ‌ها، بی‌پروایی و نقدی که در زبان تندش وجود داشت، مرا به برنامه‌هایش جذب می‌کرد. این بود که وقتی برای اجرای کنسرت به کاخ جوانان ساری آمد، خودم را به خواهران و برادرم که بزرگتر از من بودند، تحمیل کردم تا مرا هم با خود ببرند. مطابق مد آن زمان، پیراهن تنگ و کمر باریک نارنجی به تن داشت و با دستمال سفید عرق صورت و پیشانی‌اش را پاک می‌کرد. وقتی پس از اجرای برنامه در سالن غذاخوری کاخ جوانان با همان زبان تند شروع کرد همه چیز را دست انداختن، نمی‌شد فهمید شوخی می‌کند یا جدی می‌گوید، آن هم با ذهن هنوز کودکانه و بی‌تجربه‌ی من.

آن سال‌ها

روز هفتم اوت ۱۹۹۲ فریدون فرخزاد، هنرمند آگاه و آزاده ایران، با ده‌ها ضربه چاقو در خانه خود در شهر بِن به قتل رسید. فکر می‌کنم در یادآوری خاطره هنرمندی که امروز «هنرمندان» کشورش را به آسانی می‌توان خرید و فروش کرد، هیچ سخنی گویاتر از حرف‌های خودش نیست که نه از تعهد و وام هنرمند به مردم، بلکه فقط از خود و تعهد خویش به مردمی سخن می‌گوید که با «پول» آنها، اگرچه کوتاه، ولی خوب زندگی کرد.

فرخزاد در یک مصاحبه تلویزیونی می‌گوید: «سال‌ها قبل وقتی که در کشور یونان حکومت پادشاهی یونان سرنگون شد، روشنفکران یونانی و در صدر آن روشنفکران، هنرمندان معروف یونان مثل تئودراکیس، و خانم ملیتا مرکوری که امروز وزیر فرهنگ دولت یونان است، که دولت سوسیالیستی هم هست، به دور دنیا راه افتادند و مشغول مبارزه شدند برای آزادی کشورشان و مردم کشورشان. این یک مثال کوچک است برای اینکه بدانید چرا من به دور دنیا راه افتادم.

من فکر می‌کنم که هنرمند، معلم اخلاق اجتماع‌اش نیست و هنرمند وظیفه خاصی هم ندارد که تکلیف ملتی را روشن کند. ولی فکر می‌کنم که وظیفه هنرمند، هنرمندی که به خاطر مردم بالا رفته، از مردم بهره مالی گرفته، و خیلی خلاصه و ساده بگویم، با پول مردم، اگر چه با کار هنری‌اش، ولی با دستمزدی که از مردم به دست آورده خوب زندگی کرده، وظیفه دارد در زمانی که ملتی گرفتار می‌شود و کشوری در بند است راه بیفتد و حداقل کاری که می‌تواند بکند این است که حرف بزند.

من نمی‌گویم که اگر من حرف زدم، مردم ایران باید حرف‌های مرا

وحدت گرگ‌ها، تقسیم غنائم و دستکاری صوری: سه راهبرد استعمار طلبان برای تعویق فروریختن حکومت



عوامل سازندهی این رژیم متناقض و فرسوده، انحصار طلب تر از آن هستند که وحدت میان آنها ممکن باشد

● فساد و سوء استفاده از قدرت در جمهوری اسلامی نه یک انحراف یا نقض قانون بلکه پاداش حکومت به کارگزارانی است که دسته‌های از ارادل و اوباش مثل خامنه‌ای و قاسم سلیمانی را رهبر جهان اسلام و سردار فراملی می‌خوانند.

● در یک دوره‌ی چند ماهه مقامات و نزدیکانشان علاوه بر رانت‌های سابق حدود ۱۰۰ تریلیون تومان به جیب زدند. ● همه‌ی شواهد از حرکت جامعه‌ی ایران با سرعت زیاد به سوی پرتگاه دارد.

● وحدت در درون کاست حکومتی غیرممکن است.

مجید محمدی - با تشدید تحریم‌ها و دشوارتر شدن شرایط اقتصادی برای مردم در کنار تداوم سرکوب سیاسی و فرهنگی و اجتماعی همه‌ی استعمار طلبان بسیج شده‌اند تا راه حلی برای دوام حکومت الهی (فاسد و ناکارآمد و یاغی موجود پیدا کنند. بخش خارجی استعمار طلبان در کار لابی با دولت‌ها و گروه‌های چپ‌گرا و تبلیغات سیاسی ترامپ‌هراسی است. اما بخش داخلی اعم از اعتدال‌گرایان و اصلاح طلبان با فعالیت‌های دیگری علاوه بر تبلیغات سیاسی مشغول‌اند. اقدامات آنها را در سه راهبرد وحدت‌طلبی جهت کاهش تنش در درون کاست حکومتی، دستکاری صوری در قوه‌ی مجریه (و نه نهاد‌های انتصابی و قوای قهریه) جهت انحراف افکار عمومی از مشکلات ساختاری، و تقسیم غنائم برای راضی نگاه داشتن پایگاه در حال ریزش حکومت می‌توان خلاصه کرد.

وحدت یا آشتی ملی

تقریباً عموم سیاسیون جمهوری اسلامی و بالاخص اصلاح طلبانی که می‌خواهند جایگاه خود در حکومت منزلت را تثبیت کنند از وحدت و آشتی ملی سخن می‌گویند (برای نمونه نگاه کنید به پرهزاد نبوی، انصاف نیوز ۶ مرداد ۱۳۹۷، و اسحاق جهانگیری، ایسنا ۲ مرداد ۱۳۹۷). وحدت ملی برای گروه‌هایی که در کاست حکومتی هستند یعنی آب شدن یخ‌های میان اصلاح طلبان و اصولگرایان از یک سو و حل مشکلات میان بخشی از اصلاح طلبان (خاتمی) و بیت و سپاه. این وحدت هیچ ربطی به مطالبات عمومی ندارد و قرار نیست از شکاف ملت و دولت کاسته شود. رفع حصر از کربوی، موسوی و رهنورد تنها به کار نمایش پاسخ به مطالبات کهنه بعد از ده سال ابراز وفاداری اصلاح طلبان منجر می‌شود.

این وحدت در درون کاست حکومتی البته غیرممکن است. نمی‌شود در رقابت‌های سیاسی گروهی را برای سال‌ها به زندان فرستاد و عامل بیگانه و فتنه‌گر معرفی کرد و بعد همه با همدلی در کنار هم قرار بگیرند. آنها که به سرکوب از سوی خود واقف هستند (خامنه‌ای و فرماندهان سپاه) گول رفع حصر برای نزدیکی جناح‌ها را نخوردند. در شرایطی که سپاه و بسیج خامنه‌ای از دست مردم خشمگین فرار کنند اصلاح طلبان خواهند گفت «به شما نگفته بودیم؟» اما اکنون برای آویزان ماندن به حکومت و برخورداری از رانت‌ها و فعال سیاسی ماندن از وحدت سخن می‌گویند. سخن گفتن از وحدت در شرایط فضای قبرستانی نوعی سپهر محافظت است. در شرایط حاضر چیزی قابلی‌تر از وحدت میان نیروهای نزدیک به حکومت و اصلاح طلبان و اصولگرایان و هسته سخت حکومت وجود ندارد. ناسراهای آنها به براندازان نیز نه از حَبّ علی بلکه با هدف کاهش بغض معاویه است. کربوی و موسوی بعد از رفع تدریجی حصر که سال‌ها طول خواهد کشید چیزی در حد خاتمی خواهند بود اما با بازتر شدن فضا و افزایش اعتراضات زبان آنها درازتر خواهد شد.

ذوق زدگی مستعجل استعمار طلبان از ابراز آمادگی ترامپ برای گفتگو با نظام دزدسالار



مصاحبه تاجزاده با روزنامه اعتماد

خارج کشور بخش‌هایی از سخنرانی ترامپ که علیه جمهوری اسلامی و همچنین برجام است سانسور شد و تنها آن بخش از سخنان وی که ظاهراً روزنه‌ای به روی مذاکرات «بدون پیش‌شرط» با تهران می‌گشاید، گزینش و منعکس شده است. از جمله این حرف ترامپ در رسانه‌های گزینشی منتشر نشد که تأکید کرد «من برای ملاقات آماده هستم اما ملاقات کافی نیست. قرار نیست مثل برجام حرام کردن کاغذ باشد. برجام یک توافق بد بود که از آن خارج شدیم. من حاضرم بدون پیش‌شرط مذاکره کنم تا یک توافق خوب به دست بیایم». وی همچنین با اشاره به ماجراجویی‌های شه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران در منطقه و حمایت تهران از تروریسم هشدار داد که «ما اجازه نمی‌دهیم تهران به سلاح هسته‌ای برسد».

همزمان بخشی از اپوزیسیون و گروهی از مخالفان جمهوری اسلامی از سخنرانی ترامپ اینطور برداشت کردند که آمریکا قابل اعتماد نیست و باز هم سر بزنگاه امتیاز و باج لازم را از رژیم می‌گیرد و ترامپ هم با بقیه رؤسای جمهور آمریکا فرقی ندارد؛ او هم به فکر جیب خودش است و دلش به حال مردم ایران نمی‌سوزد و صدای اعتراضات آنها را نشنیده گرفته است.

لزوم تغییر محسوس در سیاست‌های رژیم

همچنین گارت مارکیس سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا نیز تأکید کرد، مذاکره با تهران مشروط به این است که تحولات محسوس و پایدار در سیاست‌های تهران روی دهد و در صورتی که رژیم ایران تغییر مسیر ندهد، فشار تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی سنگین‌تر خواهد شد.

آفتابی شدن عمانی‌ها

در این میان، علی‌اکبر ناطق نوری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هم گفته «ابتدا به ساکن ما نباید مذاکره را رد کنیم و بگوییم بیخود کرده است؛ باید تأمل داشته باشیم و دستپاچه نشویم، ذوق زده هم نشویم که ترامپ از همین ذوق زدگی ممکن است سوء استفاده کند، ممکن است ما را تست کند».

او همچنین احتمال داد سفر یوسف بن علوی وزیر خارجه عمان به آمریکا و شاید ایران برای میانجیگری میان دو کشور باشد. در دو سه دهه‌ی گذشته عمانی‌ها و شخص سلطان قابوس بارها نقش میانجی بین تهران و واشنگتن را بازی کرده و پیام‌های خاص و مخفی از کانال قابوس رد و بدل می‌شده است. همزمان سر و کله عمانی‌ها نیز پیدا شد و اعلام کردند یوسف بن علوی قرار است جمعه هفته آینده به تهران سفر کند. این در شرایطی است که جیمز ماتیس وزیر دفاع آمریکا اخیراً به عمان سفر کرده بود.

واکنش‌ها به مواضع ترامپ در مورد مذاکره

مصطفی تاجزاده معاون امنیتی وزارت کشور در دولت اصلاحات می‌گوید: «اگر جای روحانی بودم اعلام می‌کردم برغم بی‌اعتمادی به ترامپ که به تعهدات کشورش پایبند نبوده، حاضرم برای نیل به صلح پایدار با او صریح و شفاف گفتگو کنم».

این مذاکره احتمالی در ظاهر مخالفانی هم دارد که البته بعضی از آنها «پیشانی سفید» هستند!

● مایک پمپئو: پیش‌شرط مذاکره این است که جمهوری اسلامی تعهد دهد رفتارش با مردم ایران را تغییر اساسی می‌دهد.

● ناطق نوری: ما نباید مذاکره را رد کنیم و بگوییم بیخود کرده است؛ باید تأمل داشته باشیم و دستپاچه نشویم، ذوق زده هم نشویم.

● کمال خرازی: ما با توجه به تجربه تلخی که از مذاکره با آمریکا داشته‌ایم طبیعی است ارزشی برای پیشنهاد ترامپ قائل نباشیم.

● شاهزاده رضا پهلوی: میز مذاکره با قدرت‌های خارجی این فرقه تبهکار را نجات نخواهد داد.

● جعفری فرمانده سپاه خطاب به ترامپ: شما این آرزو را به گور خواهید برد که مقامات جمهوری اسلامی ایران از شما درخواست ملاقات کنند یا اجازه ملاقات با شما را از ملت‌شان دریافت نمایند.

اعلام آمادگی دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا برای ملاقات با حسن روحانی بدون هیچ پیش‌شرط و واکنش‌های زیاد و متنوعی به دنبال داشته است. در ایران امنیتی‌ها و نظامی‌ها آن را عقب‌نشینی دانستند و اصلاح طلبان ذوق زده شدند و آن را فرصتی برای تأمین منافع ملی خواندند.

رئیس جمهور آمریکا روز دوشنبه، ۳۰ ژوئیه (هشتم مرداد) در حاشیه دیدار با نخست وزیر ایتالیا در کاخ سفید در جمع خبرنگاران گفت: «آماده دیدار با حسن روحانی بدون هیچ پیش‌شرطی و در هر زمانی که آنها مایل باشند، هستیم.» او سپس برای اینکه این پیشنهاد حالت ویژه‌ای نداشته باشد، آن را به همه تعمیم داد و گفت: «من با همه دیدار می‌کنم. من به ملاقات رودرو اعتقاد دارم. اگر آنها بخواهند با هم دیدار می‌کنیم، اما گمان نکنم آنها در حال حاضر آماده چنین کاری باشند. آنها روزهای سختی را می‌گذرانند. من این کار را از موضع قدرت یا ضعف انجام نمی‌دهم، فکر می‌کنم ملاقات کردن کار مناسبی است.»

ترامپ همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگاران گفت: «هیچ شرطی وجود ندارد. آنها اگر بخواهند ملاقات کنند، ما هم ملاقات می‌کنیم. این هم برای کشور خوب است، هم برای آنها، هم برای ما و هم برای جهان.» این سخنان رئیس جمهور آمریکا که با تأکید بر یک «دیدار» توپ مناسبات دو کشور را به زمین جمهوری اسلامی انداخت، موجی از خوشحالی بین اصلاح طلبان در داخل و شعب خارنشین آنها به راه انداخت. البته هیچ ایرادی در این خوشحالی نیست بلکه نکته قابل توجه در اینجاست که همانها که تا دیروز اپوزیسیون دموکرات جمهوری اسلامی را متهم می‌کردند که مزدور دونالد ترامپ، جان بولتون و مایک پمپئو هستند و همسویی قاسم سلیمانی و حسن روحانی در بستن تنگه هرمز را «وحدت ملی» برای حفظ «منافع ملی» قلمداد می‌کردند ناگهان با این سخنان نه چندان نامنتظره‌ی ترامپ گل از گل‌شان شکفت و به شدت ذوق زده شدند.

این سخنان ترامپ انقدر به دل اصلاح طلبان نشست که حتی از منابع اصلی خبر پیگیری نکرده‌اند که ترامپ در این سخنرانی بطور کامل در مورد رژیم ایران و برجام چه گفت. چه بسا می‌دانند و باز هم دست به پخش گزینشی خبر می‌زنند!

قرار نیست مثل برجام کاغذی

در اغلب خبرگزاری‌های داخلی و همچنین رسانه‌های فارسی‌زبان

(بجز چند استثنا که قدرتی ندارند) خواهان تغییراتی در کابینه یا تغییر در ساختار وزارتخانه‌ها مثل تفکیک برخی از آنها برای مواجهه با مشکلات اقتصادی هستند. آنها تصور می‌کنند این تغییرات می‌تواند ناخشنودی مردم برای فجایع اقتصادی‌ای را که در جریان است فرو نشانند و جایی برای تکرار بازی مسخره‌ی انتخابات (تفاوت قیمت ۳۰ میلیارد دلار ۴۲۰۰ تومانی برای واردات و دلار ۷۵۰۰ تومانی بازار در ماه‌های اخیر) به جیب بزنند. با دلار یازده هزار تومانی این رقم به حدود ۲۰۰ تریلیون خواهد رسید. وقتی حسن روحانی همه‌ی تهدیدهای خود را به بستن تنگه‌ها معطوف می‌کند مشخص است که مهمترین نگرانی حاکمان از کاهش درآمد‌های نفتی است که آنها از سرچشمه‌اش بر می‌دارند. تک تک اعضای خانواده‌ی مقامات سهمی بزرگ و کوچک (مثل سهم بیش از دو میلیون دلاری پدر شوهر دختر روحانی که در اتریش ساکن است) از این منابع می‌برند. وقتی قرار باشد روحانیون و سپاهیان از تحریم‌ها منتفع شوند جناح مقابل حتماً باید از این کیک سهمی داشته باشد تا وفاداری‌اش ادامه پیدا کند. این سهم‌گیری صدای واحد آنها در حمایت از سرکوب معترضان را به خوبی توضیح می‌دهد. اگر عباس عبدی و محمدرضا جلالی‌پور که عائله‌مند و پرهزینه‌اند همانند قراردادهای انحصاری دوران خاتمی برای نظرسنجی یا رانت‌های مطبوعاتی سهمی نمی‌بردند تا این حد معترضان را تحقیر نمی‌کردند. عناصری که در خارج از کشور در جهت بقای نظام کار می‌کنند به طرق مختلف از «پروژه‌های فرهنگی» (که لابی امیراحمدی در دانشگاه راتگرز یکی از دریافت‌کنندگان و توزیع‌کنندگان آن تحت عناوینی مثل ترجمه یا تحقیق است) تا «پروژه‌های امنیتی غیرمستقیم» (پرونده‌سازی برای مخالفان در شبکه‌های فارسی‌زبان مثل بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا و رادیو فردا) برخوردار می‌شوند. دعوت از افرادی مثل علی علیزاده به عنوان «پژوهشگر فلسفه» به این رسانه‌ها دقیقاً همین کارکرد را داشته است. بی‌بی‌سی فارسی اسناد قالب کردن این چهره‌های خلق‌الساعه‌ای است که با شدت تمام از جمهوری اسلامی دفاع و برای مخالفان آن پرونده‌سازی می‌کنند.

باز بودن دست مدیران برای فساد و سوء استفاده، ناشی از ترس مقامات بالاتر از ریزش کسانی است که در آستانه‌ی برائت از نظام قرار دارند. مدیرانی که هم اعضای خانواده و هم حساب‌های بانکی و مستغلاتشان در آمریکا و کانادا و استرالیا و اروپاست تنها با کسب و کارهای چند میلیون دلاری یا چند ده میلیون دلاری در مواضع خود ایستاده و در مناقب یک کارگر ساختمانی (قاسم سلیمانی) یا روضه‌خوان (علی خامنه‌ای) سخن می‌گویند. فساد و سوء استفاده از قدرت در جمهوری اسلامی نه یک انحراف یا نقض قانون بلکه پاداش حکومت به کارگزارانی است که دسته‌ای از ارادل و اوباش مثل خامنه‌ای و سلیمانی را رهبر جهان اسلام و سردار فراملی می‌خوانند.

دستکاری نمایشی

اصولگرایان و اصلاح طلبان (هر دو اسم مسمایی ندارد) به اتفاق

زنان شاخص

مه‌لقا ملاح (۱۲۹۶)



مه‌لقا ملاح فرزند خدیجه افضل وزیری و نوه بی‌بی‌خانم استرآبادی، بنیان‌گذار سازمان غیردولتی زیست‌محیطی «جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست» است و از وی به عنوان «مادر محیط زیست ایران» یاد می‌شود. مادر و مادر بزرگش از زنان پیشگام عصر خود بودند. پدرش آقابزرگ ملاح به دلیل داشتن منصب دولتی در شهرهای مختلف ساکن می‌شد به همین دلیل مه‌لقا در شهرهای مختلفی مانند مشهد، قوچان، اصفهان، دامغان، همدان و کرمانشاه تحصیل کرد. او بعد از تحصیل در فلسفه و علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران مدرک فوق‌لیسانس علوم اجتماعی گرفت و برای ادامه تحصیل به پاریس رفت و در سوربن علوم اجتماعی خواند و با مدرک دکترا به ایران بازگشت. در فرانسه ضمناً دوره کتابداری نیز در کتابخانه ملی فرانسه گذراند. در بازگشت به ایران در کتابخانه دانشگاه تهران مشغول کار شد و بعد از مدتی در سال ۱۳۴۷ به ریاست کتابخانه مؤسسه تحقیقات روان‌شناسی برگزیده شد. پس از بازنشستگی تمام وقت خود را در راه مبارزه برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست گذاشت. مه‌لقا ملاح در سال ۱۳۷۳ با مشارکت همسرش و چند استاد دانشگاهی علاقه‌مند به محیط زیست سازمان غیردولتی زیست‌محیطی «جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست» را بنیان گذاشت. این سازمان در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۴ رسماً اعلام موجودیت کرد.

آموزش صحیح شست و شو تا خشک کردن موها

درخشان‌تر از همیشه به نظر برسند آنها را با آب سرد شستشو دهید، زیرا آب سرد باعث می‌شود تا کوتیکول‌های مو (پوشش لایه‌لایه خارجی مو) کاملاً صاف و لطیف بمانند. در نتیجه موها درخشان‌تر به نظر می‌رسند.

اگر از نرم‌کننده‌ها و حالت‌دهنده‌هایی استفاده می‌کنید که روی برجسته شدن نوشته شده است برای پخش شدن بهتر محصول باید موهایتان را هنگام مصرف شانه کنید، دقت کنید شانه زدن را از انتهای موها شروع کنید. موهای خیس زود کشیده می‌شوند، بنابراین زودتر به هم گره خورده و آسیب می‌بینند. برس‌ها حتی در شرایط عادی نیز به موها آسیب وارد می‌کنند، در نتیجه توصیه می‌شود تحت هیچ شرایطی از برس برای شانه زدن موهای خیس استفاده نکنید.

خشک کردن موها

خب نوبتی هم که باشد، نوبت خشک کردن موهاست، بعضی از افرادی که

بسیاری از ما نمی‌دانیم که شست و شوی صحیح موها چگونه است. بسیاری از افراد باوری غلط در مورد شانه کردن موها دارند این باور غلط را ما زیاد شنیده ایم به همین خاطر در این مطلب به شما نحوه شست و شو تا خشک کردن موهایتان را آموزش داده می‌شود. عناوینی که در مورد آن‌ها بحث می‌کنید و بسیاری از افراد ممکن است این نکات را ندانند عبارتند از: شانه کردن موها، شامپو زدن به موها، استفاده صحیح از نرم‌کننده ها، حالت‌دهنده موها، خشک کردن موها.

نحوه و زمان شانه کردن موها

ابتدا قبل از حمام کردن و خیس شدن موها، آنها را با دقت شانه کنید، زیرا موهای خیس بسیار حساس و آسیب‌پذیرند. شانه کردن موها در حالت خشک امکان آسیب رسیدن به آنها را بسیار کاهش می‌دهد، زیرا در این حالت موهای گره خورده بسیار راحت‌تر از هم باز می‌شوند، در حالی که شانه زدن موها در حالت خیس آسیب فراوانی به آنها وارد می‌کند. گرمای زیاد نیز برای موها مضر است، با وجود اینکه آب داغ همانند سشوار یا نور مستقیم خورشید به موها آسیب نمی‌زند، اما ضررهای خاص خود را دارد. برای پیشگیری از هرگونه آسیب جدی موهایتان را با آب گرم و تا حدی ولرم بشویید. هیچ چیز لذت بخش‌تر و خوشایندتر از دوش گرفتن با آب داغ نیست، اما به شرطی که موهایتان به طور مستقیم با آن تماس نداشته باشند.

شامپو زدن به موها

قبل از شامپو کردن نوع موهایتان را کاملاً بشناسید. به طور مثال اگر پوست سرتان چرب ولی خود موهایتان خشک است، از شامپو کردن مستقیم موها خودداری کنید و به جای آن ابتدا کف فراوان درست کنید و شامپو را تنها به بخش چرب پوست بزنید و سپس با آب شستشو دهید. هنگام شستشو با آب، شامپو در طول موها و به سمت پایین حرکت می‌کند و همین میزان برای زدودن هرگونه آلودگی از روی آنها کافیست.

استفاده صحیح از نرم‌کننده‌ها و حالت‌دهنده‌ها

حالت‌دهنده‌ها را ابتدا به ریشه موها بزنید و سپس به سمت انتهای آنها حرکت کنید. توجه کنید به انتهای موها (که بسیار آسیب‌پذیرتر از سایر نقاط مو هستند) حالت‌دهنده بیشتری بزنید. سپس به آرامی موها را با حالت‌دهنده‌ها و نرم‌کننده‌ها ماساژ دهید. در صورتی که دارای پوست سر چرب هستید، مقدار کمی از حالت‌دهنده را روی پوست سر بزنید. پس از ماساژ دادن یک تا سه دقیقه صبر کنید و سپس با آب شستشو دهید. اگر دوست دارید موهایتان



تاثیر

پیاده‌روی بر افزایش طول عمر

پیاده روی از جمله ورزش‌هایی است که فواید بی شماری را برای سلامت شما در پی دارد. پیاده روی علاوه بر تاثیر مثبت بر سلامت جسم شما، فواید بسیاری را نیز برای تقویت روحیه و بهبود سلامت روان شما دارد. تحقیق جدید نشان می‌دهد حتی پیاده روی منظم به مدت کوتاه می‌تواند ریسک مرگ را کاهش دهد. سرپرست تیم تحقیق از انجمن سرطان آمریکا، در این باره می‌گوید: «پیاده روی به عنوان یک ورزش عالی معرفی می‌شود چراکه ساده، آزاد و سازگار به همه جاست و نیازی به تجهیزات خاصی یا تمرین ندارد و در هر سنی قابل انجام است.» وی در ادامه می‌افزاید: «از آنجائیکه جمعیت ۶۵ سال به بالا جهان تا سال ۲۰۳۰ تقریباً دو برابر می‌شود، پزشکان باید افراد را به پیاده روی، حتی کمتر از میزان توصیه شده، به خاطر سلامت و افزایش طول عمر تشویق نمایند.» در مطالعات قبلی، ارتباط پیاده روی منظم با ریسک کمتر بیماری قلبی، دیابت و سرطان‌های سینه و روده به اثبات رسیده است. میزان ورزش توصیه شده حداقل ۱۵۰ دقیقه ورزش ملایم یا ۷۵ دقیقه فعالیت بدنی شدید در هفته است. در این مطالعه، محققان داده‌های حدود ۱۴۰ هزار بزرگسال آمریکایی را بررسی کردند. محققان دریافتند افرادی که تنها ورزش‌شان پیاده روی کمتر از ۲ ساعت در هفته بود کمتر از افراد فاقد تحرک بدنی در معرض خطر مرگ قرار داشتند. به گفته محققان پیاده روی قویا با کاهش ۳۵ درصدی مرگ ناشی از بیماری قلبی، ۲۰ درصد کاهش مرگ ناشی از بیماری قلبی و ۹ درصد کاهش مرگ ناشی از سرطان دانستن اینکه

وارد می‌کند، بنابراین استفاده از سشوار برای خشک کردن موها به هیچ وجه توصیه نمی‌شود. اما اگر همچنان می‌خواهید از سشوار استفاده کنید حداقل سعی کنید در استفاده از آن زیاده‌روی نکنید و آن را خیلی نزدیک موهایتان نگیرید. فرقی نمی‌کند از چه روشی برای خشک کردن موها استفاده می‌کنید و تا چه حد در استفاده از سشوار دقت می‌کنید، در هر صورت سشوار و گرمای حاصل از آن به موها آسیب می‌رساند. **در شست و شوی موهایتان زیاده روی نکنید** نیازی نیست تا هر روز موهایتان را



بشوید، شستن بیش از حد موها با شامپو باعث می‌شود تا چربی‌هایی که برای سلامت موها مفیدند از روی آنها پاک شوند. گاهی تنها شستشوی موها با آب خالی یا نرم‌کننده و حالت‌دهنده‌ها کافی است. همچنین می‌توانید مقدار کمی شامپو را در یک بطری کوچک آب گرم حل کنید و سپس آن را به آرامی روی پوست سرتان بزنید. **در مورد شامپو بیشتر بدانید** شستن موها با شامپو از اوایل قرن بیستم رواج پیدا کرد، دلیل این امر افزایش آلودگی هوا به دلیل گسترش کارخانه‌ها و سایر صنایع است. تا قرن‌ها شستن موها تنها در مواقع ضروری انجام می‌شد و در برنامه روزانه، هفتگی و حتی سالیانه انسان‌ها قرار نمی‌گرفت. حتی در قرون وسطی شستن موها با آب امری ناپسند و مضر برای سلامت محسوب می‌شد. بنابراین نشستن موها با آب و شامپو به مدت یک یا دو روز در مقایسه با استانداردهای قرن‌های گذشته نه تنها اشکالی ندارد بلکه نوعی وسواس به شمار می‌رود.

حاصل کنیم که کودکان می‌توانند در خانواده روابط قوی داشته باشند. **روش مونتسوری ابداع توسط ماریا مونتسوری:** ماریا مونتسوری، اولین زن در ایتالیا بود که مدرسه پزشکی را تمام کرد و در همانجا روی کودکان بیمار کار کرد. مونتسوری برای چندین بار نامزد دریافت جایزه نوبل شد و روش تربیتی او در بسیاری از کشورها محبوب است. **دیدگاه‌های ماریا مونتسوری:** یک کودک سزاوار احترام است، بنابراین درخواست‌های مودبانه داشتن بهتر از دستور دادن است. به بچه‌ها از بالا نگاه نکنید. سعی کنید به آنها از زاویه‌ای نگاه کنید تا چشمان شما و آن‌ها در یک سطح باشد. برای کودک خود صندلی و میز مناسب قش در نظر بگیرید. وی پیراهن آن‌ها سنجاق بزنید تا بتوانند هر چه می‌خواهند به خودشان آویزان کنند. آن‌ها در چنین محیطی شاد خواهند بود. کارهایی که کودکان می‌توانند برای خودشان انجام دهند، شما انجام ندهید.



زن روز



سیمین بهبهانی

ای آن که گاه گاه ز من یاد می‌کنی پیوسته شادزی که دلی شاد می‌کنی گفتی: «بروا» ولیک نگفتی کجا رود این مرغ پر شکسته که آزاد می‌کنی پنهنان مساز راز غم خویش در سکوت باری، در آن نگاه، چو فریاد می‌کنی ای سبیل اشک من! ز چه بنیاد می‌کنی؟ ای درد عشق او! ز چه بیداد می‌کنی؟ نازک‌تر از خیال منی، ای نگاه! لبیک با سینه کار دشنه بولاد می‌کنی نقشت ز لوح خاطر سیمین نمی‌رود ای آن که گاه گاه ز من یاد می‌کنی

بزرگترین معلم فرزندان خود باشید

انتخاب پوشش یا رنگ کوله‌پستی. **روش آموزشی ولدورف ابداع توسط رودولف استینر** ایده مدارس ولدورف، تربیت یک فرد معتدل است که دوست دارد کار کند و بتواند توانایی‌های خلاقانه خود را بیابد. در این مدارس هیچ نمره و پرسشی وجود ندارد، اما آنها مثل شاگردان مدرسه‌ها دیگر امتحانات را پشت سر می‌گذارند.

ایده‌های رودولف استینر:

هیچ کتابی وجود ندارد که بتواند به والدین روش ارتباطی با کودکان را بیاموزد. هر کودکی منحصر به فرد است، بنابراین شما باید بتوانید با هر کودکی به تناسب با خودش رفتار کنید.

داستان‌های جالب می‌توانند به کودکان بهتر از فصل‌های خسته‌کننده کتاب‌های درسی، آموزش دهند. کودکان باید بیشتر وقت خود را در خارج از منزل صرف کنند. یاد بگیرند که ببینند، زیبایی را درک کنند و در هماهنگی با جهان زندگی کنند.

اسباب‌بازی‌های ساده، مانند مکعب‌های چوبی، تخیل را بهتر می‌کنند.

مراسم‌های ساده روزمره به کودکان کمک می‌کنند تا به راحتی آنها را سازماندهی کنند. به همین دلیل هر روز باید تکرار شوند، مثل مراسم‌های خواندن سرود.

روش آموزشی سامرنیل ابداع توسط الکساندر نیل

بریتانیا این مدرسه را "بحث برانگیز" نامیده است. دانش‌آموزان مجاز به تحصیل نیستند و حتی ملزم به حضور در کلاس نیستند. به طور متوسط، بچه‌ها ۳ ماه هیچ کاری انجام نمی‌دهند و سپس شروع به حضور در کلاس‌ها می‌کنند. ولی در عوض در کلاس‌های تابستان نیل، دانش‌آموزان می‌توانند فتوشاپ کار کنند، گل‌کاری و کشاورزی کنند و مهارت‌های مفید دیگری کسب کنند.

دیدگاه‌های الکساندر نیل:

وقتی کودک می‌گوید نه، به معنای شروع نه گفتن در زندگی است. یک کودک سرسخت، یک کودک ناراضی است که نمی‌تواند راه صلح با جهان را پیدا کند.

پدر و مادر کودکان سرسخت، باید برای چند دقیقه بنشینند و صادقانه از خود بپرسند که آیا واقعا می‌خواهم از کودک‌کام حمایت کنم و آیا به او اعتماد کنم؟ آنچه کودک باید انجام دهد، زندگی خود اوست، نه زندگی که والدین و معلمانشان برای آنها برنامه‌ریزی کرده‌اند.

کودکان نباید مجبور به تطهیم خود با مدرسه باشند، اما مدارس باید با کودکان خود را تطهیم دهند.

اگر فرزندان را برای هر اشتباهی مجازات کنید، برای همه چیز احساس گناه می‌کنند.

اگر فرزندان را حمایت کنید و احساسات خود را نسبت به آن‌ها بیان کنید، اعتماد به نفس‌شان افزایش می‌یابد.

اجازه دهید در کارهای خانه همکاری داشته باشند.

سعی کنید اسباب‌بازی‌های پلاستیکی را نخرید. مواد طبیعی بهترند.

روش رجبیو، ابداع شده توسط لوریس مالگوزوی لوریس مالگوزوی روانشناس ایتالیایی این دیدگاه بسیار زیبا را ارائه کرد: یک کودک می‌تواند به ۱۰۰ زبان صحبت کند، به این معنی است که کودکان می‌توانند با جهان صحبت کنند و افکار خود را از راه‌های مختلف بیان کنند. از طریق نقاشی، آواز و بازی. اما اغلب بزرگسالان سعی می‌کنند ۹۹ زبان آن‌ها را ساکت کنند. والدین باید



به فرزندان خود گوش دهند و آنها را به استفاده از این زبان‌ها در زندگی روزمره آموزش دهند و تشویق کنند. **دیدگاه‌های اصلی مالگوزوی:** چیزی به اسم پاسخ اشتباه وجود ندارد، دیدگاه‌های مختلف درباره یک موضوع وجود دارد. به بچه‌ها نگویید که آنها در مورد چیزی اشتباه فکر می‌کنند، بلکه از آنها بپرسید که چرا آنها اینگونه فکر می‌کنند و سپس درباره یک دیدگاه دیگر برایشان توضیح دهید. قبل از هر توضیحی، از فرزند خود بپرسید آیا می‌خواهد نظرش را درباره موضوع به شما بگوید؟ چرا که اگر شما چیزی را بگویید که آن‌ها از قبل می‌دانند، علاقه خود را به گوش دادن از دست می‌دهند، دقیقاً مثل بزرگسالان. سوالات بیشتری را که نیاز به پاسخ دقیق دارند بپرسید. به این ترتیب، کودکان یاد خواهند گرفت که فکر و افکار خود را بیان کنند. اجازه دهید فرزند شما دست به انتخاب بزند. به عنوان مثال، در

مردان شاخص



محمود نجم آبادی (۱۳۷۹ - ۱۳۸۲)

محمود نجم آبادی طبیب، نویسنده، مترجم، استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار و محقق و مورخ ایران در عرصه پزشکی است. وی که علاوه بر صدها عنوان تألیف و تحقیق به صورت کتاب و مقاله در عرصه تاریخ پزشکی به زبان‌های فارسی و فرانسوی، کلکسیون‌ی از افتخارات را در کارنامه خود دارد و از جمله سالها عضو رسمی و نایب رئیس انجمن تاریخ طب فرانسه و انجمن بین‌المللی تاریخ طب در پاریس و دارای نشان شوالیه از این کشور و همین‌طور نشان درجه اول سیاست از طرف دولت ایران می‌باشد، سهم عمده‌ای در معرفی بزرگترین پزشکان تاریخ ایران همچون محمد زکریای رازی، ابوعلی سینا، اهوازی و... به ایرانیان و جهانیان و اثبات سهم بزرگ این پزشکان در اعتلای دانش پزشکی در جهان داشته‌است. نجم‌آبادی در سن ۱۹ سالگی وارد مدرسه طب شد. وی در مدرسه طب شاگرد اول شد و بعد از فراغت از تحصیل و در سال ۱۳۰۹ خورشیدی به

قوچان رفت و مدت ۲ سال در قوچان و باجگیران، حکیم قانونی و حکیم نظام وظیفه محسوب می‌شد. وی بعد از آن و در سال ۱۳۱۲ به سبزوار آمد و رئیس بیمارستان حشمتیه این شهر شد. وی پس از اینکه مدتی در سبزوار طبابت کرد به تهران آمد و در انستیتو پاستور مشغول کار شد. رئیس انستیتو پاستور در این زمان دکتر ژان فراندل فرانسوی بود که به وی خیلی اعتقاد داشت. فعالیت او در انستیتو پاستور تا زمانی که انگلیسی‌ها هدایت این مؤسسه را بر عهده گرفتند ادامه داشت.



مزایای ورزش گلف برای افراد مسن

از مزایای ورزش گلف برای سلامتی تان چه میزان اطلاع دارید؟ این ورزش برای افراد مسن بهترین انتخاب است و می‌تواند از آن‌ها در برابر ابتلا به آلزایمر پیشگیری کند؛ همچنین موجب تقویت روحیه و افزایش سلامت روان این افراد می‌شود. مطالعات انجام شده با همکاری فدراسیون گلف انگلیس و دانشگاه شفیلد نشان داده است که گلف بازی کردن به صورت مرتب احتمال زوال عقل در افراد میانسال و سالمند را کاهش می‌دهد. به نقل از BBC، بررسی‌های انجام شده در رابطه با فواید ورزش گلف نشان داده است که انجام مرتب این ورزش می‌تواند در افراد بالای ۵۵ سال تا ۳۰ درصد احتمال زوال عقل را کاهش دهد. همچنین بیماری‌هایی که به این مشکل مبتلا هستند نیز با انجام گلف می‌توانند شرایط بهتری پیدا کنند.

ورزش گلف می‌تواند باعث افزایش هماهنگی بدن شود و قسمت‌هایی از مغز را تحریک کند. این ورزش برای افراد میان سال و سالمند لذت بخش نیز هست و باعث بهبود روحیه آنها می‌شود.

بیمارانی که گلف را تجربه کرده‌اند معتقدند که انجام گلف و ارتباط برقرار کردن با دیگران

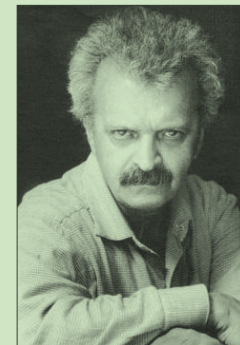
فردی که در این ورزش به بهبود شرایط پوست برخی می‌تواند شخص آنها بسیار کمک کرده است. از افراد خشک و سوم باشد، یک مشاور خانواده است.

۶- دسترسی‌های شریک خود را زیاد کنید

اجازه دسترسی شریک زندگی تان را به قسمت‌های بسیار شخصی زندگی خود را بدهید: رمان‌های اجتماعی، پیام‌های گوشی موبایل و تماس‌ها. اگر تصمیم گرفته‌اید صادق باشید، به هیچ وجه چیزی را پنهان نکنید. این مرحله شریک زندگی شما را آرام می‌کند و به شما بیشتر اعتماد می‌کند. با گذشت زمان، او شما متوجه خواهد شد که نیازی به زیر نظر گرفتن تمام



مرد روز



محمود مشرف آزاد تهرانی (م.آزاد)

گفت فریاد زنان این همه نیست آسمانی که تو می‌گویی در خلوت ماست آسمانی که به ما می‌گفتند و چه بارانی می‌دانستم که نمی‌داند و بیپوده سخن می‌گوید گفت فریاد زنان این همه نیست ما به دیدار آنها آمده ایم ما به دیدار هزاران و هزاران خورشید به تماشای بهاری که زمین را به تماشای خواند چشمه‌ایش را بست و در اندیشه‌ی من زورق سبزی که به آتشفشا آراسته بود به زمستان پیوست

راه‌های کسب اعتماد دوباره پس از خیانت

همانطور که احتمالا می‌دانید، انسان‌ها کامل نیستند و آنگونه که وسایط برایتان می‌گوید ۲۳ درصد مردان و ۱۹ درصد زنان به همسر و پارتنر خود خیانت می‌کنند. ولی این آمار جالب‌تری است که ۷۰ درصد زوج‌هایی که از هم جدا می‌شوند، دوباره به هم باز می‌گردند. در این مقاله، به شما در مورد بازسازی رابطه‌ای رو به شکست توضیح می‌دهیم تا بتوانید اعتماد شریک زندگی خود را بدست بیاورید.

۴- نقش متهم و دادستان را بازی نکنید

هنگامی که بدترین بخش ماجرا یعنی پذیرش فریب، تمام شده است، مرحله سخت‌تر شروع می‌شود. اگر تصمیم گرفتید با هم بمانید، نقش متهم و دادستان را بازی نکنید. این رفتار اعتماد به نفس نمی‌آورد و نتیجه می‌گردد.

با این حال، شریک زندگی شما احساس می‌کند که چیزی را پنهان می‌کنید. برخی از جزئیات زندگی شما یک کابوس باشد. آنها تصویری از آنچه در سرشان هست را با بی‌اهمیت جلوه دادن شما و یا توضیح ناکافی تان برای مدت‌ها در ذهن خود حفظ می‌کنند.

اما اجتناب از گفتگو نیز ایده‌ی خوبی نیست. چیزی را پنهان نکنید. برای غلبه بر این مشکلات، زمان نیاز است، در غیر این صورت زخم‌ها بهبود نمی‌یابند. سعی نکنید رنج را به حداقل برسانید، زیرا این کار را به بهترین شکل زمان انجام می‌دهد.

۲- تمام حقیقت را بگو
اعتماد در رابطه بسیار شکننده است. اگر شما یک بار دروغ گفته‌اید، بهترین شیوه این است که تمام حقایق را به شریک زندگی خود بگویید.

اربرت وایس روانشناس می‌گوید که بازگرداندن اعتماد تنها زمانی امکان‌پذیر است که رابطه شما کاملاً شفاف باشد. جزئیات برای همین اینقدر اهمیت دارند. اگر شما می‌خواهید با دوستان خود مشروب بخورید، به همسر تان بگویید. در مورد مکان‌های حساسیت‌برانگیز هرگز به شریک زندگی تان دروغ نگویید.

۳- حمله نکنید
فردی که اعتماد خود را از دست می‌دهد، دوران سختی را می‌گذراند. گوش دادن به واکنش‌های منفی، به معنای این است که او در حال عبور از واقعیت است. پس باید هر

روش‌های درمان جوش‌های بعد از اصلاح

عفونت پوست هم جلوگیری می‌کند. کمی عسل را به پوست بمالید. بگذارید روی پوست خشک شود، سپس آن را با آب سرد بشویید.

همچنین می‌توانید نصف قاشق چای خوری عسل را با یک قاشق غذاخوری ماست مخلوط کنید. این مخلوط را روی پوست بزنید و ۱۵ دقیقه صبر کنید سپس پوست را با آب ولرم آب بکشید. یکی از این درمان‌ها را ۳ تا ۴ مرتبه در روز انجام دهید.

جوش شیرین برای جوش بعد از اصلاح:

جوش شیرین یکی دیگر از درمان‌های طبیعی و خانگی قدیمی است که برای بهبود این عارضه پوستی استفاده می‌شود. خاصیت ضدالتهاب این ماده باعث تسکین پوست می‌شود و خارش و قرمزی پوست را نیز کاهش می‌دهد.

برای درمان جوش بعد از اصلاح با جوش شیرین به‌صورت زیر عمل کنید. ۱ - یک قاشق غذاخوری جوش شیرین را با ۱ پیمانه آب مخلوط کنید

۲- یک تکه پنبه را به محلول آغشته کرده و به پوست بزنید.

۳- حالا ۵ دقیقه صبر کنید و بعد پوست را با آب سرد بشویید. این کار را ۲ تا ۳ مرتبه در روز انجام دهید تا جوش‌ها برطرف شوند.

روغن درخت چای برای جوش پس از اصلاح:

این روغن دارای خواص ضدباکتری، ضدالتهاب و ضدعفونی‌کننده است و می‌تواند پوست را سریعاً تسکین دهد. ۱ - ۵ قطره روغن درخت چای را با ۲ قاشق غذاخوری آب مخلوط کرده و به پوست بزنید بعد از ۱۰ دقیقه پوست خود را با آب ولرم بشویید

کافیست این کار را ۲ مرتبه در هفته انجام دهید.

۲- روش دیگر برای استفاده از روغن درخت چای اینست که ۲ تا ۳ قطره روغن را با ۱ قاشق غذاخوری روغن زیتون مخلوط کرده و به پوست بزنید و اجازه دهید بمدت ۱۰ الی ۱۵ دقیقه روی پوست بماند سپس پوست را آب بکشید.

روش‌های برای پیشگیری از جوش زدن بعد از اصلاح:

اگر تمام روش‌های بالا جواب ندادند، می‌توانید از روش‌های زیر استفاده کنید: قبل از اصلاح یک دوش آب گرم بگیرید. این کار به نرم شدن موها و باز شدن منافذ پوست کمک می‌کند. از خمیرهای اصلاح مناسب استفاده کنید. در هنگام اصلاح از کشیدن پوست خودداری کنید و همیشه در جهت رشد موها اصلاح کنید. از تیغ‌های کند استفاده نکنید و در آخر با آب سرد خودتان را آب بکشید. در صورت امکان از تیغ‌های اصلاح برقی استفاده کنید.

که پوست به دلایلی آسیب می‌بیند این میکروبها تزیاید پیدا کرده و باعث عفونت در آن ناحیه می‌شوند. بنابراین بهتر است قبل از اصلاح پوست صورت را با محلولهای استریل‌کننده مثل الکل هفتاد درجه تمیز کنید و اگر با این کار هنوز التهاب ایجاد می‌شود از کرمهای ضد التهاب از قبیل هیدروکورتیزون مصرف نمایید.

مراقبت از پوست بعد از اصلاح صورت خانم‌ها:

در حین برداشتن موهای زائد صورت، موها از جای خود کنده می‌شوند و ضربه‌هایی به پوست وارد می‌شود که عامل ایجاد التهاب و قرمزی پوست و حتی خارش پوست پس از اصلاح است. البته پوست‌های مختلف عکس‌العمل‌های متفاوتی نشان می‌دهند. جوشهای پوستی پس از اصلاح نیز به خاطر عوامل میکروبی است که در حین برداشتن موها، وارد پوست شده و باعث جوش زدن پوست می‌شوند.



بنابراین باید مراقبت از پوست بعد از اصلاح صورت خود کاری انجام دهید. بهتر است پس از اصلاح کمی صبر کنید تا التهاب پوست از بین برود، سپس پوست خود را ضدعفونی و تمیز کنید. برای اینکار می‌توانید از ماسک‌های طبیعی خنک‌کننده و پاک‌کننده استفاده کنید. ژل آلوئه ورا، ماسک لیموترش و عسل، ماسک شیر و عسل هم بهترین روش برای پاکسازی پوست است. به خصوص که عسل خاصیت ضدعفونی‌کننده دارد.

البته استفاده از افترشیو زنانه هم که حاوی روغن سنبل است می‌تواند باعث رفع حساسیت بعد از اصلاح شده، التهاب بخش و خنک‌کننده باشد و از ایجاد جوش و لکه‌های قرمز جلوگیری کند.

جوش بعد از اصلاح به روش طبیعی درمان کنید:

۱- استفاده از عسل خاصیت ضدباکتری عسل شناخته شده است و می‌تواند حساسیت و قرمزی پوست را سریعاً درمان کند. عسل تورم و التهاب را کاهش می‌دهد و پوست را مرطوب نگه می‌دارد. علاوه بر این، از

می‌کنند. این برجستگی‌ها می‌توانند باعث تحریک پوست و ایجاد جوش شوند. همچنین ممکن است باعث بروز زخم‌هایی بر روی پوست شوند.

علت جوش بعد از اصلاح:

حال که با روشهای طبیعی و خانگی درمان جوش بعد از اصلاح آشنا شدید بد نیست دلیل جوش و حساسیت بعد از اصلاح را نیز بدانید.

هر گونه ضربه و تروما به پوست می‌تواند منجر به التهاب شود. زیرا با اصلاح صورت مو از ریشه کنده می‌شود و می‌تواند در همان قسمت باعث التهاب شود و به شکل جوش بروز پیدا کند. از آنجاییکه پوست افراد به ضربه وارده واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهد بنابراین یک ضربه همانند در پوست دو نفر واکنش یکسانی ندارد و این نشان‌دهنده حساس بودن پوست افراد می‌باشد. علاوه بر آن در پوست افراد متفاوت میکروبیهای مختلفی نیز وجود دارد که فلورای طبیعی پوست می‌باشند و در مواقع طبیعی هیچ مزاحمتی ایجاد نمی‌کنند ولی در برخی مواقع



وقت نیست. هنگامی که اعتماد به طور کامل بازسازی شود، این رفتارها به طور کامل متوقف خواهند شد.

۷- رفتارهای خاص از خود نشان دهید

دکتر جیم واک‌آپ مشاور خانواده، توصیه می‌کند که رفتارهای خاص از خود نشان دهید. وقتی با هم قرار می‌گذارید و تفریح می‌کنید، این کار می‌تواند هر دو شما را خوشحال کند.

می‌توانید به سینما بروید، در پارک راه بروید یا به حیوانات غذا بدهید. در حالی که این کار را انجام می‌دهید، یکدیگر را متهم نکنید و به آنچه اتفاق افتاده فکر نکنید. این به شما کمک خواهد کرد تا خاطرات جدید و خوبی داشته باشید. برای کسانی که عاشق چیزهای خاص‌تری هستند، گزینه‌های دیگری وجود دارد: می‌توانید به سفر بروید و شهر یا کشورهای دیگر را تجربه کنید. این یک اتفاق عاطفی بزرگ است و می‌تواند یک شروع جدید برای هر دو طرف باشد.

شکست سنگین سرینا در سیلیکون ولی؛ پیروزی اندی موری در واشنگتن



اندی موری

سرینا ویلیامز قهرمان ۲۳ گراند اسلم تنیس که اخیراً بعد از مدتها دوری از مسابقات به دلیل بارداری و مادر شدن به فینال گراند اسلم ویمبلدون راه یافت، این هفته مقابل جوانا کونتا تنیس‌باز انگلیسی و نفر ۴۸ جهان سنگین‌ترین باخت دوران تنیس حرفه‌ای خود از سال ۱۹۹۵ تا کنون را تحمل کرد.

این نخستین بار بود که سرینا حتی بدون بردن یک ست در دور اول تورنمنت سیلیکون ولی آمریکا حذف شد. در این دیدار که فقط ۵۳ دقیقه طول کشید، کونتا سرینای ۳۶ ساله را ۶ بریک و ۶ بر صفر مغلوب کرد. سرینا در واقع در این مسابقه تنها یک گیم از حریف خود برد.

و اما اندی موری تنیس‌باز اسکاتلندی و نفر اول پیشین رده‌بندی مردان جهان و برنده ۳ گراند اسلم که به دلیل جراحی لگن خاصره در تورنمنت امسال ویمبلدون حضور

صعود کند. اندی موری که ۳۱ سال دارد، به دلیل غیبت طولانی در تورنمنت‌های مختلف تا رده ۸۱۶ مردان دنیا سقوط کرده است. حریف بعدی موری کایل ادmond تنیس‌باز ۲۳ ساله

۳ بر ۶، ۶ بر ۴ و ۷ بر ۵ شکست داد. این اولین موفقیت موری در یک سال گذشته بود. او در این بازی که دو ساعت و سی دقیقه طول کشید، نشان داد می‌تواند به حضور در گراند اسلم آمریکا که از ۲۷ اوت تا ۹



جوانا کونتا



سرینا ویلیامز

نداشت، در بازی‌های تنیس واشنگتن، مکنزی مک دونالد تنیس‌باز آمریکایی سپتامبر در نیویورک برگزار می‌شود امیدوار باشد و حتی چند دور نیز انگلیسی است.

فدراسیون فوتبال: کیروش همچنان سرمربی تیم ملی است



کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی ایران

فدراسیون فوتبال ایران اعلام کرده است، هیچگاه صحبتی درباره جدایی کارلوس کیروش از سمت سرمربی تیم ملی به میان نیامده و همکاری او با تیم ملی و فدراسیون همچنان ادامه خواهد داشت.

در اطلاعیه فدراسیون فوتبال تاکید شده که قرارداد کیروش به زودی امضاء می‌شود. روز نهم مرداد قرارداد سرمربی پرتغالی تیم ملی به پایان رسید و همزمان رسانه های الجزایر اعلام کردند مسئولان فدراسیون فوتبال آن کشور در تماس با کیروش به او گفته اند؛ در بالای لیست سرمربیان مورد نظر ما قرار دارید.

کیروش از تیم ملی نشده و هیچ اتفاق خاصی نیفتاده و کیروش همچنان در استخدام فدراسیون فوتبال است. گفته می‌شود مهدی تاج رئیس فدراسیون این هفته با کیروش صحبت کرده و هیچ اتفاقی به توافق رسیده‌اند. کیروش برنامه آینده خود را تحویل فدراسیون داده که مورد پسند قرار گرفته است.

تراکتورسازی تیم جدید مسعود شجاعی واشکان دژ آگه



مسعود شجاعی



اشکان دژ آگه

انگلیس بازی کرده است. مسعود شجاعی سه بار در بازی‌های جام جهانی فوتبال برای ایران بازی کرده است.

او سال گذشته همراه تیم آک یونان مقابل تیم مکابی اسرائیل بازی کرد و مورد غضب دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفت و نامش از تیم ملی ایران خط خورد و مدتی طولانی به او اجازه بازی در تیم ملی داده نشد تا آنکه با اصرار کیروش سرمربی تیم ملی و تلاش‌های وزیر ورزش و حمایت حسن روحانی رئیس جمهوری توانست همراه تیم ملی به روسیه برود و برای ایران بازی کند.

قشقایبی است. اشکان دژ آگه بازیکن ایرانی-آلمانی برای تیم زیر ۲۱ ساله‌های آلمان و باشگاه‌های هرتا برلین، پیوستند.



تراکتورسازی تبریز

دو بازیکن تیم ملی فوتبال ایران که در فصل گذشته در خارج از ایران بازی می‌کردند به تیم تراکتورسازی از لیگ برتر ایران پیوستند.

دژ آگه و شجاعی که در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه برای ایران بازی کردند به استخدام باشگاه تراکتورسازی در آمدند. صادق درودگر مدیرعامل این باشگاه چهارشنبه شب گفت: با دژ آگه و شجاعی قرارداد سه ساله امضا کردیم.

مسعود شجاعی پیش از این برای تیم‌های اوساسونا از لیگ برتر اسپانیا و آک یونان بازی کرده است. شجاعی متولد شیراز و ترک

دوچرخه‌سوار بریتانیایی قهرمان مسابقات دور فرانسه



توماس گرینت دوچرخه‌سوار انگلیسی

رکاب زدن شانه به شانه از خط پایان توماس یک دقیقه و ۵۱ ثانیه زودتر از تام دومولین به خط پایان رسید.

گرینت توماس دوچرخه‌سوار بریتانیایی قهرمان مسابقات دور فرانسه سال ۲۰۱۸ مهمترین رقابت‌های دوچرخه سواری جهان شد. وی سومین انگلیسی است که برنده این مسابقات می‌شود.

پیش از وی سر بردلی ویگینز در سال ۲۰۱۲ برنده این مسابقات شد و کریس فروم نیز چهار بار عنوان اول این رقابت‌ها را به دست آورد و در مجموع دوچرخه‌سواران انگلیسی در طول ۷ سال ۶ بار پیراهن معروف قهرمانی دور فرانسه را به تن کرده‌اند.

در آخرین دور رقابت‌ها، الکساندر کریستوف پیش از دیگران به نقطه پایان در خیابان شانزه لیزه رسید. توماس و فروم نیز پس از سه هفته

چهار رکورد دو و میدانی دختران ایران شکسته شد



با حد نصاب یک متر و ۷۵ سانتی‌متر اول شد.

در پرتاب نیزه سحر ضیایی از کهگیلویه و بویر احمد با رکورد ۴۵ متر و ۷۹ سانتی‌متر به قهرمانی رسید. در دو ۸۰۰ متر هانیه ثمری با زمان ۲ دقیقه و ۱۹ ثانیه و ۹۵ صدم ثانیه از تهران قهرمان شد.

در دو ۴۰۰ متر نسرین ناد علی از اصفهان با زمان یک دقیقه و ۴ ثانیه پیش از دیگران به خط پایان رسید. در پرتاب چکش ریحانه آرنای از تهران با رکورد ۴۸ متر و ۱۶ ثانیه چکش را بیش از حریفان خود پرتاب کرد.

در پرتاب نیزه مهسا میرزا طیبی با رکورد ۳ متر و ۷۰ سانتی‌متر قهرمان شد.

سانتی‌متر رکورد پرتاب دیسک بزرگسالان را ترقی داد. نتیجه مواد دیگر این مسابقات چنین بود:

۱۰۰ متر با مانع الناز کمپانی از فارس با زمان ۱۴ ثانیه و ۱۶ صدم ثانیه قهرمان شد. در دو ۲۰۰ متر الهام کاکلی از استان البرز با رکورد ۲۳ ثانیه و ۹۴ صدم ثانیه اول شد.

در دو ۱۰۰ متر حمیده اسماعیل نژاد از استان گلستان با زمان ۱۱ ثانیه و ۹۷ صدم ثانیه به مقام قهرمانی رسید.

در مرحله پایانی مسابقات لیگ طلایی دو و میدانی ایران در ورزشگاه آفتاب تهران، شهلا محمودی از استان قزوین در دو ۴۰۰ متر با مانع، با زمان یک دقیقه و ۱۱ صدم ثانیه رکورد این ماده را شکست. او پیش از این با زمان یک دقیقه و ۳۱ صدم ثانیه رکورد دار این ماده بود. کژال رستمی از کردستان با زمان یک دقیقه و ۵ ثانیه و ۴۲ صدم ثانیه رکورد این ماده را در رده جوانان بهبود بخشید. در دو ۱۰۰ متر، ساناز امیری پور از یزد با رکورد ۱۲ ثانیه و ۲۱ صدم ثانیه رکورد تازه‌های در رده سنی نوجوانان بر جای گذاشت. ژاله کاردان از اردبیل نیز با پرتاب دیسک به مسافت ۵۱ متر و ۳۰

درآمد ۹۵ هزار دلاری والیبالی ایران از لیگ ملتها



تیم ملی والیبالی ایران

را که نمی‌توانیم حل کنیم، آقایان هم دوست ندارند حل کنند. کسی هم نیست به دادمان برسد پس باید بگوییم خداحافظ.»

برهانی کاپیتان تیم ملی نیز مشکل عمده والیبالی بانوان ایران را لیگ این رشته دانسته و گفته: «تا زمانی که لیگ فعال و پویایی نداشته باشیم پیشرفت والیبالیان در آسیا کند خواهد بود. ارتقای جایگاه ابزار می‌خواهد. با این مسیری که در والیبالی بانوانمان طی می‌کنیم مردم نباید منتظر نتایج خیلی خوب باشند.»

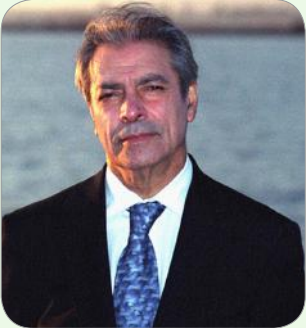
درجا می‌زند. در همین ارتباط نسرین خزان‌ی مری با سابقه والیبالی بانوان با بیان اینکه ای کاش مسئول و رئیسی داشتیم که امکانات را بطور مساوی بین مردان و زنان تقسیم می‌کرد، به ایسنا گفته است «اگر به یک مردی یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون می‌دهند می‌توانند ۴۰۰ میلیون هم برای بانوان هزینه کنند ولی این کار را انجام نمی‌دهند. برای پنج بازیکن مرد، بالای یک میلیارد هزینه می‌کنند ولی برای یک تیم کامل خانم‌ها که شامل حدود ۲۰ نفر است ۵۰۰ میلیون هم هزینه نمی‌کنند. این مشکلات

والیبالی مردان ایران رشد می‌کند و والیبالی زنان درجا می‌زند که یکی از دلایل آن توزیع ناعادلانه امکانات است.

تیم ملی والیبالی ایران مبلغ ۹۵ هزار دلار پاداش از فدراسیون جهانی برای کسب هفت پیروزی در لیگ ملتها دریافت خواهد کرد.

به گزارش ایسنا، پس از پایان رقابت‌های لیگ ملتها والیبالی ۲۰۱۸ که با قهرمانی روسیه به پایان رسید تیم‌های مختلف با توجه به جایگاه‌شان و تعداد بردهایی که داشته‌اند جوایز نقدی از فدراسیون جهانی والیبالی دریافت می‌کنند.

در این میان تیم ملی والیبالی ایران که با هدایت ایگور کولاکوویچ توانست با کسب هفت پیروزی و هشت شکست در رده دهم در میان ۱۶ تیم برتر جهان بایستد مبلغ ۹۵ هزار دلار پاداش از فدراسیون جهانی والیبالی دریافت خواهد کرد. تیم والیبالی مردان ایران در سال‌های گذشته پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته اما والیبالی زنان همچنان



داریوش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به بازنشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌ای نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۸۰)

ناشر

(کیهان لندن شماره ۱۲۶۱)

احمد احرار

وثوق‌الدوله به سفارت آلمان رفته و با مسیو زومر ملاقات کرده گفتیم در شهر شایع است که ووسترو خودکشی کرده است. البته خبر را باور نمی‌کرد. ولی بعداً گفت ووسترو بسیار عصبانی است و هیچ بعید نیست چنین اقدام تندی کرده باشد. در حال شما فردا صبح زود به سفارت بیایید به اتفاق به وزارت خارجه برویم.

روز بعد به وزارت خارجه رفتیم و آقای جلیل‌الملک شیبانی رئیس تشریفات وزارت خارجه را ملاقات کردیم. ایشان گفتند که آقای ووسترو با دسته خیابانی طرف شده و روی سر درب سفارت پشت میترالیوز بوده و تیراندازی می‌کرده است و کشته شده است. معروف است که خودش انتحار کرده است. دولت درصدد تحقیق است و آنچه مسلم است تقصیر خودش بوده است. مسیو زومر این عبارت «تقصیر خودش بوده است» را حفظ کرده و کرا می‌گفت وزارت خارجه برای رهایی از این قید که یک قنصل از نواحی مختلف کدورت حضرات

آذربایجان را «آزادی‌ستان» گذارده و ادارات را یکی بعد از دیگری قبضه کرده چون زمینه‌ی قوای دولتی هم در آن سامان کم بود موفقیت‌های زیادی پیدا کرد.

اتفاقاً در همین تاریخ، آقای کورت ووسترو قنصل دولت جدید آلمان (دولت سوسیال دموکرات) در تبریز حزبی به نام سوسیال دموکرات تشکیل داده و جمعی را دور خود گردآورده جلسات بسیار منظمی داشت. بین شیخ محمد خیابانی و قنصل آلمان کدورت و نفاق مفصلی پیش می‌آید و آقای خیابانی که خود را زمامدار انقلابی آزادیستان می‌دانست دستور داد قنصلخانه آلمان را تحت نظر گرفتند و آمد و رفت اشخاص را کنترل می‌کردند. از طرف دیگر ووسترو که جوان آلمانی بسیار عصبانی بود قنصلخانه را سنگر بندی کرده و در بالای بام سفارت شصت تیر گذارده و به اتفاق جمعیت سوسیال‌دموکراتها، خیابانی و دستگاهش را تهدید می‌کرد.

کار اینها به تیراندازی کشید و هر آن احتمال جنگ شدیدی بین طرفین می‌رفت. ما در سفارت تهران از نواحی مختلف کدورت حضرات

جنبش تبریز، مانند جنبش جنگل، ابتدا رنگ ملی داشت و به همین سبب از طرف ملیون استقبال و حمایت شد اما در مراحل بعد، تحت تأثیر تحولات قفقاز و تشکیل جمهوری‌های مستقل در آن منطقه به دنبال سقوط امپراتوری تزاری، رنگ جداسری به خود گرفت. کسروی در تاریخ هیجده ساله آذربایجان می‌نویسد: «خیابانی این می‌خواست که آذربایجان در دست او باشد که جداسرانه فرمان راند و سپس که نیرومند گردید به سر تهران رفته آنجا را هم «اصلاح» کند. این می‌بود آرزوی خیابانی، ولی چون نمی‌توانست آن را به زبان آورد به تهران می‌گفت باید آزادیستان را به رسمیت بشناسید. دولت آنگهی می‌داد که برای آذربایجان والی فرستاده خواهد شد. خیابانی پاسخ می‌داد به والی نیازی نیست، شما پول برای ما بفرستید. پیداست که این درخواستها در شور پذیرفتن نمی‌بود. اینها چیزهایی می‌بود که خیابانی بایستی با زور و نیرو به دست آورد و گرنه چشم پپوشد.»

برای رسیدن به هدف، خیابانی علاوه بر پول به اسلحه نیاز داشت.



مطبوعات، ملتیت و ما

مطبوعات جهانی است که در جهت نشر افکار و آگاهی ملت‌ها و در صدد برآمدن با حمله به کسولگری و تصرف آنجا، سلاحها را مصادره کنند. چند روزی پس از ورود عبدالمجید میرزا عین‌الدوله، والی جدید به تبریز، طرفداران خیابانی به کسولگری آلمان حمله بردند و در زد و خورد، کسول آلمان به قتل رسید. ابوالقاسم کحال زاده در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «بعد از انقلاب روسیه، در قفقاز حکومت‌های مستقلی به نام جمهوری آذربایجان، جمهوری گرجستان، جمهوری ارمنستان به وجود آمد که هر یک نماینده‌ای به ایران فرستادند و سفارتخانه باز کردند... ایجاد این ممالک کوچک مستقل، در ایران نیز هوس ایجاد جمهوریهای مستقل در سر بعضی‌ها انداخته از جمله میرزا کوچک‌خان در جنگل و شیخ محمد خیابانی در تبریز جدا شروع به اقدام در این باره کردند. شیخ محمد خیابانی نماینده سابق آذربایجان در مجلس شورای ملی بود و از وکلای بسیار ملی و با حرارت بود که هر وقت شروع به نطق و سخن می‌کرد، تمام مجلس متوجه ایشان می‌شدند. آقای خیابانی بدو روی مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و بعداً راجع به وضع اساسی حکومت مرکزی بیاناتی کرد و اهالی آذربایجان هم دلدادۀ صحبت‌های ایشان شدند و نام

خیابانی، روزنامه «تجدد» را در تبریز انتشار داد.

متعدّر به این کلام شده است که تقصیر خودش بوده است». هواداران قیام، روایت دیگری از ماجرا داشتند و آن را به صورت مقابله با یک توطئه ضد انقلابی در حمایت کسول آلمان انعکاس دادند: «مخالفین قیام در نظر داشتند به دست ووسترو و سوسیال دموکرات‌ها در داخل شهر، به کمک سردار عشاری قراچه‌داغی که ضرب دست فدائیان فرقه دموکرات آذربایجان را چشیده بود از خارج به تبریز حمله کرده قیام جوان تبریز را خفه سازند... با آنکه خیابانی چه در نطق‌های خود و چه توسط اشخاص صلاحیتدار در مقام اندرز آنان برمی‌آمد، سودی نمی‌داد و آنها در زمینه‌ی عناد و لجاج و ابراز خصومت کوشا تر شده و کار را به جایی رساندند که به اصطلاح اولاً حزبی به نام سوسیال دموکرات تشکیل داده و عناصر مخرب و هنگامه‌طلب، بخصوص توانگران و مالداران را به آن حزب دعوت می‌کردند، ثانیاً چون مقداری اسلحه و مهمات گوناگون در کسولگری آلمان موجود بود برای به دست آوردن آن در مقام اغفال کورت ووسترو برآمدند تا قورخانه مزبور را به نام دولت از او خریداری کرده و در مقام منازعه و مجادله و بالاخره جنگ با قیامی‌ها برآیند و به اصطلاح با شکستن این تخم لق، ووسترو را به طمع انداخته بودند. ثلثاً این حزب در واقع بهره‌بری ووسترو فعالیت می‌کرد».

را می‌شنیدیم و جریان را به برلن اطلاع داده ادامه توقف آقای ووسترو را در تبریز صلاح ندانسته به همین جهت به دستور دولت مرکزی آلمان گذرنامه سیاسی برای ووسترو تهیه و به تبریز فرستادیم که هر چه زودتر از راه روسیه به آلمان حرکت نماید. روز پنجشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۲۹ مطابق ۱۷ رمضان ۱۳۲۸ = ۷ ژوئن ۱۹۲۰ ساعت هشت بعد از ظهر که به منزل رفته گفتند از منزل آقای وثوق‌الدوله تلفن کرده با شما کار واجبی داشتند. من فوراً به جهانگیرخان پیشکار آقای وثوق‌الدوله تلفن کردم، اظهار داشت آقای رئیس‌الوزراء فوراً شما را حصار کرده‌اند. من همان شبانه فوراً به منزل آقای وثوق‌الدوله واقع در خیابان پاستور رفته. جهانگیرخان به محض این که ورود من را اطلاع داد آقای وثوق‌الدوله از جلسه‌ای که با چند نفر از وزرا داشت خارج و من را به اطاق دیگری برده گفتند ووسترو قنصل آلمان در تبریز کشته شده است. من از شما خواهانم که فردا اول وقت که به سفارت آلمان می‌روید بگوئید در شهر شایع است که آقای ووسترو شخصاً خودکشی کرده است. قطعاً مسیو زومر فوراً به وزارت خارجه مراجعه خواهد کرد و از جریان مطلع خواهد شد، ولی شما قبلاً به مسیو زومر نگوئید که خبر انتحار را از چه منبعی دریافت داشته‌اید.

من همان شبانه از منزل آقای

پارانش خبردار شدند که در کسولگری آلمان مقداری قابل ملاحظه اسلحه نگهداری می‌شود و در صدد برآمدن با حمله به کسولگری و تصرف آنجا، سلاحها را مصادره کنند. چند روزی پس از ورود عبدالمجید میرزا عین‌الدوله، والی جدید به تبریز، طرفداران خیابانی به کسولگری آلمان حمله بردند و در زد و خورد، کسول آلمان به قتل رسید. ابوالقاسم کحال زاده در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «بعد از انقلاب روسیه، در قفقاز حکومت‌های مستقلی به نام جمهوری آذربایجان، جمهوری گرجستان، جمهوری ارمنستان به وجود آمد که هر یک نماینده‌ای به ایران فرستادند و سفارتخانه باز کردند... ایجاد این ممالک کوچک مستقل، در ایران نیز هوس ایجاد جمهوریهای مستقل در سر بعضی‌ها انداخته از جمله میرزا کوچک‌خان در جنگل و شیخ محمد خیابانی در تبریز جدا شروع به اقدام در این باره کردند. شیخ محمد خیابانی نماینده سابق آذربایجان در مجلس شورای ملی بود و از وکلای بسیار ملی و با حرارت بود که هر وقت شروع به نطق و سخن می‌کرد، تمام مجلس متوجه ایشان می‌شدند. آقای خیابانی بدو روی مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و بعداً راجع به وضع اساسی حکومت مرکزی بیاناتی کرد و اهالی آذربایجان هم دلدادۀ صحبت‌های ایشان شدند و نام

گذشته بد مال دیگران است

کیهان لندن شماره ۱۱۵۰ - ۱۶ فروردین ماه ۱۳۸۶

پیروزی مسکو تاکید بجا بر نقش رهاننده ارتش سرخ به هیچ اشاره‌ای به بیش از چهار دهه اسارت سرزمین‌های آزاد شده مجال نداد. به اعتراض سه کشور بالتیک پاسخ دادند که آنها پس از شکست آلمان اشغال نشدند زیرا در ۱۹۳۹ به اتحاد شوروی پیوسته بودند (در معامله هیتلر و استالین نیروهای شوروی آن سه کشور را به تصرف درآورده بودند). کسی به یاد صدها هزار تنی از مردمان بالتیک نیفتاد که به دستور استالین از خانمان خود رانده شدند تا منزل به روس‌ها بپردازند. در لهستان سهم شوروی که در همان سال تقسیم شد، ۱۵ هزار افسر لهستانی را در جنگل کاتین تیرباران کردند ولی در مراسم شصتمین سال، همه سخن از آزاد کردن‌ها بود. کمونیست‌ها در هر جا باز فرصتی یافتند که در آفتاب افتخارات گذشته بدرخشند ولی میلیون تنی که از اروپای خاوری تا آسیای خاوری و جنوب شرقی قربانی نظام‌های کمونیستی شدند همچنان در فراموشی ماندند. جنایات کمونیست‌ها زیر سایه جنایات نازی‌ها افتاد.

از بکار بردن مترادفات خسته خواهیم شد و دقت در زبان را لازم خواهیم شمرد؟ شش دهه پس از پایان جنگ، نسل کنونی آلمانیان می‌تواند دست خود را از همه ماجرا بشوید و گذشته‌نگار را به فراموشی آرامبخش بسپارد. آلمانیان پس از جنگ جهانی اول به آسانی مسئولیت خود را در آغازیدن جنگ و باختن آن انکار کرده بودند و شکست خود را به توطئه یهودیان نسبت داده بودند (یهودیان آلمان در آن جنگ ۷۰۰ هزار تن در دفاع از نیاختگ تلفات دادند و اگر نبوغ سازمانده‌ی والتر راتناو یهودی و یکی از پدران «جنگ کلی» نمی‌بود آلمان نمی‌توانست چهار سال محاصره متفقین را تاب آورد). آنها می‌توانستند از مدت‌ها پیش مانند نوفاشیست‌های اروپائی و عرب‌ها و اسلامیان و اکنون، کوچک‌مرد جمهوری اسلامی، اصلاً منکر هولوکاست شوند و آن را توطئه صهیونیستی شمارند. نسل پس از جنگ آلمانی برای تسلیم شدن به هیتلر، بلکه محو شدن در او، بهانه کم نداشت: پیمان صلح انتقام جویانه و رسای که همان اندازه ظالمانه بود که کوتاه نظرانه؛ غرامات کمرشکن جنگی که اقتصاد آلمان را خرد کرد و تورمی را که هرگز ماندنی نیافته است به بار آورد (صفرهای روی اسکناس‌های آلمان جمهوری وایمار را نمی‌شد شمرد)؛ اشغال «رو» که قلب صنعتی آلمان بود و بسا دیگر. برای مردم آلمان نیز راه‌های گریز از مسئولیتی می‌شد یافت. گناه آنها نبود. اگر توطئه یهودیان نمی‌بود و متفقین چنان نمی‌کردند آلمانیان به آن خودکشی ملی که انقلاب شکوهمند اسلامی در برابرش به شمار نمی‌آید مجبور نمی‌شدند. آنها حتماً می‌توانستند مانند شعله‌های فروزان جهان سیاست و روشفکری وطنی، گزینشی عمل کنند؛ تکه‌های خویش را بگیرند و به یاد «روزهای قدسی ایثار» (که یکی از آن شعله‌های فروزان درباره انقلاب بهمین خوددین بکار برده است) و سال‌ها، هنوز شکست پیاپی در درون و بیرون، هنوز طلبکار گذشته و اکنون و آینده باشند. غوغائی که در همان اثنا بر سر کتاب‌های درسی تازه تاریخ ژاپن در چین برخاست، و فریاد اعتراض سه کشور بالتیک به مناسبت جشن پیروزی ارتش سرخ در مسکو، رویکرد دیگری را به گذشته نشان داد که ما خوب با آن آشنا هستیم: گذشته بد مال دیگران است.

روبرو شدن با گذشته دشوار ترین، مسلمان‌یکه از دشوار ترین، کاره‌است و روانشناسی ویژه‌ای می‌خواهد که کمتر دست می‌دهد. برای انسان و جامعه پویا فاصله گرفتن از گذشته، حتا بهترین گذشته‌ها نیز امری طبیعی است. زیرا انسان هر چه بخواهد و بگوید روزگار رو به دگرگونی دارد و می‌باید با آن پیشرفت کرد. ولی دشواری در همین پویائی است که در مراحل پایانی تکامل شخصیت و بلوغ اجتماعی پیش می‌آید و از دسترس بیشتر مردمان بیرون بوده است. روبرو شدن با گذشته به معنی گذشتن و آزاد شدن از آن است، به معنی دگرگونی در عواطف و رویکردهای است که انسان خود را با آنها شناسانده است. بدین معنی، کنده شدن از خویشتن است و مگر می‌توان از خویشتن کنده شد؟ واپسمانده‌ترین ذهن‌ها به چنان دگرگونی جنبه حیثیتی نیز می‌دهند؛ در شان آنها نیست.

۲۰۰۵ شصتمین سالروز پایان جنگ جهانی دوم را در اروپا در کشورهایی که از نازیسم آلمان هیتلری آزاد شده بودند جشن گرفتند. در میان آن کشورها آلمان جای مهمی داشت. مردم آلمان خود را در آن یادبود در کنار روس‌ها و فرانسویان و لهستانیان و انپهم ملت‌های دیگر اروپائی گذاشتند. پیروزی متفقین بر آلمان، ویرانی هشتاد درصد کشور، بزرگ ترین تلفات نظامی و غیر نظامی پس از شوروی، حتا بمباران‌های استراتژیک (به معنی ویران کردن سراسری شهرها که تنها برای کشتار هرچه بیشتر مردمان صورت می‌گرفت) و آخرین، نابودی صدها هزار مردم درسند در واپسین روزها که دیگر هیچ توجیهی نمی‌داشت، نه یک شکست در ابعاد «آرامگدون» توراتی، بلکه یک رهائی تاریخی به شمار رفت. از نظر روبرویی با گذشته، مردم آلمان (در این مورد آلمان غربی) ماندنی در تاریخ ندارند، همچنانکه جنایتی که مسئولیت مشترک آلمانیان است ماندنی در تاریخ ندارد. آنها هیتلر زدائی را که از همان دهه چهل آغاز شد به هر جا لازم بوده است بردند. در آلمان شرقی، گذشته فاشیستی به نیمه بیشتری که پای ارتش سرخ بدان نرسید نسبت داده شد تا آلمان یگانگی‌اش را با زیافت و آلمانی‌های شرقی نیز با مسئولیت خویش آشنا شدند. طبقه سیاسی آلمان از همان دهه چهل از یادآوری و روشنگری و پوزشخواهی گذشته خود، تا جبران مالی زخم‌هایی که جبران پذیر نیستند و پشتیبانی نامحدود از اسرائیل، هیچ فروگذار نکرده و مردم عادی نیز نشان دادند که درس‌های لازم را از تاریخ گرفته‌اند. در روزهای گشایش یادمان monument «هولوکاست» در قلب برلین، که یکی از تکان دهنده ترین نمونه‌های بیان فاجعه ای فراموش نکردنی به زبان معماری است و به ابتکار مردم برپا شده، گروهی از مردم برلین با پرچم‌های ملی آلمان در برابر یادمان تظاهر کردند. بر آن پرچم‌های کاغذین نوشته بود «آلمانی اندیشیدن، آشوبتر اندیشیدن است.» چنانکه یک روزنامه نگار امریکائی ملاحظه کرده چنین واکنشی را که هیچ اعتراضی بدان نشده است از هیچ ملتی نمی‌توان انتظار داشت. (نویسنده‌گان محترم که سال‌ها یادبود و یادواره بکار می‌برند، تا یادمان و یادمانی برای monument و memorial ساخته شدن را مترادف واژه‌های پیشین گرفتند. آیا ما هیچگاه

این گردش بیزاری آور در تاریخ نزدیک، هر ناظر ایرانی را می‌تواند به یاد میدان حقیر «سیاست‌های مخالف» بیندازد؛ به اصطلاح رایج، یوزیسیون در برابر «یوزیسیون؟» یا درست‌تر، حکومت و رژیم، اما سخن را در اینجا باید کوتاه کرد و به فرصتی دیگر گذاشت.

۳۸۵، به نقل از: موحد، ج ۱، صص ۳۸۷ - ۳۸۹

انتخابات شوم

مصدق که خیال می کرد «۷۰-۸۰» نماینده کت بسته را تحویل جبهه ملی داده «همان، ص ۲۹۲، به نقل از حسین مکی) پس از انجام انتخابات دوره هفدهم تأکید کرد که: «اطمینان کامل دارم ۸۰ نمایندگان که به مجلس می روند، نمایندگان حقیقی ملت هستند». اما بزودی این نمایندگان را «آلت دست مأمورین استعماری» نامید و لذا، با مخالفت روزافزون نمایندگان، تصمیم گرفت تا با انجام یک همه پرسی یا referendum، ضمن انحلال مجلس شورای ملی، بر مشکلات سیاسی - اجتماعی فائق آید، چرا که به نظر مصدق در این زمان: «هر جا ملت است آن جا مجلس است!».

درباره انتخابات دوره هفدهم و نتایج آن، دکتر محمد علی موحد از سر بصیرت می نویسد: «انتخابات دوره هفدهم، انتخاباتی بود که هم درماندگی مصدق را در برابر نیروهای مخالف، فاش ساخت، و هم بسیاری از سران جبهه ملی را رو در روی هم قرار داد ... شکست دکتر مصدق در انتخابات دوره هفدهم، ابر بلای بود که از آن روز که سایه سهمگین خود را بر سر او افکند، مدام باران فاجعه بر سر او ریخت. این انتخابات، مایه خفت و سرشکستگی مصدق گردید».

(همان، ص ۲۹۰، به نقل از: موحد ج ۱، ص ۳۹۹، ج ۲، ص ۸۸۶) کارل پوپر، وظیفه یک سیاستمدار صدیق را خوشبخت کردن جامعه یا تقلیل بدبختی هایش می داند و می گوید: در آنجا که سیاستمدار از تحقق این وظایف باز می ماند، با صداقت و شهامت اخلاقی باید از کار، کناره گیرد تا از سوق دادن جامعه به آشوب و انقلاب جلوگیری گردد.

در شرایطی که مصدق، سیاست «همه چیز یا هیچ چیز» را در پیش گرفته بود، شاه - توسط مکی و حسین علاء (وزیر دربار) - به مصدق پیغام داد که: «با توجه به حساسیت انگلیسی ها و بن بست مذاکرات، بهتر است که از کار، کناره گیرد و هر کس که او (مصدق) صلاح بداند (مانند حسین مکی یا دکتر اللهیار صالح) را به نخست وزیری انتخاب کند تا مذاکرات نفت از حالت التهاب و آشفتنگی خارج شود و...». اما مصدق ضمن رد این پیشنهاد، جواب داد: «حالا می خواهید برای من، نخست وزیر هم تعیین کنید؟!»

بدین ترتیب راه مذاکرات معقول و مناسب بسته شد چرا که بقول دکتر کریم سنجابی: «او (مصدق) به احدی گوش نمی داد...» و این شاید یکی دیگر از مشخصات رهبران سیاسی در «جامعه توده وار» (Société de masse) باشد که هنگامی صدای فاجعه یا تراژدی را می شنوند که دیگر، کار از کار گذشته است و اگر بپذیریم که «مظلومیت» از عناصر اساسی تراژدی بشمار می رود و اگر این «مظلومیت» را با پیشوا سازی و شیعه گرایی تاریخی مان بهم آمیزیم، آنگاه به راز تداوم «کربلای ۲۸ مرداد» در ذهن و زبان رهبران سیاسی و روشنفکران ما آگاه تر می شویم.

با اختلافات موجود بین مصدق و شاه (خصوصاً برای تصدی وزارت جنگ)، مصدق استعفا می دهد و قوام السلطنه به نخست وزیری می رسد و سپس در یک بحران سیاسی جدید، با قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، بار دیگر مصدق به حکومت باز می گردد. قیام ۳۰ تیر و بازگشت مجدد مصدق به حکومت، در واقع تیری بود بر پیکر جنبش ملی ایران، چرا که با قیام ۳۰ تیر و بازگشت مجدد مصدق به حکومت، او در هیأت یک فرمانروای مطلق العنان، ماهیت اقتدارگرا و غیر دموکراتیک خویش را آشکار ساخت، چرا که به اعتقاد او: «هیچ گونه اصلاحی ممکن نیست، مگر این که متصدی (دکتر مصدق) مطلقاً در کار خود، آزاد باشد» (همان، ص ۲۹۹، به نقل از: موحد، ج ۲، صص ۵۵۸-۵۵۹) «ادامه دارد»

دکتر محمد مصدق؛ آسیب شناسی یک شکست



بخش (۲)

* نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر محمد مصدق

* دکتر جلال متینی * ناشر: شرکت کتاب، آمریکا، ۱۳۸۴

● **مصدق - که سالها پیش، رضاشاه، تقی زاده و رزم آرا را بخاطر انعقاد قرارداد با کمپانی های نفتی به «سازش» و «خیانت» متهم کرده بود - در بيم از اتهام سازش و خیانت و آلوده شدن «وجاهت ملی» خود، با بن بست مذاکرات، می کوشید مانند یک «قهرمان مظلوم» ظاهر شود.**

● **کارل پوپر، وظیفه یک سیاستمدار صدیق را خوشبخت کردن جامعه یا تقلیل بدبختی هایش می داند و می گوید: در آنجا که سیاستمدار از تحقق این وظایف باز می ماند، با صداقت و شهامت اخلاقی باید از کار کناره گیرد تا از سوق دادن جامعه به آشوب و انقلاب جلوگیری گردد.**

=به قول دکتر محمد علی موحد: «انتخابات دوره هفدهم، انتخاباتی بود که هم درماندگی مصدق را در برابر نیروهای مخالف، فاش ساخت، و هم بسیاری از سران جبهه ملی را رو در روی هم قرار داد ... این انتخابات، ابر بلای بود که مایه خفت و سرشکستگی دکتر مصدق گردید».

(متینی، صص ۲۳۳ و ۲۵۳، به نقل از: مصطفی فاتح، صص ۵۲۹) دوستان و یاران و همکاران نزدیک دکتر مصدق (از دکتر فاطمی و بقائی و مکی تا اللهیار صالح، دکتر شایگان و مهندس بازرگان) نیز خیال می کردند که: مشتری ها در اسکله های بنادر ما «مثل دکان نانوائی» ازدحام خواهند کرد و ... در حالی که این تصور (همانگونه که رزم آرا پیش بینی کرده بود) کاملاً نادرست بود زیرا به قول حاج محمد نمازی (دوست و مشاور صدیق مصدق): «نفت را ملی

از: کی استوان، ج ۱، صص ۲۲۲-۲۲۳. حسین مکی ضمن اینکه خود، نریمان از افراد آنارشیست توصیف می کند. در کشور ما هر کس خود را رهبر می شمارد، اهداف خود را طی می کند، راه خود را می رود و بدون پشیمانی، دیگران را پایمال می سازد، به دلیل این روانشناسی فردی است که صدها حزب قطعه قطعه شده و تفرقه افکن، صحنه سیاسی ما را آشفته کرده است.» (خاطرات مجلس و دموکراسی چیست؟، صص ۴-۳، به نقل از: ابراهامیان، ص ۱۵۲).

شمشیر کشیده وزرایند ... من با ناظران غربی موافقم که ایران را ملتی از افراد آنارشیست توصیف می کند. در کشور ما هر کس خود را رهبر می شمارد، اهداف خود را طی می کند، راه خود را می رود و بدون پشیمانی، دیگران را پایمال می سازد، به دلیل این روانشناسی فردی است که صدها حزب قطعه قطعه شده و تفرقه افکن، صحنه سیاسی ما را آشفته کرده است.» (خاطرات مجلس و دموکراسی چیست؟، صص ۴-۳، به نقل از: ابراهامیان، ص ۱۵۲).

از: کی استوان، ج ۱، صص ۲۲۲-۲۲۳. حسین مکی ضمن اینکه خود، نریمان از افراد آنارشیست توصیف می کند. در کشور ما هر کس خود را رهبر می شمارد، اهداف خود را طی می کند، راه خود را می رود و بدون پشیمانی، دیگران را پایمال می سازد، به دلیل این روانشناسی فردی است که صدها حزب قطعه قطعه شده و تفرقه افکن، صحنه سیاسی ما را آشفته کرده است.» (خاطرات مجلس و دموکراسی چیست؟، صص ۴-۳، به نقل از: ابراهامیان، ص ۱۵۲).



صحنه ای از تظاهرات روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱



دکتر محمد مصدق و آیت الله کاشانی

مصدق به واشنگتن: «مصدق ناآگاهانه متمایل به شکست خویش بود و این خصوصیت روانی هنگامی به چشم می خورد که هیجانی را برای جلب حمایت از خویش بر می انگیزخت و این هیجانات، خود، موجب می شد که راه حل های عادی مشکلات، مسدود شود و فقط راه حل های افراطی در برابر او قرار گیرد. بدین طریق، آزادی او در انتخاب راه حل ها، محدود می شد.» (نشریه مهرگان، شماره ۳ و ۴، ص ۲۲۰)

پس از ماه ها جدال و شعار و عصبیت سیاسی، مصدق با بازگشت از سفر آمریکا به این واقعیت تلخ رسید که پندار او و همکارانش، همه، نادرست بوده، چنانکه چند روز بعد در مجلس اعلام کرد: «... ما نمی بایست تصور کنیم عایدات نفت داریم...، باید بگوئیم این مملکت، نفت ندارد.»

بدین ترتیب اشتباه مصدق و یاران او در محاسبه درآمدهای نفتی ایران و بن بست مذاکرات، باعث بروز عصبیت ها و کشمکش های جدیدی گردید، در چنان شرایطی، طرح ناگهانی انجام انتخابات دوره هفدهم توسط مصدق، جامعه را با بحث ها و بحران های سیاسی تازه ای روبرو ساخت در حالیکه مصدق، قبلاً گفته بود: «تا آنگاه که مسأله نفت حل نشود، با همین مجلس کار خواهد کرد و انتخابات را به تأخیر خواهد انداخت». به قول دکتر محمد علی موحد: «اوج گرفتن مخالفت ها، مصدق را به این فکر انداخت تا مخالفان دولت در مجلس، گستاخ تر نشده اند، انتخابات را عملی کند ... و مجلسی یکدست تر و قوی تر از هوادارانش تشکیل دهد» (همان، ص

کرده ایم ولی نه توانائی اداره کردن آن را داریم، نه متخصصین فنی، نه نفتکش، و در فروش آن عاجزیم و باید از شوروی یا آمریکا یا انگلیس به ناچار کمک بخواهیم ...» (همان، ص ۲۵۴، به نقل از: صفائی، صص ۲۶۵ و ۲۹۳، از: مصدق، ص ۳۶۶؛ موحد، ج ۱، ص ۴۵۶)

با این مقدمات، باید پذیرفت که در مجلس پانزدهم و شانزدهم، کسانی مانند حسین مکی، دکتر بقائی، حائری زاده، عبدالقدیر آزاد، دکتر شایگان، نریمان، دکتر فاطمی، آیت الله کاشانی به رهبری دکتر مصدق در تحقق این هدف بزرگ ملی تلاش کرده اند و حتی نطق مفصل سید حسن تقی زاده (وزیر دارائی رضاشاه) مبنی بر وجود عنف و عدم اختیار در امضای قرارداد ۱۹۳۳/۱۳۱۲ و در نتیجه: بی اعتبار دانستن «قرارداد داریسی»، بارها، مورد استناد دکتر مصدق و یارانش در محاکم بین المللی قرار گرفته بود. (۴)

.... که عشق، آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل ها!

طرح ملی شدن صنعت نفت هر چند که خواست تاریخی و طبیعی ملت ایران بود، اما استناد و مباحثات موجود نشان می دهد که عموم رهبران سیاسی ایران در این باره، فاقد دوراندیشی، آگاهی اقتصادی و عقلانیت سیاسی بودند.

دکتر مصدق روزی در پاسخ به این سؤال که: «اگر توافقی با شرکت نفت انگلیس و ایران حاصل نشد، چگونه می خواهید نفت را بفروشید؟» جواب داده بود: «احتیاج دنیا به نفت ایران به حدی زیاد است که اگر توافقی با شرکت حاصل نشد، دیگران با نهایت سهولت آن را خواهند خرید و اندکی نگرانی از این بابت در بین نیست.» (Walters) - مترجمی که

در چنین فضائی از دشمنها و دشنام ها، «قهرمان» به راحتی به «ضد قهرمان» بدل میشد و «سرباز فداکار وطن» - به راحتی - به «سرباز خطاکار وطن» سقوط میکرد، نمونه اش سرنوشت حسین مکی است که در روزی که با مصدق و در کنار مصدق بود «سرباز فداکار وطن» لقب یافت آنچنانکه شهر تهران در استقبال از او به نحوی سابقه های تعطیل گردید، اما همین مکی از روزی که از مصدق جدا گردید و به صف مخالفان پیوست به خیانت و سازش متهم گردید و... (۳) تاریخ سیاسی ایران در دوران معاصر - بازتاب خشم و هیاهوی «ذهن های توسعه نیافته» است... و دریغا که هنوز نیز دریچه ذهن و زبان بسیاری از روشنفکران و رهبران سیاسی ما بر پاشنه همان توسعه نیافتگی ذهنی و طفولیت فکری میچرخد ...

فکر ملی کردن نفت از کیست؟

بیتردید، ملی کردن صنعت نفت و استیفای حقوق تاریخی ملت ایران، یکی از بزرگترین رویدادها و دستاوردهای ملی در تاریخ معاصر ایران است. درباره میتکر این فکر، روایات مختلفی در میان است و عمدتاً فکر ملی کردن نفت را ساخته و پرداخته دکتر حسین فاطمی یا دکتر محمد مصدق می دانند در حالی که پیگیری بحث های مربوط به نفت در مجلس، نشان می دهد که سال ها پیشتر، ساعد مراغه ای سیاست «تحریم مذاکرات نفت» را آغاز کرده بود و سپس در همین زمان، غلامحسین رحیمیان (نماینده قوچان) طرح «الغای قرارداد نفت جنوب» را به مجلس پیشنهاد کرد و از مصدق نیز تقاضا نمود تا آن را امضاء کند، ولی مصدق از امضاء و تأیید این طرح قانونی، خودداری کرده بود. (متینی، صص ۱۵۸-۱۵۹، به نقل

در چنین فضائی از دشمنها و دشنام ها، «قهرمان» به راحتی به «ضد قهرمان» بدل میشد و «سرباز فداکار وطن» - به راحتی - به «سرباز خطاکار وطن» سقوط میکرد، نمونه اش سرنوشت حسین مکی است که در روزی که با مصدق و در کنار مصدق بود «سرباز فداکار وطن» لقب یافت آنچنانکه شهر تهران در استقبال از او به نحوی سابقه های تعطیل گردید، اما همین مکی از روزی که از مصدق جدا گردید و به صف مخالفان پیوست به خیانت و سازش متهم گردید و... (۳) تاریخ سیاسی ایران در دوران معاصر - بازتاب خشم و هیاهوی «ذهن های توسعه نیافته» است... و دریغا که هنوز نیز دریچه ذهن و زبان بسیاری از روشنفکران و رهبران سیاسی ما بر پاشنه همان توسعه نیافتگی ذهنی و طفولیت فکری میچرخد ...

چهار روز بعد، سپهبد حاجعلی رزم آرا، نه به دست دکتر مصدق، بلکه بدست فدائیان اسلام کشته شد و شگفتا که قتل رزم آرا با تأیید و جشن و پایکوبی عموم رهبران جبهه ملی (و از جمله مصدق) همراه بود و بدین ترتیب جامعه سیاسی ایران از آشوبی به آشوبی دیگر و از عصبیتی به عصبیتی دیگر پرتاب گردید.

بررسی روزنامه ها، نطق ها و مباحثات سیاسی این دوران، گوشه دیگری از عصبیت های تاریخیمان را آشکار میکند: انتقالات های متغیر، مواضع سیال و تغییر آسان سیاست ها و مواضع احزاب و نمایندگان مجلس و نیز جنجال های روزمره احزاب و روزنامه ها، تأیید کننده سخن ناظران و دیپلمات های غربی در این دوران است که «مباحثات سیاسی در ایران، چیزی جز خشم و هیاهوی ذهن های توسعه نیافته نیست!» (ابراهامیان، ص ۱۸۰)

دکتر رضا زاده شفق - از رهبران حزب ایران طرفدار مصدق - نیز تأکید می کند: «نمایندگان ما - بخصوص در مجلس چهاردهم و پانزدهم که من در آنها حضور داشتم - چنان رفتار می کردند که گوئی دشمنان

۳- برای آگاهی از ارج و اعتبار حسین مکی در دیده و دیدگاه دکتر مصدق، نگاه کنید به نامه های دکتر مصدق به حسین مکی: متینی، صص ۱۸۵-۱۸۶.
۴- برای نطق مفصل سید حسن تقی زاده در مجلس، نگاه کنید به: متینی، صص ۱۸۷-۱۹۵

آیا ترامپ با روحانی ملاقات خواهد کرد؟



را به عنوان میانجی و با معافیت از تحریم‌ها به کشور دیگری خواهد داد تا در مرحله بعد از اعمال تحریم‌ها نیز گذرگاهی یا روزنه‌ای برای تنفس ایران باشد.

طی روزهای گذشته گزارش‌هایی از پادرمیانی برخی کشورهای کوچک و کم‌حجم منطقه برای ایفای نقش جهت تنظیم تحریم‌ها علیه ایران شنیده شد. تعیین این نقش قبل از آغاز اجرای تحریم‌ها علیه تهران در حال تدارک است. پیام‌های معنی‌داری که دونالد ترامپ در روزهای گذشته به رژیم ایران فرستاد، نشان می‌دهد که امکان پذیرش توافقی از سوی رژیم ایران وجود دارد اما در این توافق سیاستمداران عراقی هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند. وابستگی مقامات بغداد به تهران باعث شده که دولت عراق فاقد هر گونه وزنه‌ای در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای باشد. ایالات متحده هیچ اعتمادی نسبت به مقامات حاکم بر بغداد ندارد. از سوی دیگر جمهوری اسلامی نیز علاقمند نیست که عراق در معادلات منطقه‌ای نقشی ایفا کند بلکه خواهان تبعیت کامل و بی چون و چرای بغداد از تهران است.

البته از سیاستمداران کنونی عراق که به دنبال سرمایه‌گذاری‌های شخصی خود در خارج از کشور هستند، نمی‌توان انتظار داشت که از خود بپرسند چرا رهبران رژیم ایران قاطعانه از دادن هرگونه نقش واسطه به بغداد به عنوان میانجی میان تهران و واشنگتن یا تهران و کشورهای عربی منافع می‌کنند و چرا این نقش به کشورهای کوچکی مانند سلطان‌نشین عمان در منطقه داده می‌شود!

البته پاسخ این پرسش خیلی دشوار نیست و اگر مانند برخی شیفتگان و سینه‌چاکان جمهوری اسلامی دچار توهم و ذوق‌زدگی «قدرت رژیم ایران» نشویم جوابی آسان است. پاسخ به توانایی عراقی‌ها برای تصمیم‌گیری درباره امور داخلی‌شان برمی‌گردد. اگر عراقی‌ها نتوانستند یک روند ملی بر اساس یک دولت میهن‌دوست و مبتنی بر یک استراتژی متناسب در روابط خارجی با هدف حفظ منافع ملی و همکاری با کشورهای همسایه و جهان در پیش بگیرند و از پند و اندرز و نصایح «حاج آقا فلائی» یا «سردار پاسدار فلائی» یک بار برای همیشه دوری کنند، آنگاه عراق می‌تواند نقش خود را متناسب با تاریخ درخشان در منطقه ایفا کند.

اگر تصمیم‌گیری دولت عراق داخلی انجام شود و بغداد از تأثیرات منفی تهران خارج گردد، این کشور برای تمام منطقه خاورمیانه به فرصتی برای حل و فصل بحران‌ها تبدیل خواهد شد. عراق از سال ۲۰۰۳ به این سو از حق طبیعی خود که با داده‌های جغرافیایی، تاریخی و پیشینه عمیق تمدن آن مطابقت دارد، محروم گشته است. اگر این کشور به جایگاه و حق قدرتی شورای امنیت صادر شده بود. آنچه بسیار عجیب و غریب به نظر می‌رسد این است که رهبران عراق با اینکه توافقیانه‌های استراتژیک بلندمدت با واشنگتن امضا کرده‌اند اما نتوانسته‌اند هیچ تأثیری بر آمریکایی‌ها بگذارند تا آنها را از اعمال تحریم علیه ایران معاف کند! ایالات متحده آمریکا احتمالاً نقش سیاسی و اقتصادی

اما در میان این نزاع‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آنچه از دیدگاه عراقی‌ها که میان واشنگتن و تهران قرار گرفته‌اند، بسیار مهم است ماهیت موضع‌گیری مقامات بغداد در مقابل بحران‌های منطقه‌ای و ناتوانی آنها در اتخاذ یک استراتژی مشخص برای مراحل پس از بحران‌های نامنتظره است.

برخی منابع مطلع از گفتگوهای «سری» میان مقامات آمریکایی با رهبران سیاسی عراق در بغداد در رابطه با تحریم‌هایی خبر می‌دهند که قرار است علیه ایران اعمال شود. طبق این گزارش‌های سری مقامات بغداد از آمریکا خواسته‌اند تا بغداد را از تحریم علیه ایران معاف کنند آنها علاوه خواستار اعطای نقشی شبیه نقش اردن در زمان تحریم اقتصادی عراق در دهه ۱۹۹۰ از سوی آمریکا شده‌اند. اردن در آن زمان تنها در پیچه‌ی تنفس عراق بود که محاصره شده بود و کمک‌های انسانی مانند دارو و غیره از اردن وارد عراق می‌شد.

البته این یک درخواست منطقی به نظر می‌رسد که با شرایط داخلی عراق نیز مطابقت دارد. مهمترین عامل رویکرد دولت بغداد به این درخواست، بحران این کشور در رابطه با برق و عدم توانایی بغداد در پرداخت هزینه برق وارداتی از ایران است که هیچ راهکاری برای اعمال روش‌های تحریم مالی علیه ایران به عراق ارائه نداده است. از سوی دیگر تهران اصرار دارد که بغداد را به جایگاهی برای مقابله مالی با آمریکا تبدیل کرده و از این کشور به عنوان جایگزین تحریم‌ها استفاده کند، به ویژه آنکه عراق به بازار عمده‌ای برای صادرات ایران تبدیل شده است. البته الگوی روابط اقتصادی میان بغداد و تهران همواره به نفع تهران بوده است. آمریکایی‌ها می‌دانند که چنین شرایطی نمی‌تواند با تصمیم ناگهانی تغییر کند چرا که اقتصاد عراق به اندازه کافی پویایی و انعطاف تحمل این تغییرات ناگهانی را ندارد.

اما با این همه، ایالات متحده علاقمند به دادن چنین نقشی به عراق نیست چرا که عراق به اندازه کافی از حمایت‌های بین‌المللی که پادشاهی اردن هاشمی در دوره تحریم‌های بین‌المللی عراق در دهه ۹۰ قرن گذشته داشت، برخوردار نیست که ایالات متحده بتواند بر اساس آن حمایت‌ها که جنبه اعتباری و حیثیتی دارند، استراتژی جامعی را برای در نظر گرفتن نقش مهمی برای بغداد اتخاذ کند. نزدیکی مقامات عراق به ایران آنها را فاقد اعتبار منطقه‌ای و بین‌المللی کرده است البته تحریم‌های آینده ایران با تحریم‌های عراق دهه ۹۰ فرق دارد، قطعنامه‌های تحریم عراق در دهه ۹۰ تحت بند «فصل هفتم» و با اراده جامعه جهانی و تفاهم و انسجام بین‌المللی و با توافق پنج قدرت شورای امنیت صادر شده بود. آنچه بسیار عجیب و غریب به نظر می‌رسد این است که رهبران عراق با اینکه توافقیانه‌های استراتژیک بلندمدت با واشنگتن امضا کرده‌اند اما نتوانسته‌اند هیچ تأثیری بر آمریکایی‌ها بگذارند تا آنها را از اعمال تحریم علیه ایران معاف کند! ایالات متحده آمریکا احتمالاً نقش سیاسی و اقتصادی

گفته می‌شود مقامات عراق که نمی‌توانند هزینه برق وارداتی از ایران را بپردازند از آمریکا خواسته‌اند آنها را از تحریم‌های ایران معاف کند تا این کشور بتواند نقش میانجی را نیز بازی کند.

اما ایالات متحده علاقه‌ای به دادن چنین نقشی به عراق ندارد زیرا این کشور به اندازه کافی از حمایت‌های بین‌المللی برخوردار نیست.

جمهوری اسلامی نیز علاقمند نیست که عراق در معادلات منطقه‌ای نقشی ایفا کند بلکه خواهان تبعیت کامل و بی چون و چرای بغداد از تهران است.

ایالات متحده آمریکا احتمالاً نقش سیاسی و اقتصادی را به عنوان میانجی و با معافیت از تحریم‌ها به کشور خواهد داد که در مرحله بعد از اعمال تحریم‌ها نیز گذرگاهی یا روزنه‌ای برای تنفس ایران باشد.

پیام‌های معنی‌داری که دونالد ترامپ در روزهای گذشته به رژیم ایران فرستاد، نشان می‌دهد که امکان پذیرش توافقی از سوی رژیم ایران وجود دارد.

در سیاست که می‌گویند هنر ممکن‌هاست، چنین ملاقات غیرمنتظره‌ای میان ترامپ و روحانی شاید روزی انجام بگیرد. بعید نیست روزی جمهوری اسلامی ایران از شعار دشمنی با «استکبار جهانی» عقب‌نشینی کند و دو رئیس‌جمهوری آمریکا و ایران یکدیگر را ملاقات کنند و سپس هر کدام دستاوردهای این ملاقات را به رخ دیگر رقبا داخلی‌اش بکشد. ترامپ دستاورد تسلیم شدن جمهوری اسلامی در مقابل تهدیدهایش را به رخ مخالفان خود از دمکرات‌ها تا برخی جمهوریخواهان خواهد کشید مانند کاری که پس از دیدار با رهبر کره شمالی انجام داد و روحانی نیز برای جوانانی که به خیابان‌ها ریخته‌اند و بر سیاست خارجی و جنگ‌های پر هزینه ایران در خارج از مرزهایش اعتراض کرده‌اند، پاسخی خواهد داشت که به آنها بگوید، شما خواستار پایان یافتن این اقدامات بودید اکنون به یمن توافق با آمریکا خاتمه یافته است!

در عالم سیاست که همه چیز ممکن است خیلی عجیب نیست که چنین تحولاتی در شرایطی جدید رخ دهد. اما آنچه مهمتر از این رویدادهاست این است که همه بازیگران در صحنه بین‌المللی و منطقه‌ای برای دفاع از منافع کشورهای خود یا در جهت خدمت به منافع ملی خود است که تلاش می‌کنند و به چنین بازی‌های سیاسی دست می‌زنند. چرا بجای عمان، عراق نمی‌تواند میانجی آمریکا و ایران باشد

آمریکا؛ کمک به تشدید جنبش اعتراضی در ایران



تظاهرات مردم در شهرک شاهپور اصفهان

پیش گرفته و گامی به سوی نزدیکی بردارد. تا به حال که چنین به نظر نمی‌رسد. حسن روحانی که زیر فشار شدید داخلی و نظارت رهبر انقلاب علی خامنه‌ای قرار دارد، بجای چنین کاری تهدید به بستن راه انتقال نفت در خلیج فارس کرد.

ترامپ برای مواضع خود از دستگیری وزیر خارجه آمریکا مایک پمپئو برخوردار است که از سال‌ها پیش برای برخورد قاطع‌تر با رژیم ایران تبلیغ می‌کند. او آخر هفته گذشته در یک سخنرانی رهبری ایران را به مافیا تشبیه کرد و از روحانی و وزیرخارجه او محمدجواد ظریف به عنوان «مردان فربنده‌ی جلوی صحنه برای ترندهای بین‌المللی» نام برد.

پمپئو در سخنرانی خود بر پشتیبانی آمریکا از تظاهرکنندگان در ایران تأکید ورزید. اما حتی بسیاری از مخالفان در جمهوری اسلامی با این سیاست برخوردی انتقادی دارند. آنها در هشتگ «در ایران مداخله نکنید» خواستار خویشتنداری واشنگتن هستند. آنها می‌ترسند که پشتیبانی آشکار دولت آمریکا جنبش اعتراضی ایران را با خطر بزرگتری روبرو کند.

البته یادآوری می‌شود که نویسندگان اشپیکل ظاهراً از منابع یک‌طرفه‌ای استفاده کرده‌اند زیرا در حالی که هشتگ «در ایران مداخله نکنید» مربوط به لایبرگان جمهوری اسلامی را دیده‌اند اما هشتگ‌های دیگر مانند «چالش دعوت به تظاهرات» و «اعتراضات سراسری» و «دیگه توموه ماجرا» و «ایرانمان را پس می‌گیریم» و ده‌ها مورد دیگر را که به ترند نیز تبدیل شدند و همچنین ده‌ها کانال تلگرامی کارگران و بازنشستگان و مالباختگان و کامیونداران و بازاریان را که در آنها به سازماندهی اعتراضات خود می‌پردازند، ندیده‌اند!

به هر روی، نویسندگان اشپیکل ادامه می‌دهند که پمپئو روی مداخله بیشتری در آینده حساب می‌کند. وزیر خارجه آمریکا در سخنرانی خود در کالیفرنیا و در جمع ایرانی-آمریکاییان از ایجاد و گسترش یک شبکه تلویزیونی و رادیویی فارسی‌زبان خبر داد که به صورت ۲۴ ساعته روی اینترنت قابل دسترسی خواهد بود. هدف روشن است: تشدید اعتراضات در ایران. سال آینده میلادی چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی فرا می‌رسد. به نوشته‌ی نویسندگان اشپیکل آنلاین، آمریکا مایل نیست که این مناسبت جشن گرفته شود.

سیاست تحریم از دید واشنگتن نخستین نشانه‌های موفقیت خود را آشکار کرده است. رژیم برای کاستن از فشار اعتراضی‌ها علیه وضعیت اقتصادی فاجعه‌بار هفته گذشته، رئیس کل بانک مرکزی را تغییر داد و یک عضو هیئت مدیره سازمان برنامه را مسئول بودجه معرفی کرد.

منبع: مجله آلمانی اشپیکل
***نویسندگان: دومینیک پیترز و کریستف سیدو**
***ترجمه و تنظیم از جواد طالعی**
***تیمتر و توضیحات درون گزارش از کیهان لندن است.**

می‌برند. در طول ماه ژوئیه در برخی از استان‌ها حرارت هوا به بالای ۴۰ درجه رسید. در نتیجه میلیون‌ها انسان اکنون تنها دسترسی محدودی به آب دارند و قطع برق هر روز تکرار می‌شود.

کمبود آب در کنار تغییرات جوی نتیجه برنامه‌ریزی‌های غلط در واکنش به انزوای بین‌المللی ایران نیز هست. دولت می‌کوشد نیاز گندم کشور را با تولید داخلی پوشش دهد و مثل مصر وابسته به واردات نشود. کشت گندم، در ایران نیز به آبیاری زیاد نیاز دارد. همین امر باعث می‌شود که ذخایر رو به پایان نهند.

به ویژه جنوب و جنوب غربی کشور با کمبود شدید آب روبرو است. در مناطق کنار مرز عراق، مردم هفته‌هاست از گرمای شدید و کمبود آب رنج می‌برند و علیه دولت مرکزی دست به تظاهرات اعتراضی می‌زنند.

«خشم مردم بر حق است»

از پایان سال ۲۰۱۷ میلادی کمتر هفته‌ای در ایران بدون اعتراضات و تظاهرات سپری شده است. مسئله تنها بر سر فساد و کمبود آب نیست، مردم از مزاحمت‌های گشت ارشاد، سقوط ریتال که ارزش آن ظرف کمتر از یک سال نصف شده است و تورم وابسته به آن که به ویژه تهیدستان و لایه‌های زیرین طبقه متوسط را تحت فشار قرار می‌دهد، خشمگین هستند.

بسیاری از تظاهرکنندگان در ایران فساد را دلیل اصلی کمبود آب می‌دانند. آنها شکایت می‌کنند که به عنوان مثال در استان بوشهر زمینداران بزرگ جریان آب را به سمت زمین‌های خود تغییر می‌دهند و از این طریق سهم کمتری برای شهروندان عادی باقی می‌ماند.

محمدباقر سعادت نماینده منطقه در مجلس مشکل را توضیح می‌دهد. او در مصاحبه با خبرگزاری کار ایران (ایلنا) گفته است: «خشم مردم برحق است. آنها همچنین حق دارند به مسئولان فحش بدهند.» اما او معترف است که قادر به تغییر وضعیت نیست. استاندار از خاموش کردن پمپ‌های آب زمینداران خودداری می‌کند.

اما بحران اقتصادی تنها نتیجه سوء مدیریت رژیم نیست. فسخ یکجانبه توافق اتمی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ بر مشکل ایران افزوده است. از آن زمان، شرکت‌های از معامله با ایران و سرمایه‌گذاری در این کشور خودداری می‌ورزند. تهران استدلال می‌کند که با وجود همه مشکلات، بیکاری جوانان حدود ۳۰ درصد کمتر از اسپانیا و ایتالیا به عنوان کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. اما این برای افرادی که از بیکاری رنج می‌برند دلناری سخیفی بیش نیست.

هدف آمریکا تشدید ناراضی‌هاست

دولت آمریکا روی ناراضیان حساب می‌کند. دونالد ترامپ این روزها با همان لحن تهاجمی ایران را تهدید می‌کند که تا چندماه پیش کره شمالی را تهدید می‌کرد. او ظاهراً امیدوار است که حکومت تهران روندی شبیه کیم جونگ اون در

از پایان سال ۲۰۱۷ میلادی کمتر هفته‌ای در ایران بدون اعتراضات و تظاهرات سپری شده است. مسئله تنها بر سر فساد و کمبود آب نیست، مردم از مزاحمت‌های گشت ارشاد، سقوط ریتال که ارزش آن ظرف کمتر از یک سال نصف شده است و تورم وابسته به آن که به ویژه تهیدستان و لایه‌های زیرین طبقه متوسط را تحت فشار قرار می‌دهد، خشمگین هستند.

وسایط هفته‌نامه آلمانی اشپیکل روز ۲۹ ژوئیه به اوج گرفتن درگیری‌های لفظی میان سران ایران و آمریکا، کمبود شدید آب، قطع برق، سقوط ارزش پول ملی، تورم شدید و سایر زمینه‌های رشد ناراضی‌ها در ایران پرداخته است. از دید نویسندگان این گزارش، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در برابر حکومت ایران همان سیاستی را در پیش گرفته که باعث عقب‌نشینی رهبر کره شمالی شد.

مایک پمپئو وزیرخارجه آمریکا خبر تاسیس یک فرستنده تلویزیونی و رادیویی ۲۴ ساعته فارسی‌زبان را اعلام کرده است که گفته می‌شود همین «صدای آمریکا»ی کنونی است که قرار است ۲۴ ساعته شود. هدف آمریکا آنگونه که اعلام کرده، کمک به مردم و جنبش اعتراضی در ایران است، اما بسیاری از مخالفان رژیم معتقدند مداخله آمریکا می‌تواند این جنبش را با خطر بزرگتری روبرو کند.

این مقاله اشپیکل پیش از تازه‌ترین اظهارات دونالد ترامپ منتشر شده که برای گفتگو بدون پیش‌شرط با جمهوری اسلامی اعلام آمادگی کرده و در مقابل با شرط روحانی روبرو شده که آمریکا اول باید به برجام باز گردد تا بعد گفتگو کنیم! البته مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا بلافاصله توضیح داد که منظور ترامپ از گفتگوی بدون پیش‌شرط چه بوده است. این در حالیست که از دید برخی ناظران ایرانی، رهبری جمهوری اسلامی ممکن است برای حفظ موقعیت خود، هم‌اکنون نیز به دنبال مذاکرات مخفیانه باشد و در خفا به خواست‌های آمریکا تمکین کند که در این صورت نیز آن نظامی که امروز هست نمی‌تواند بماند.

اشپیکل آنلاین با اشاره به موضوع خشکسالی و کم‌آبی در ایران می‌نویسد، غلامرضا جلالی مردی قوی‌هیکل که اغلب جامه استتار جنگی به تن دارد، مسئول دفاع غیرنظامی ایران است. او در آغاز ماه ژوئن از موقعیت خود برای حمله به اسرائیل به عنوان «دشمن بزرگ» استفاده کرد.

جلالی دولت اسرائیل و کشورهای دیگری در منطقه را که نام نبرد، منتهم کرد که روی جلوگیری از بارش ابرها بر فرار کشور کار می‌کنند. هدف او توجیه خشکسالی پایدار در جمهوری اسلامی است.

این اتهام زدن پیچیده به این دلیل است که ایرانی‌ها ماه‌هاست که از کمبود شدید آب و گرمای هوا رنج

پولشویی در سینمای جمهوری اسلامی: برای سینما آب ندارد برای «سوپراستار»ها نان دارد!



محمد رضا گلزار و مهراون مدیری در فیلم «ما همه با هم هستیم»

سینمای ایران، فیلم‌هایی وجود دارد که دستمزدهای میلیاردی به بازیگرانش پرداخت کرده ولی در گیشه سینماها، حتی یک سوم دستمزد این بازیگران فروش نکرده است. اگرچه، دستمزد بازیگران و عوامل سینما، علنی اعلام نمی‌شود ولی سال گذشته گمانه‌زنی‌های برخی رسانه‌های داخلی این بود که محمد رضا گلزار ۴۰۰ میلیون، هدیه تهرانی و اکبر عبدی ۳۰۰ میلیون، بهرام رادان و مهناز افشار ۲۵۰ میلیون تومان دستمزد می‌گرفتند. پروژه سینمایی «ما همه با هم هستیم» تازه‌ترین ساخته کمال تبریزی به تهیه‌کنندگی رضا میرکریمی از جمله آثاری است که استفاده از «سوپراستار»هایی چون محمد رضا گلزار و مهراون مدیری و حضور حداقل ۲۴ بازیگر دیگر چون لیلا حاتمی و ویشکا آسایش، در آن

سینمای ایران، فیلم‌هایی وجود دارد که دستمزدهای میلیاردی به بازیگرانش پرداخت کرده ولی در گیشه سینماها، حتی یک سوم دستمزد این بازیگران فروش نکرده است. اگرچه، دستمزد بازیگران و عوامل سینما، علنی اعلام نمی‌شود ولی سال گذشته گمانه‌زنی‌های برخی رسانه‌های داخلی این بود که محمد رضا گلزار ۴۰۰ میلیون، هدیه تهرانی و اکبر عبدی ۳۰۰ میلیون، بهرام رادان و مهناز افشار ۲۵۰ میلیون تومان دستمزد می‌گرفتند. پروژه سینمایی «ما همه با هم هستیم» تازه‌ترین ساخته کمال تبریزی به تهیه‌کنندگی رضا میرکریمی از جمله آثاری است که استفاده از «سوپراستار»هایی چون محمد رضا گلزار و مهراون مدیری و حضور حداقل ۲۴ بازیگر دیگر چون لیلا حاتمی و ویشکا آسایش، در آن

● شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما قصد دارد با اخلاصگران اقتصادی سینما و آنهایی که دستمزدهای هنگفت به بازیگران می‌دهند، برخورد کند.

● دستمزد بازیگران سینما هیچوقت علنی اعلام نمی‌شود.

● پروژه‌های پرخرجی در سینما تولید می‌شوند که در اکران و نمایش، حتی دستمزد عواملش بر نمی‌گردد!

شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما در پی بالا رفتن دستمزد «سوپراستار»های سینمای جمهوری اسلامی که آن را روشی برای پولشویی برخی دانسته، اعتراض کرده است. قرار است این دستمزدها در شورای تهیه‌کنندگان مورد بررسی قرار بگیرد.

این روزها گسترده شدن سلبیتهایی بازی و سوپرستار سازی با افزایش بی‌حساب و کتاب دستمزد بازیگران سینما و تلویزیون تحیف جمهوری اسلامی، بالای جان تهیه‌کنندگانی شده که کمتر دستشان به رانت و روابط مافیایی می‌رسد و اسپانسرهای مولتی‌میلیارد ندارند.

این تهیه‌کنندگان می‌گویند دستمزد بالای بازیگران، نه تنها به



آن که اختلاس فقط یکی از آنها بود، تا آخرین قسمت تولید کرد و آب از آب هم تکان نخورد. ولی محمد مهدی امامی همچنان در پروژه‌های جدیدتری چون فیلم «خوک» (مانی حقیقی)، «تابو» (خسرو معصومی) و «خوب‌بد، جلف» (پیمان قاسمخانی) سرمایه‌گذاری کرد. از آقازاده‌ها، علی حضرتی پسر الیاس حضرتی، در ۴ فیلم سینمایی «نیمرخ‌ها»، «خداحافظی طولانی»، «آخرین بار کی سحر را دیدی» و «یک فناری یک کلاغ» سرمایه‌گذاری کرد. همچنین، حمیدرضا عارف پسر محمد رضا عارف فیلم «فصل نرگس» و عباس نادران پسر الیاس نادران در ساخت سریال «شاهگوش» سرمایه‌گذاری کردند. در چنین شرایطی، برای این رانت‌خواران، آقازاده‌ها، اختلاسگران و کلاهبرداران، سود و زیان پروژه سینمایی یا تلویزیونی، دستمزد بازیگران و عوامل، کوچکترین اهمیتی ندارد. آنها بدون در نظر گرفتن بن‌مایه‌های اقتصاد سینما، و همچنین بی‌بهره از فرهنگ و هنر، چون ریگ بیابان پول خرج می‌کنند و «هنرمندان» نیز دستمزدهای نجومی خود را دریافت می‌کنند و اگرچه برخی از آنان در توییت و دیگر شبکه‌های اجتماعی «تست‌های «مردمی»» زنج می‌گیرند، اما از شرایطی که رنج‌های این مردم زاینده‌ی آن است، تغذیه می‌کنند. این افراد که در جامعه به «هنرمندان» معروف شده‌اند، خوب زندگی خویش را پیش می‌برند و هر وقت هم اوضاع به هم ریخت، اینها احتمالا نخستین کسانی هستند که با پشتوانه‌های پس‌انداز شده در خارج کشور مانند خانواده‌های مقامات لشکری و کشوری، با باقی گذاشتن سرزمینی سوخته، فرار خواهند کرد.

سوال برانگیز شده. اینکه چطور رضا میرکریمی توانسته، دستمزد حداقل ۲۶ بازیگر گران‌قیمت را پرداخت کند، احتمال استفاده از پول‌های کثیف در این پروژه را زیاد کرده است. گو اینکه یکی از کانال‌های سینمایی ادعا کرده که بودجه این فیلم ۲۰ میلیارد تومان بوده! اگر بیشتر خود بابک زنجانی با کارگردانان سینما وارد مذاکره می‌شد و نام وی به عنوان سرمایه‌گذار در تیتراژ می‌آمد، حالا سرمایه‌گذاران پول را به دست تهیه‌کننده می‌دهند و قرار هم نیست، این مناسبات را در بوق و کرنا کنند! همین روند موضوع را بیشتر مشکوک می‌کند. بابک زنجانی یکی از اولین نمونه‌های سرمایه‌گذاران مشکوک به پولشویی در عرصه سینما بود که رقم‌های بالایی که در سینما سرمایه‌گذاری کرده بود، اهالی سینما را شوکه کرد. او مبلغ یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۱ در تولید فیلم سینمایی «هیچ‌کجا، هیچ‌کس» سرمایه‌گذاری کرد، آن هم فیلمی که سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران ۱۰ درصد شریک آن بود. وی «نقش نگار» و «سیزده» را نیز در سینما تولید کرد ولی برایش سود مالی به همراه نداشت. این نقطه شروع واریز پول‌های هنگفت ولی ناسالم به سینمای ایران بود. حالا سینما و شبکه نمایش خانگی پر شده از آدم‌هایی که قد و قواره‌شان هیچ مناسبت و رابطه‌ای با فرهنگ و هنر ندارد ولی برای پولشویی سراغ ساخت سریال شبکه خانگی و فیلم سینمایی می‌روند! حتی گفته شده که این افراد برای داشتن رزومه‌ی هنری، با هنرمندان عکس می‌گیرند و در وجه آنها چک صادر می‌کنند! سریال «شهرزاد» در سه فصل ساخته‌ی حسن فتحی نیز یکی از همین پروژه‌ها بود که محمد مهدی

اقتصاد سینما ضرر وارد کرده، بلکه باعث شده که آقای سینمای ایران، دیگر تهیه‌کنندگان نباشند، بلکه بازیگران باشند!

حالا که در بازیگری، بحث بازی قدرت نیز پیش آمده، غلامرضا موسوی عضو هیات رئیسه شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما گفته که شرایط اقتصادی «تعادل و کیان سینما» را به خطر انداخته. طبق گفته غلامرضا موسوی، اخباری در این باره به شورای عالی سینما رسیده و آنها هم تصمیم گرفته‌اند «تا با اخلاص‌کنندگان روابط حرفه‌ای و بخصوص کسانی که با پرداخت دستمزدهای غیرمتعارف به اقتصاد سینما و در نتیجه بقای آن لطمه وارد می‌سازند، برخورد جدی صنفی» کنند.

شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما در این رابطه کمیته انضباطی تشکیل داده و قرار شده تا به تهیه‌کنندگان سینما اطلاع داده شود که «مسائل اقتصادی را مورد نظر قرار داده، رفتاری نکنند که به خاطر تولید یک فیلم، اقتصاد سینمای ایران مورد حمله قرار گرفته و بی‌نظمی اقتصادی بر تولید فیلم سینمایی حاکم شود».

غلامرضا موسوی تهیه‌کننده قدیمی سینما از رفتارهای خلاف عرف اقتصادی در سینمای امروز ایران سخن به میان آورده که در تولید برخی سریال‌های شبکه نمایش خانگی صورت می‌گیرد. موسوی می‌گوید که «این سریال‌های شبکه خانگی چنان بی‌محابا عمل می‌کنند که شائبه پول بی‌مسئولیت و پول کثیف و در مواردی محدود پولشویی پیش می‌آید». انطور که غلامرضا موسوی می‌گوید: «این پرداختی‌ها نه بر اساس عرف، نه بر اساس منطق و نه بر اساس زمان و شهرت بازیگران است». این روزها در فهرست تولیدات

گفتگو با یک آموزگار معترض: نظام به دنبال تربیت افرادی کم‌سواد، بی‌انگیزه و افسرده است تا خودش به راحتی حکومت کند

مانند بسیاری از اقشار دیگر با مشکلات معیشتی شدید روبرو کرده است. خانم حسینی درباره بحران معیشتی آموزگاران به کیهان لندن می‌گوید: «ما باور داریم مساله معیشت معلم و کیفیت آموزشی یک رابطه تنگاتنگ و دوسویه دارند؛ معلمان اکثرا دو شغله هستند و این خودش به خاطر سطح درآمد پایین است و با روندی که وجود دارد انگیزه شغلی پایین خواهد آمد و فرسودگی و دزدگی شغلی از پیامدهای این سیاست‌هاست که روی آموزش نیز تاثیر منفی دارد.» درست یک سال پیش بود که محمد بطحائی وزیر آموزش و پرورش دولت دوازدهم در نخستین روز کاری خود سه قول به مردم و آموزگاران داد و گفت: «نخست اینکه از همین امروز تحول در نظام آموزش و پرورش را بر اساس سند تحول بنیادین با جدیت آغاز می‌کنم. دوم اینکه برای تربیت نسلی متدین، اخلاقی، کارآفرین و با نشاط همه تلاش خود را به کار می‌گیرم. سوم اینکه به عنوان نماینده یک میلیون و ۷۰۰ هزار معلم شاغل و بازنشسته فریخته در هیئت دولت، همه همت و تلاش خود را برای ارتقای معیشت و منزلت آنها به کار می‌گیرم.» اکنون با گذشت یک سال و در حالی که کار به استخوان آموزگاران رسیده است وزیر آموزش و پرورش که هیچکدام از وعده‌هایش عملی نشده است می‌گوید: «در پنجاه سال گذشته، «آموزش و پرورش» مرتباً سیر نزولی داشته است!»

● وزارت آموزش و پرورش نه تنها حقوق آموزگاران را متناسب با مصوبات لایحه بودجه افزایش نداده بلکه حق عائلهمندی آموزگاران مجرد و بند سختی کار را از فیش حقوقی آنها حذف کرده است. ● «حاکمیت می خواهد به خاطر مشکلات پیش رو از جمله لغو برجام و شکل‌گیری دور تازه تحریم‌ها، از جیب معلمان و درآمد آنان سیاست‌های ریاضتی را پیش ببرد.» ● «وضع آموزش بحرانی و فاجعه‌بار است و این همان به دنبال آن است: دانش آموزان کم سواد، بی‌انگیزه و افسرده. اینان همان‌هایی هستند که حکومت می‌تواند بر آنها حکمرانی کند.»

روشنک آسترکی - آموزگاران در سال‌ها و به ویژه ماه‌های گذشته از جمله گروه‌های معترض اجتماعی بوده‌اند که اعتراضات صنفی و مسالمت‌آمیز خود را گسترش داده‌اند. آموزگاران به غیر از برگزاری تجمع‌های اعتراضی برای جلب توجه



این گفته بطحائی شیوهی رایج دولتمردان روحانی است که مشکلات را به دوش دولت‌های پیشین بیندازند. در حالی که در ۲۰ سال گذشته بطحائی همواره در آموزش و پرورش پست‌های کلیدی داشته و قاعدتاً بطور مستقیم در این سیر نزولی نقش داشته است! خانم حسینی درباره مشکلات آموزش و پرورش به کیهان لندن می‌گوید: «مشکلات معیشتی تمام ماجرا نیست چون دولت به شدت در حال عقب‌نشینی از مسئولیت‌های اجتماعی خود است و به کیفیت آموزشی بهمان‌ها نپرداخته و این اوصاف وضع آموزش را باید بحرانی و فاجعه‌بار خواند. که این دقیقاً همان دستاوردیست که حکومت به دنبال آن است: دانش آموزان کم‌سواد، بی‌انگیزه و افسرده. اینان همان‌هایی هستند که حکومت می‌تواند بر آنها حکمرانی کند.» ۲۰ نماینده مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۹ مردادماه طرح استیضاح محمد بطحائی وزیر آموزش و پرورش را به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی داده و گفته‌اند «عدم اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «عدم پرداخت مطالبات فرهنگیان و بی‌توجهی به مشکلات رفاهی آنان»، «عدم توجه به معلمان حق‌التدریس و کارکنانی در مسیر قانونی کردن بکارگیری آنها»، «جعل تاریخ در کتاب‌های درسی»، «فساد اخلاقی در مدارس به علت سوءمدیریت» و «عدم توجه و عدم توان برنامه ارائه شده به مجلس» از دلایل استیضاح محمد بطحائی است.

قابل توجهی را تشکیل می‌دهد. خانم حسینی درباره کسر بند سختی کار از فیش‌های حقوقی آموزگاران به کیهان لندن می‌گوید: «توجیه مسئولان برای حذف سختی کار این است که اصلاً این بند غیرقانونی بوده و نباید اضافه می‌شد اما دلیل اصلی این است که حاکمیت می‌خواهد به خاطر مشکلات پیش رو از جمله لغو برجام و شکل‌گیری دور تازه تحریم‌ها، از جیب معلمان و درآمد آنان سیاست‌های ریاضتی را پیش ببرد؛ آن هم به دلیل بی‌شمار بودن تعداد معلمان! فکر کنید که با کسر ماهیانه مبلغی از این تعداد چه رقم قابل توجهی در جیب دولت می‌رود.» اما این اقدامات همه‌ی آن چیزی نیست که دولت علیه آموزگاران انجام داده است. در شرایطی که آموزگاران مصوبه دولت برای افزایش ۲۰ درصدی حقوق در سال ۹۷ را عادلانه و متناسب با هزینه‌های معیشت نمی‌دانند، از ابتدای سال ۹۷ تا کنون همین افزایش نیز انجام نشده و تنها ۶ تا ۱۰ درصد به حقوق برخی آموزگاران اضافه شده است. جالب اینکه دولت پس از عدم افزایش حقوق کارمندان از جمله آموزگاران در فروردین‌ماه و بروز اعتراضاتی در این باره با ادعای اینکه انشای بودجه به نحوی بوده که برداشت متفاوت است برای خود زمان خرید و دوباره این بخش از لایحه به مجلس شورای اسلامی رفت. پس از بررسی تصویب دوباره در مجلس شورای اسلامی دولت مکلف شد این افزایش حقوق را انجام دهد. ابتدای خردادماه نیز حسن روحانی ناچار شد افزایش پلکانی حقوق کارمندان را به سازمان برنامه و بودجه ابلاغ کند. با این وجود آموزگاران همچنان در انتظار افزایش حقوق خود هستند. این در حالیست که عدم افزایش حقوق در کنار افزایش چند ده درصدی قیمت کالاها و خدمات در ایران آموزگاران را

مسئولان به تازگی و از هفته گذشته کارزاری با عنوان «نه به فیش حقوقی» راه انداخته و فیش‌های حقوقی خود را پاره می‌کنند و یا آتش می‌زنند و تصاویر و ویدئوهای این اعتراض را در شبکه‌های اجتماعی و کانال تلگرامی که به منظور اطلاع‌رسانی درباره این کمپین راه‌اندازی شده منتشر می‌کنند. این اقدام همچنین در تجمع اعتراضی روز گذشته آموزگاران در اهواز انجام شد و برخی از آنها فیش‌های حقوقی خود را پاره و عده‌ای نیز فیش‌های حقوقی‌شان را آتش زدند. آموزگاران مدت‌هاست حقوق و مزایای دریافتی خود را ناعادلانه می‌دانند و خواستار افزایش دستمزد و دریافت مزایای بیشتر هستند. خانم حسینی یکی از آموزگاران ساکن شهر تهران در گفتگو با کیهان لندن درباره این اقدام اعتراضی می‌گوید: «این چالش با هدف جلب توجه عمومی جامعه به تبعیض علیه معلمان است و در سطحی می‌خواهد اعتراض خود را به این حقوق ناعادلانه به شکلی جدید اعلام کند و حساسیت صنفی را در سطح نیروی آموزشی بالا ببرد و نیز اتحاد و انسجام فرهنگیان را که از تعداد بسیار بالایی در سطح کشور برخوردارند محک بزند.» آموزگاران همچنین در ۲۰ اردیبهشت‌ماه و همزمان با روز معلم در ایران یکی از بزرگترین تجمع‌های اعتراضی صنفی در ماه‌های گذشته را برگزار کردند. جمعی که با حمله‌ور شدن نیروهای لباس‌شخصی و امنیتی به آموزگاران همراه شد. آموزگاران می‌بایست از جایگاه و احترام ویژه‌ای برخوردار باشند در این تجمع مورد ضرب و جرح قرار گرفتند و تعدادی از آنها بازداشت شدند. اما شکستن حرمت آموزگاران تنها با بازداشت و ضرب و جرح و بی‌احترامی به آنها خاتمه نیافت و آنها را با دستبند و پایبند به زندان اوین منتقل کردند. محمد حبیبی عضو هیئت مدیره

ارز دولتی تولیدکنندگان را سرگردان کرده است

است: «برای تحویل محصول به بیمارستان متعهد هستیم ۲۰ روز است که برای واردات کالای مورد نیاز ثبت سفارش کرده‌ام اما هنوز نتیجه نگرفته‌ایم. در داخل کشور این دیزل‌ها تولید نمی‌شوند و در صورت عدم ارائه ارز برای گردش کارخانه مجبور به تعطیلی واحد تولیدی خود با ۷۰ کارگر هستیم.» راشدی که در بخش ملزومات چاپ و مرکب کار می‌کند با بیان اینکه یکسری از مواد مورد نیاز ما در گروه اول و برخی در گروه دوم قرار گرفته است، گفته است: «۲ ماه است منتظر تخصیص ارز در سامانه نیما هستیم یک سری هم که جدیداً ثبت سفارش کردیم منتظر دریافت کد ۱۴ رقمی است که نمی‌دهند.»

اما برخی از کسانی که به دنبال ارز دولتی برای واردات هستند پیمانکارانی هستند که متعهد به تأمین مواد اولیه و تجهیزات هستند و در صورت تأمین نشدن ارز دولتی نمی‌توانند تعهداتشان را انجام دهند و با جریمه و زیان روبرو می‌شوند.

یک تولیدکننده اصفهانی با اشاره به اینکه در بخش مبدل‌های حرارتی فولاد کار می‌کند، گفته است: «۲ ثبت سفارش برای مبدل‌های حرارتی انجام داده‌ایم حتی تیغه‌های برش برای خط

پرداخته است. این گزارش نشان می‌دهد تصمیم ناپخته و یک‌شبه تیم اقتصادی دولت برای تک‌نرخ کردن ارز چه بحرانی را در بخش تولید ایران ایجاد کرده است. اصرابی یکی از تولیدکنندگان معادن زغال سنگ که مدام از سرگردانی خود گلایه می‌کند، به خبرنگار تسنیم گفته «کارگران من در عمق ۵۰۰ متری زمین مشغول فعالیت هستند، معادن زغال سنگ گاز متان داشته قابل انفجار هستند. ما نمی‌توانیم معادن خود را تعطیل و یا چند هفته کار نکنیم.»

تولیدکننده دیگری با اعلام اینکه برای تهیه مواد اولیه برق و الکترونیک برای کارخانه خود درخواست ارز داده است، گفت: نزدیک به ۱۵ روز برای تهیه ارز سرگردانم اگر مواد اولیه را به کارخانه نرسانم مجبور به تعطیل کردن واحد تولیدی خود هستیم. یکی دیگر از تولیدکنندگان سرگردان با گفتن اینکه «من اصلاً ارز دولتی نمی‌خواهم»، افزوده است: «حتی از سیستم بانکی هم تأییدیه گرفته‌ام تا بلرینگ‌های خود را که داخل گمرک مانده است با ارز آزاد ترخیص کنم اما وزارت صنعت برای دادن یک مجوز چندین روز مرا معطل کرده است.» نوریانی تولیدکننده دیگری که در بخش دیزل ژنراتورها کار می‌کند به خبرنگار تسنیم گفته

● **تصمیم ناپخته و یک‌شبه تیم اقتصادی دولت برای تک‌نرخ کردن ارز بحرانی بزرگ را در بخش تولید ایران ایجاد کرده است.**
● **تولیدکنندگان هر روز برای دریافت ارز دولتی مراجعه می‌کنند اما واردکنندگان «خودی» مبالغ هنگفتی ارز دولتی را از طریق رانت و رابطه برای واردات کالاهایی غیرضروری دریافت می‌کنند و میلیاردها تومان سود به جیب می‌زنند.**

تولیدکنندگان برای تأمین ارز دولتی جهت خرید مواد اولیه با مشکلات زیادی روبرو هستند و عدم توانایی آنها برای تأمین مواد اولیه با ارز آزاد موجب شده بسیاری از آنها واحدهای خود را به حالت نیمه‌تعطیل و تعطیل درآورند. خبرگزاری تسنیم در گزارشی میدانی به وضعیت تولیدکنندگانی که هر روز در مقابل ساختمان وزارت صنعت در خیابان کلانتری تهران صف می‌بندند تا شاید موفق به دریافت ارز دولتی شوند

بزرگترین بدهکاران اداره آب و فاضلاب: نیروهای مسلح و صدا و سیمای جمهوری اسلامی!



بیشترین آگاهی را از وضعیت بحران آب و برق دارد، یکی از آنهاست! شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان حفاظت محیط زیست، اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران، بنیاد انقلاب اسلامی، ساختمان وزارت اقتصاد و سازمان امور مالیاتی کشور از سازمان‌های پرمصرف برق بودند که وزارت نیرو اقدام به قطع برق آنها کرده است. همچنین ساختمان مرکزی بانک‌های صنعت و معدن، سینا، سرمایه، بانک شهر، ساختمان مرکزی بیمه پاسارگاد و بیمه دی نیز پرمصرف‌ترین‌ها بودند. از دیگر مسئولان حوزه انرژی کشور که در لیست پرمصرف‌ها قرار گرفته‌اند شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران هستند.

نکته قابل توجه اینجاست که صدا و سیمای جمهوری اسلامی که مثلاً وظیفه تصحیح الگوهای مصرفی شهروندان را به عهده دارد، خود از واحدهای پرمصرف است! رسول باقری درباره اینکه چرا آیفایم نیروهای مسلح شکایت نمی‌کند تا این مبلغ هنگفت را بازپس بگیرد، گفته که بر اساس قانون شرکت‌ها و سازمان‌ها نمی‌توانند بدهی‌هایشان را از نیروهای مسلح بطور مستقیم مثل سازمان‌های دیگر مطالبه کنند. آنگونه که ایرنا نوشته قیمت هر مترمکعب آب در تهران ۱۲۰۰ تومان تمام می‌شود ولی برای مصرف‌کنندگان ۶۰۰ تومان حساب می‌شود. آب و فاضلاب تهران در تلاش برای بالا بردن نرخ آب است ولی با موانعی چون مخالفت هیات دولت روبروست.

وزیر نیرو امروز اعلام کرده که تعرفه‌های آب و برق را به زودی تغییر خواهد داد و با مصرف‌کنندگان پرمصرف برخورد خواهد شد. پیش از این نیز، فهرست نهادهای پرمصرف در زمینه برق منتشر شد و برق شش وزارتخانه هفته گذشته قطع شد. در این میان، اسامی نهادهای پرمصرف برق دیدنی است؛ مثلاً سازمان حفاظت محیط زیست که

● **نیروهای مسلح باید ۲۰ درصد مصرف خود را کاهش دهد.**

● **دو نهاد به اصطلاح الگو: صدا و سیمای جمهوری اسلامی در آب پرمصرف است و سازمان حفاظت محیط زیست در برق!**

رسول باقری معاون امور مشترکین آیفایم گوید نیروهای مسلح بزرگترین بدهکار آبفاست و پس از آن صدا و سیمای جمهوری اسلامی. نیروهای مسلح ۲۰۰ میلیارد تومان به آیفایم بدهکار است.

رسول باقری معاون امور مشترکین آیفایم تهران به ایرنا گفته که نیروهای مسلح بزرگترین بدهکار شرکت آب و فاضلاب هستند و ۲۰۰ میلیارد تومان بدهی به آنها دارند.

نیروهای مسلح به مجموع نیروهای ارتش، سپاه پاسداران و نیروی انتظامی گفته می‌شود.

علی لدنی‌نژاد مدیرعامل آب و فاضلاب شهری کهرگیلو و بویراحمد امروز پنجشنبه ۱۱ مردادماه گفته که «بر اساس مصوبه هیئت وزیران دستگاه‌های اداری و نیروهای مسلح باید آب شرب خود را تا ۲۰ درصد کاهش دهند.»

او گفته که ۳۳۰ شهر در ایران دچار تنش آبی هستند.

رسول باقری معاون امور مشترکین آیفایم تهران همچنین گفته که بدهی‌های نیروهای مسلح روی هم انباشته شده است.

او گفته که صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز به آیفایم بدهکار است ولی چون با آنها تفاهم‌نامه امضا کرده‌اند و برایشان تیزر تلویزیونی پخش می‌کنند، این بدهکاری مرتفع می‌شود.

ورود آلات موسیقی به پارک ... از صفحه ۵

آنگونه که ایسنا نوشته، پیشتر حمل ساز در هواپیماها و مصالحی تهران نیز ممنوع بوده و شمار ممنوعیت موسیقی از آنتن صدا و سیمای جمهوری اسلامی به چند استان مانند خراسان رضوی و اصفهان و حتی کوه رسیده بود و حالا به فضاهای عمومی پایتخت رسیده است. با این حال، نوازندگان و شهروندان علاقمند به موسیقی، در گوشه و کنار شهر به اجرای موسیقی می‌پردازند و ویدئوهای خود را در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌کنند. کم نبوده مواردی که بر برخورد سلیقه‌ای با نوازندگان، هنرمندان و سازهایشان خاطرات پاک‌نشده‌ای از اذهان عمومی ثبت کرده است؛ برای مثال در شهریورماه سال ۱۳۹۳ به گروه حسین علیزاده که برای اجرای کنسرت عازم شیراز بود، اجازه داده نشد به همراه سازهایشان سوار هواپیما شوند. این اتفاق در حالی رخ داد که طبق معاهده ورشو کادر پرواز با هماهنگی تیم امنیت اجازه دارند فقط از ورود هر

چیزی که بار خطرناک به حساب می‌آید جلوگیری کنند. در این مورد حرفی از ساز زده نشده و تصمیم‌گیری در این رابطه نیز در اختیار کادر پرواز است. از سال ۱۳۸۹ برخی از منابع خبری از نصب تابلوهایی از سوی شهرداری مبنی بر ممنوعیت ورود ساز در کنار سنگ و قلیان به داخل بوستان‌ها و فضاهای سبز گزارش داده‌اند. این تابلوها همچنان در پارک‌ها وجود دارد اما نکته قابل توجه اینکه در بسیاری از جشن‌های مناسبتی که در پارک‌ها برگزار می‌شود، این دستور نادیده گرفته شده و از هنرمندان دعوت می‌شود تا در پارک‌ها موسیقی اجرا کنند. در بیست و ششمین نمایشگاه صنایع دستی که خرداد ماه ۱۳۹۵ در مصالحی تهران برگزار شد نیز اجازه ورود به هنرمندان سازنده سازهای سنتی و همچنین گروه‌های موسیقی اقوام در کنار چادرهای عشایری داده نشد. به این ترتیب بخش مهمی از صنایع دستی از این رویداد مهم فرهنگی حذف شد.

وحدت گرگ‌ها، تقسیم غنائم و ... از صفحه ۷

در هر سه راهبرد فوق نه تنها اثری از توجه به مشکلات یادشده و تغییرات اساسی و لازم برای حل آنها به چشم نمی‌خورد بلکه همه در جهت تشدید وضعیت موجود است. اگر اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان به القابی که بر خود نهاده‌اند واقف می‌بودند باید خواهان تغییرات بنیادی می‌شدند، تغییراتی مثل پایان بخشیدن به مداخلات خارجی نظام (ده تا پانزده میلیارد دلار صرفه‌جویی سالانه)، توزیع همه‌ی درآمدهای نفت و گاز و پتروشیمی و واگذاری اداره آنها بر اساس هیئت مدیره‌ی منتخب به شهروندان و اداره کشور بر اساس مالیات (اگر واقعا می‌خواهند تحریم نفتی را منتفی کنند راهش این است) و حذف ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار رانت مستقیم مقامات، پایان دادن به سانسور

کشور). همینجاست که اصلاح‌طلبان و تحول‌ناخواهی اصلاح‌طلبان و اعتدالیون آشکار می‌شود. دعوی آنها بر سر میزان برشی است که از یک منبع به خودشان می‌رسد. در شرایط دشواری اقتصادی استمرارطلبان نمی‌توانند همانند جنتی و علم‌الهدی مردم را به روش‌های معمول حکومت در این شرایط یعنی ریاضت‌کشی و صبر دعوت کنند چون می‌دانند مردم کوچک و بازار پایگاه اجتماعی آنها نیستند. آنها بهتر از همه می‌دانند که انتخابات در جمهوری اسلامی ایران یک نمایش کم‌دی است که دلکها اجرا می‌کنند. ریاضت توصیه‌ی روحانیون است که می‌خواهند خود را به عنوان ریاضت‌کش به مردم بفروشند. همچنین پس از چهل سال، دیگر نمی‌توان افراد را به انتظارکشی برای اتوبیا و مدینه‌ی فاضله‌ی آخوندی (عدل آخرالزمانی هپروتی) دعوت کرد.

ذوق زدگی مستعجل استمارطلبان ... از صفحه ۷

محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه در نامه‌ای باز از کیسه‌ی «ملت ایران» خراج کرده و خطاب به ترامپ نوشت «شما این آرزو را به گور خواهید برد که مقامات جمهوری اسلامی ایران از شما درخواست ملاقات کنند یا اجازه ملاقات با شما را از ملت‌شان دریافت نمایند.» او در این نامه تأکید کرد، ایران کره شمالی نیست که به درخواست ملاقات شما پاسخ مثبت بدهد. زمامداران لشکری و کشوری جمهوری اسلامی اصلاً به روی خود نمی‌آورند که مردم ماه‌هاست شعار می‌دهند: دشمن ما همینجاست، بیخود میگن آمریکاست! فرمانده سپاه ظاهراً فراموش کرده است که ظریف و کری برای رسیدن به برجام بدون مشورت با ملت از علی خامنه‌ای اجازه داشتند مذاکره کنند. شاید نامه محمدعلی جعفری فرمانده سپاه پاسخی روشن به اصلاح‌طلبان و استمارطلبانی باشد که برای مذاکره با «ترامپ» به شدت ذوق‌زده شدند. اگرچه این بدان معنی نیست که رهبری جمهوری اسلامی به دنبال معاملات پنهان از چشم «ملت ایران» نباشد! در حال حاضر اما این سخنان جعفری شوت محکمی به آن تویی بود که ترامپ به زمین جمهوری اسلامی انداخت ولی به جای آنکه در زمین آمریکا فرود بیاید معلوم نیست از کدام ناکجاآباد سر در خواهد آورد.

ذوق زدگی مستعجل استمارطلبان ... از صفحه ۷

کمال خرازی رییس شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی که خودش حدود سه ماه پیش در اواخر اردیبهشت در یک کافه رستوران در پاریس با جان کری وزیر خارجه پیشین آمریکا ملاقات کرده بود تا در مورد خروج ترامپ از برجام از دم‌وکرات‌ها کمک بخواهد گفته «به نظر می‌رسد آقای ترامپ عاشق ملاقات برای ملاقات است و چندان به نتایج ملاقات‌های خود و سخنان متناقض خویش نمی‌اندیشد.» خرازی تأکید کرده «ما با توجه به تجربه تلخی که از مذاکره با آمریکا و نقض مکرر تعهدات دولتمردان آن کشور داشته‌ایم، طبیعی است که ارزشی برای پیشنهاد وی قائل نباشیم. ترامپ باید قبل از هر چیز، خروج آمریکا از برجام را جبران کند و نشان دهد که برای تعهدات اسلاف خود و قوانین بین‌المللی احترام قائل است.» از موضع‌گیری مقام‌های جمهوری اسلامی اینطور مشخص است که نه تحلیل واحدی از دلایل ترامپ در طرح این پیشنهاد و بلافاصله بعد از آن اظهار نیش‌های پمپو و گارت مارکیس و تکرار شروط گذشته را دارند و نه به جمع‌بندی مشترک رسیده‌اند که باید چه واکنشی به آن نشان دهند. آنچه مسلم است، تصمیم نهایی را علی خامنه‌ای خواهد گرفت. سه شنبه شب نهم مردادماه

روحانی برای پاسخگویی به پرسش‌های ... از صفحه ۴

بودند و موفق شدند تا تعداد امضاها را از ۱۳۰ امضا به کمتر از ۷۳ امضا برسانند. علی مطهری نایب رییس مجلس ۲۷ تیرماه سال گذشته به توفیق افتادن ارجاع سوال به کمیسیون مربوطه را تخلف دانسته و گفته بود: «هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی قصد داشت با برگزاری جلسه‌ای بین نمایندگان رئیس‌جمهور و چند تن از سوال‌کنندگان تفاهم و توافقی ایجاد کند که این کار به سرانجام نرسید.» اکنون حسن روحانی در حالی باید طی یک ماه آینده در مجلس شورای اسلامی حضور یابد و پاسخگوی پرسش‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی باشد که او گفتگوی ویژه خبری خود در روز سه‌شنبه دوم مرداد را لغو کرد. روزنامه آفتاب یزد درباره علت لغو برنامه ویژه خبری روحانی نوشت «تصمیم روحانی برای لغو این گفتگوی تلویزیونی در لحظات آخر گرفته شده و حسام‌الدین آشنا مشاور فرهنگی دولت حسن روحانی از مخالفان اصلی این گفتگوی تلویزیونی بوده است. آشنا به روحانی گفته تنها باید زمانی در این شرایط با مردم رو در رو سخن بگوید که اطلاعات و داده‌هایش کامل بوده و برای انتقادات و حل مشکلات پیش روی دولت راه حلی ارائه دهد.» حال باید دید آیا در این مدت حسن روحانی توانسته اطلاعات و داده‌های لازم برای حضور در مجلس شورای اسلامی و پاسخگویی به نمایندگان را جمع‌آوری کند یا نه!

مثلث شوم جنگ‌طلبی: سپاه و ... از صفحه ۱۸

بخشی از هواداران خود را با هراس از سوری‌های شدن ایران در دایره تحریف و ناتوان اصلاح‌طلبی و نظام نگهدار. این جریان شامل همان افرادیست که در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ در رقابت حسن روحانی و ابراهیم ریسی پمپاژی می‌کردند که اگر ریسی یا قالیباف رییس جمهور شوند جنگ حتمی است! «جنگ» چه روی دهد و چه روی ندهد، آب و نان این جریان از آن است! روی کار آوردن دولت نظامی برای مقابله با تهدید نظامی آمریکا (آن هم در شرایطی که خبری از تهدید نظامی نیست) دست‌پخت افرادی مثال هوشنگ امیراحمدی و حسین موسویان و سعید حجازیان و کارگزارانی‌هاست. این سیاست نه فقط از سوی جناح اصلاح‌طلب بلکه با چراغ سبز علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دنبال می‌شود. کلید بستن تنگه هرمز را حسن روحانی در سفر اتریش زد و از قاسم

مثلث شوم جنگ‌طلبی: سپاه و ... از صفحه ۱۸

اما خبرگزاری دولتی روسیه که گویا بدچور چشم به حمله آمریکا به ایران دوخته است با کنستانتین بلوخین یک تحلیلگر سیاسی مصاحبه کرده و از زبان او گفته آمریکا برای تغییر رژیم جمهوری اسلامی به دنبال حمله نظامی به ایران است! جنگ‌طلبی روس‌وفیل‌ها و دو جناح حکومتی بدون آنکه دولتمردان ترامپ از گزینه نظامی حرف زده باشند آب گل‌آلودی درست کرده تا تور پهن بازوهای لندن‌نشین جمهوری اسلامی شامل ملی- مذهبی‌ها و جریان نهضت آزادی و برخی چپ‌ها و چریک‌های انقلابی دیروز و اصلاح‌طلبان امروز و همچنین نایب‌ک‌ها که همگی پای ثابت رسانه‌های فارسی‌زبان دولت‌های خارجی هستند از آن حساسی ماهی بگیرند. همان‌هایی که اگر مدین در شیپور جنگ هیچ سودی برایشان نداشته باشد این منفعت را داشته که



نابودی و جنگ کشانده است، حتی حاضر است در برابر مردم اسلحه به دست بگیرد. زیباکلام اصلاح طلب به صراحت می گوید که اصولگرایان را به مخالفان دمکرات جمهوری اسلامی که خواهان سرنوشتی و سقوط و فروپاشی و برکناری و انحلال و براندازی و تغییر رژیم اسلامی حاکم بر ایران با یک نظام مبتنی بر دموکراسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند، ترجیح می دهد!

تغییر سیاست های دولت حسن روحانی و اصلاح طلبان در مورد جنگ و میل خاموش این جماعت به شعله ور شدن آتش یک درگیری نظامی آنجا آشکار می شود که وقتی قاسم سلیمانی ترامپ را تهدید می کند که «من و سپاه قدس حریف تو هستیم» و یا وقتی محسن رضایی تهدید به گروگانگیری سربازان آمریکا با هدف باج خواهی و زورگیری می کند و یا وقتی حسین شریعتمداری دوباره از حمله موشکی به دوی و ریاض و ابوظبی می گوید نه تنها منافع ملی را در خطر نمی بینند بلکه برای خوش خدمتی تصویر بزرگ قاسم سلیمانی را در روزنامه های خود منتشر می کنند و دوباره تکرار می کنند که سلیمانی و ظریف دو بال سیاست های جمهوری اسلامی هستند، البته درست هم می گویند!

جنگ طلبی از لندن تا مسکو
گروه سوم لشکر جنگ طلب ها بازوهای بیرونی جمهوری اسلامی هستند که یک دست در مسکو دارند و دست های دیگرشان در انگلیس و آمریکا با روش های پیدا و پنهان بر طبل جنگ می کوبند. معرفی قاسم سلیمانی، قاتل زنان و کودکان سوری، به عنوان «سردار عارف» خروجی یکی از برنامه های بی بی سی فارسی است. لندن نشین هایی که برای زندگی بهتر از جمهوری اسلامی مورد دفاعشان فرار کرده و ساکن کشورهای غربی شده اند البته حاضر نیستند در رقاب قاسم سلیمان جان بدهند اما در جانفشانی لفظی و تبلیغاتی برایش رکاب می زنند.

در پنجم مرداد ۱۳۹۷ (۲۷ ژوئیه) ای بی سی نیوز استرالیا در گزارشی به نقل از مقام های دولتی استرالیا مدعی شد که ارتش آمریکا برای شناسایی اهداف مورد نظر در خاک ایران از جمله نیروگاه های اتمی از استرالیا کمک می گیرد و احتمال دارد ماه آینده یک حمله نظامی اتفاق بیفتد.

ساعاتی پس از انتشار این گزارش مالکوم تورنبال نخست وزیر استرالیا این خبر را تکذیب کرد و به روزنامه گاردین گفت هیچ دلیل وجود ندارد که باور کنیم ایران قصد بمباران تاسیسات اتمی ایران را دارد. تورنبال گفته «امروز خبری دیدم که با استناد به منابع بی نام که دولت چنین ادعایی را مطرح کرد ولی فقط گمانه زنی است و در آن به منابع گمنام استناد شده است.»

نخست وزیر استرالیا با بیان اینکه ترامپ تظلماتش برای ایران را به تمام دنیا اعلام کرده گفت که ای بی سی برای انتشار این گزارش با او، وزیر خارجه، وزیر دفاع و رییس ستاد مشترک استرالیا مشورت نکرده است. دو روز بعد هوگان گیدلی سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد آمریکا هیچ برنامه ای برای حمله به تاسیسات هسته ای ایران ندارد اما در یک اقدام «غیرحرفه ای» خبرگزاری اسپوتنیک روسیه در انتشار خبر این موضع رسمی سخنگوی کاخ سفید تیتز بوداری به کار برد: «کاخ سفید به سوال حمله آمریکا به ایران پاسخ نداد» و پرسید «آیا آمریکا در ماه اوت به تاسیسات هسته ای ایران حمله خواهد کرد؟» در متن خبر هیچ اشاره ای نشده که گیدلی کجا به این پرسش پاسخ نداده است!

مثالث شوم جنگ طلبی:

سپاه و اوباش منطقه ای، دولت و بخشی از اصلاح طلبان، روسوفیل ها!



روی جلد روزنامه سازندگی ارگان حزب کارگزاران که اولین بار سلیمانی را «سردار ایران» دانست و لزوم اتحاد سپاه و دولت را تئوریزه کرد. «ظریف و سلیمانی دو بال پرواز سیاست خارجی» دست پخت آنهاست. اینان وارثان همان ملغمه ای ارتجاع سرخ و سپاه هستند که «خط امام» را تئوریزه کرده و جنایتکاری مانند خلخالی کاندیدای ریاست جمهوری بشان بود!

با میداناری مصطفی تاجزاده از سوی این طیف به راه افتاد تا ترمز براندازان باشد. این محفل تا آنجا که پای منافع جناحی در میان باشد از سپاه لولو می سازد، سرداران را متهم به مهندسی انتخابات می کند و اگر منفعتشان در چیز دیگری باشد، درست راهی برخلاف تبلیغات قبلی را در پیش گرفته و در مقابل هر جنایت سپاه و امنیتی ها سکوت می کند و یا حتی از آنها قهرمان می سازد. چنانکه از دی ماه ۱۳۹۶ افراد این جریان نه تنها چشم به روی سرکوب تظاهرات و اعتراضات بسته و لام تا کام حرفی نمی زنند بلکه مردم را «غتشاشگر» و «بی ریشه» نامیده و دستگاه سرکوب را تشویق به تار و مار آنها می کنند.

جنگ طلبان خجالتی

این جماعت وقتی حسن روحانی خطاب به ترامپ اخطار می دهد «بادم شیر بازی نکن»، آن هم در حالی که آمریکایی ها حرفی از جنگ و برخورد نظامی نمی زنند، سکوت می کنند. یا وقتی قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس با زشت ترین زبان و بیان دونالد ترامپ را خطاب قرار داده و نظامیان آمریکایی را تهدید به کشتن می کند، خود را به خواب زده و فراموش می کند این همان «سردار ملی» و «سردار عارف» است که چنین لجن پراکنی می کند!

در واقع استعمارطلبان در مورد جنگ و گزینه نظامی یک معیار دوگانه دارند. هر وقت به سودشان باشد «جنگ هراسی» راه می اندازند و هر وقت به سودشان نباشد، خودشان کوبیدن بر طبل جنگ را منفعت ملی می نامند! در نهایت نیز چون هویت و سرشت و سرنوشت آنها با اصولگرایان و سپاه مشترک است، هر وقت اوضاع برای نظام خطرناک شود، هر دو جریان به یکدیگر نزدیک شده و تمام قد در برابر مردم و جامعه و برای حفظ نظام جمهوری اسلامی می ایستند. یک نمونه صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی است که براندازی نظامی را که از صبح تا شب بر طبل جنگ می کوبید مصداق سوریه ای شدن و آغاز جنگ قلمداد می کند! وی برای ماندن یک نظام جنایتکار که کشور را به آستانه ای

برگزاری جلسه) بطور خودخوانده قائم مقام این حزب شد. نباید فراموش کرد که حضرتی در جریان آخرین انتخابات مجلس شورای اسلامی رد صلاحیت شد و در دو شب مانده به برگزاری انتخابات با کمک سپاه تایید صلاحیتش را گرفت و در لیست امید جای داده شد تا بطور فله ای با نام «تدبیر و امید» رای بیاورد. این گروه همان هایی هستند که مذبحخانه تلاش می کنند «براندازی» را مترادف «خشونت و جنگ» قلمداد کنند و مخالفان دمکرات رژیم را جنگ طلب می خوانند اما همسو شدن قاسم سلیمانی و حسن روحانی در بستن تنگه هرمز را «وحدت ملی» می نامند. پادوهای این جریان و موجب گیران آن در خارج کشور نیز کم نیستند.

روی جلد روزنامه سازندگی ارگان حزب کارگزاران که اولین بار سلیمانی را «سردار ایران» دانست و لزوم اتحاد سپاه و دولت را تئوریزه کرد. «ظریف و سلیمانی دو بال پرواز سیاست خارجی» دست پخت آنهاست. اینان وارثان همان ملغمه ای ارتجاع سرخ و سپاه هستند که «خط امام» را تئوریزه کرده و جنایتکاری مانند خلخالی کاندیدای ریاست جمهوری بشان بود!

محمد قوچانی سردبیر روزنامه سازندگی در واقع «محسن حججی» جریان اصلاح طلب است. او که مدتی است به عنوان مشاور رسانه ای حسن روحانی فعال است مجموعه «هم میهن» بنگاه رسانه ای حزب کارگزاران را با حمایت غلامحسین کرباسچی می چرخاند. مهمتر آنکه کرباسچی و کارگزارانی که امروز مرید قاسم سلیمانی هستند تا همین چند سال پیش ظاهرا اصلی ترین منتقدین حضور نظامی سپاه در سوریه بوده اند.

بخشی از کارها در این جناح با مشارکتی های سابق که بخشی از آنها در حزب اتحاد دور هم جمع شده اند تقسیم شده است. فرمان پروژه ی تبلیغ «سوریه ای شدن ایران» که فردای براندازی به دست اینها صادر شد. طرح «کودتای سپاه علیه دولت» و «روی کار آمدن دولت نظامی»

و اعلام کرده اند که همگی سوار یک کشتی هستند که اگر سوراخ شود همه با هم غرق می شوند. از همین رو طبق معمول و مانند هر بنگاه دیگر، دو جناح به هم نزدیک شده اند.

دولت و استعمارطلبان:

هم سفره های سپاه

گروه دوم جنگ طلب ها کسانی هستند که جای پا در دولت دارند و حسن روحانی با چراغ سبز علی خامنه ای فرماندهی بی تفنگ آنها شده و از سوی قاسم سلیمانی، فرماندهی با تفنگ، به خاطر مواضع جنگ طلبانه اش مورد تقدیر قرار گرفته است. ریشه های این گروه به حزب کارگزاران سازندگی و حزب اعتماد ملی و مشارکتی های سابق می رسد که دانه درشت های آن امثال محسن هاشمی رفسنجانی، غلامحسین کرباسچی، حسین مرعشی، الیاس حضرتی و سعید حجازیان هستند.

در سطح رسانه و وبمباران تبلیغاتی، روزنامه هایی مثل سازندگی، اعتماد، شرق و آرمان را دارند که در ادوار مختلف قاسم سلیمانی را چاق کردند و از او حتی یک «سردار ملی» ساختند. اینها از سوی افرادی که عمدتاً در دهه هشتاد خورشیدی به خارج کشور صادر شده و در مؤسسات و دانشکده های غرب و همچنین رسانه های فارسی زبان دولتی خارجی جا خوش کرده اند، حمایت می شوند.

در این میان، همکاری هوایمایی ماهان و سپاه از بارزترین مثال ها برای آشکار کردن همپوشانی گروه اول و دوم است. این خطوط هوایی تجاری از بزرگترین بنگاه های اقتصادی حزب کارگزاران است که برای انجام ماموریت های نظامی در سوریه و عراق دست در دست سپاه دارد و نیرو و تسلیحات حمل می کند و به همین علت از سوی آمریکا تحریم شده است. همچنین فردی مانند الیاس حضرتی سپاهی سابق قابل توجه است که از نفوذش در این نهاد نظامی برای پر کردن جیب های خود بهره برد و در نهایت با یک شبه کودتا در آخرین نشست حزب اعتماد ملی با زور بسیجی ها در کانون توحید (محل

برجام خارج نشود، کیهان تهران تیتز زد: «شلیک موشک انصارالله به ریاض، هدف بعدی دوی». این تهدید در حالی تیتز زد که کیهان تهران شده بود که عربستان و آمریکا و اسرائیل از اسناد و مدارکی درباره دست داشتن سپاه پاسداران و کارخانجات «شهید باقری» سپاه در تقویت توان موشکی حوثی ها رونمایی کرده و این پرونده به سازمان ملل ارجاع داده شده بود و عربستان بعضی قطعات موشکی را که آرم صنایع تسلیحاتی سپاه روی آن بود به نمایش گذاشت.

آن زمان دولت حسن روحانی و محمدجواد ظریف و معاونان او و بسیاری از نمایندگان مجلس نزدیک به جریان اصلاح طلب، فعالین سیاسی حامی دولت و جماعت استعمارطلبان و اغلب روزنامه های این جناح اعم از شرق، اعتماد و آرمان موجی گسترده علیه کیهان تهران و حسین شریعتمداری به راه انداختند و او را متهم به «زیر پا گذاشتن منافع ملی» کردند. در نهایت هیات نظارت در مطبوعات به کیهان تذکر داد و دو روز از چاپ آن جلوگیری به عمل آمد. البته این انتقادات بر جنگ طلبی فردی مانند حسین شریعتمداری و ارادل و اوباش بسیج و سپاه تأثیری نداشت. چنانکه در روزهای بعد کیهان تهران دوی را مجدداً تهدید به حمله موشکی کرد و در اولین شماره پس از رفع توقیف دو روزه تیتز زد: «مصالح ملی در حمایت از مظلومان یمن است نه نگرانی برای برج های دوی»!

از آن دوران تا امروز شرایط سیاسی و موقعیت بین المللی نظام تحت تأثیر تهران رویداد مهم زیر و رو شد. یکی آغاز تظاهرات سراسری و اعتصابات گسترده در دی ماه سال ۱۳۹۶ که همچنان ادامه دارد و دیگری خروج آمریکا از برجام و آغاز مجدد تحریم ها که بطور رسمی هنوز شروع نشده اما آثار آن ویران کننده است. نتیجه و آثار این دو رویداد هر دو جناح جمهوری اسلامی را به این باور رسانده که «براندازی» و «فروپاشی» و «سقوط» نظام با «جنگ اقتصادی» و «جنگ روانی» جدی است. کم نیستند از مقامات جمهوری اسلامی که احساس

چند ماه پیش کیهان تهران به دلیل حرف هایی که امروز دولت روحانی و طرفدارانش می زنند تویببخ و دو روز تعطیل شد!

● نظام و جریان های مدافع و حافظ آن فکر می کنند این جنگ نیز اگر روی دهد «نعمت» است! و اگر هم روی ندهد، باز هم «نعمت» است چون تبلیغ اش نعمت آفرین است!

در شرایطی که هیچ یک از مقام های رسمی ایالات متحده، بر خلاف دولت اوباما، در مورد «گزینه نظامی» علیه جمهوری اسلامی حتی با وجود افزایش تنش های لفظی میان دو طرف صحبتی نکرده اند، محافلی در داخل و خارج از ایران برای تنش آفرینی و به راه افتادن یک درگیری نظامی به تکاپو افتاده اند.

این جنگ طلبان که با یکدیگر تقسیم کار کرده اند بطور کلی سه گروه هستند.

گروه اول که چند لایه دارد ارزشی ها، دلوایسان و آتش به اختیارها هستند. تجمع آنها در جناح اصولگراست که یک سرش به سپاه پاسداران و بازوهای منطقه ای آن یعنی شبه نظامیان حزب الله و حماس، حشدالشعبی و حوثی ها و امیران بلند پایه ارتش وصل می شود و سر دیگرش ترکیبی است از سیاسیون، روحانیون و نظامیان لباس شخصی که در مجلس شورای اسلامی یا پست های مدیریتی جا خوش کرده اند. لباس شخصی ها و بچه حزب اللهی ها عمدتاً پادوهای آنها هستند و یکی از کاربردهای آنها «حججی سازی» است.

بازوی رسانه ای این گروه خبرگزاری هایی مانند تسنیم، فارس و مشرق نیوز و روزنامه هایی مثل کیهان تهران و جوان هستند. بطور سنتی «آب و نان» آنها در جنگ است و از تنش و درگیری تغذیه می کند و هویت شان با بحران و جنگ تعریف می شود. آنها و اسلافشان از دوران «دفاع مقدس» تا امروز انگل وار از این سفره لقمه گرفته اند و همواره بر طبل جنگ می کوبند.

قاسم سلیمانی امروز چشم و چراغ این جریان است. از گذشته تا امروز فقط زبان تهدید دارند و البته فقط زبان تهدید را می فهمند! این گروه نه تنها از آثار و عواقب فاجعه بار جنگ و درگیری و تخریب ها پشیمان نیستند بلکه نقش خود را در چنین بستری تعریف می کنند. موشک های آنها روزی به سمت اسرائیل و عربستان نشانه می رود و روزی اروپا را در تیررس خود می بینند. فاز جدید آنها بستن تنگه هرمز و باب المندب است. منفعت آنها در جنگ است و به همین دلیل خمینی رهبر انقلاب آن را «نعمت» نامیده بود.

چه توان عمل داشته باشند چه نداشته باشند، همچنان روی کشتار و گروگانگیری آمریکاییان در منطقه تبلیغ می کنند و از اعزام میلیونی چریک های اسلامی به کشورهای غربی حرف می زنند. چنانکه کیهان تهران، در دوم مرداد، از حمله موشکی به شرکت های اروپایی در دوی، ابوظبی و ریاض نوشت و یک روز بعد گزارش شد که حوثی ها با موشک دو نفتکش عربستانی در باب المندب و همچنین فرودگاه ابوظبی را هدف قرار دادند.

به حدود ۹ ماه پیش برگردیم: در ۱۳ آبان ۱۳۹۶ (پیش از خروج آمریکا از برجام) درست زمانی که دولت حسن روحانی و تیم محمدجواد ظریف در تکاپو بودند تا اروپایی ها و روسیه را جلو بیاندازند که دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا را راضی کنند از